بسم الله الرحمن الرحیم

و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

[illegible]

و من کفر فان الله غنی عن العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلم علی خیر
خلقه محمد و آله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم
اجمعین الی یوم الدین وبعد پس میگوید احوج عباد
الله الی عفو ربه الباری مرتضی بن محمد امین الانصاری این
مختصریست در بیان واجبات و اکثر مستحبات حج بیت الله الحرام
بزبان فارسی بجهة اجابت بعض مؤمنین و اعانت سایر حجاج
و معتمرین تحریر شد و غالبا طریق احتیاط را سلوک شده
تا انتفاع از آن اختصاص بمجتهدین و مقلدین نداشته باشد امید

که

مناسک حج

که انتفاع مؤمنین باعث موجب عفو معاصی این عاصی شود و ما
توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب بدانکه
حجة الاسلام که در تمام عمر یکبار واجب میشود بر هر مکلف که جامع
شرایط مقرره بوده باشد بر سه نوع است حج تمتع و حج قران
و حج افراد و چون نوع واجب بر اغلب فارسی زبانان که غرض
اصلی از تحریر این رساله هستند حج تمتع است لهذا اکتفا
میشود ببیان همین نوع پس بدانکه حج تمتع مرکب است از دو عبادت
یکی را عمره تمتع میگویند و دیگری را حج تمتع پس حج تمتع اطلاق
بر مجموع دو عبادت میشود و بر یکی جزو از این مرکب نیز اطلاق
میشود و جزو اول یعنی عمره تمتع مقدم است بر جزو ثانی یعنی
حج چنانچه اگر کسی را ممکن نشود که آن را پیش از حج بجا آورد بجهت
عذری حج او حج افراد میشود بتفصیلی که بجای خود خواهد آمد بعد از فراغ از بیان افعال
عمره ان شاء الله تعالی بدانکه قسم اول از اقسام ثلثه که حج
تمتع صورت آن اجمالا که مکلف قبل از شروع در آن باید اجزاء
آن را اجمالا بداند چنانچه اجزاء نماز را قبل از شروع باید بداند
آنکه اولا احرام میبندد از برای عمره تمتع بتفصیلی که
خواهد آمد بعد از آن که داخل مکه شد طواف عمره میکند

[illegible] در نظر معین [illegible] بکنند و معلوم [illegible] معرفت [illegible] باشد آنکه [illegible] ممکن باشد

یعنی هفت بار میکردد بدور خوانه کعبه که هر نوبه را شوط میکویند و بعد از آن دو رکعت نماز طواف میکند در مقام ابراهیم و بعد از آن سعی میکند یعنی راه میروند میانه صفا و مروه که دو مکانند هفت بار و رفتن از صفا بمروه یکبار است و مراجعت از مروه بسوی صفا بار دیکر محسوب است بعد از آن تقصیر میکند یعنی اندکی از ناخن یا موی خود میکیرد و چون از این فارغ شود هر چه بر او بسبب احرام حرام شده بود از برای او حلال میشود و باین جهت این عمره تمتع مینامند و حج او را حج تمتع میکویند که شخص مکلف بعد از ادای عمره میتواند متمتع شود یعنی منتفع و متلذذ شود بچیزهائیکه بعد از احرام بر او حرام شده بودند و چون نزدیک روز نهم شود باز ثانیا احرام می بندد از برای حج تمتع از مکه بتفصیلیکه خواهد آمد و میرود بسوی عرفات که نام موضعی است بچهار فرسخی مکه و از روز نهم از ظهر تا مغرب در آنجا میماند و شب از آنجا کوچ میکند و بمشعر الحرام میاید که در دو فرسخی مکه است تخمینا و در آنجا میماند از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب و از آنجا میاید بسوی منا که نام موضعی است قریب بمکه و در آنجا سه عمل

بجامیاورد

حاشیه (راست):

حلال میشود حتی بر عمره تمتع الا شیئین ... منه

افضل بلکه در حق متمکن روز ترویه است منه

بجامیاورد اول رمی جمره یعنی انداختن سنک ریزه بر جمره عقبه دویم ذبح یا نحر هدی سیم تراشیدن سر یا کرفتن از مو یا ناخن و بعد از آنکه مراجعت میکند و طواف زیارت میکند بدستور سابق بعد از آن نماز طواف میکند بعد از آن سعی میان صفا و مروه مینماید بطور کذشته و بعد از آن طواف نساء میکند چه زن و چه مرد باشد و چه طفل و بعد از آن دو رکعت نماز طواف میکند و بعد از آن مراجعت میکند بمنی از برای ماندن در آنجا شب یازدهم و شب دوازدهم و در روز یازدهم و دوازدهم نیز رمی جمرات میکند و بعد از این اعمال در منی فارغ میشود از تمام اعمال حجة الاسلام کرده در ضمن او بود و اکر شخص مکلف بحج جاهل باین افعال باشد در ابتدای احرام لکن قصد کند که حج واجب بر ذمه او را بجا بیاورد بطوریکه بعد از اشتغال بعمل بر او مشخص خواهد شد مثل اکثر عوام که قصد میکنند اتیان عمل را بر طبق رساله که در دست است یا بر طبق قول یا عمل مجتهدی که بهمراه او هستند ظاهرا عمل او صحیح خواهد بود چنانچه

حاشیه (چپ):

یعنی منی و اما در غیر آن پس نماز را در طواف ... میکند منه

بلکه ... در بعض صور ... در روز ... میکند ... منه

نعیف اصل اعمال ... مقتبس است ... در تقاضیر اعتماد بر علمی که تقصیر میکند با اطمینان بحصول نمیداند منه

و مجنبی بعد از خواب بلکه مطلق حدث و تطیب نخوردن طعامی که در آن طیب باشد ضا

از بعض روایات مستفاد میشود و اما صورت حج تمتع تفصیلا
پس اول افعال از عمره است چنانچه دانستی و چون واجبات عمره پنج بود
و واجبات حج پانزده بود پس مجموع بیست واجب بود و دو باب و دوازده
فصل بیان میشود ان شاء الله تعالی **باب اول** در افعال
عمره است و در او چند مقصد است **مقصد اول**
در مستحبات قبل از احرام و در احرام و بعد از او و مکروهات
احرام بدانکه مستحبات در وقت اراده احرام و مهیا شدن
از برای احرام به تنظیف بدن و کندن ناخن و شارب و ازاله
موی زیر بغل و موی عانه بنوره و غسل احرام و اگر بعد از غسل
بپوشد یا بخورد چیزی را که از برای محرم جایز نیست مستحبست
اعاده غسل و جایز است مقدم داشتن غسل بر میقات
هرگاه بترسد که آب در میقات نیابد و اگر مقدم داشت و بعد از آن
آب در میقات یافت مستحبست اعاده آن و اگر اول روز غسل
کند از برای شب کافی است و همچنین عکس و اگر حدث
اصغر واقع شود اعاده آن نماید و چون غسل کند این
دعا را بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّهُمَّ

اجعل

پنج فصل است فصل اول در احرام عمره است

اِجْعَلْهُ لی نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَاَمْناً
مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ
اَللّهُمَّ طَهِّرْنی وَطَهِّرْ قَلْبی وَاشْرَحْ لی
صَدْری وَاَجْرِ عَلی لِسانی مَحَبَّتَکَ وَمِدْحَتَکَ
وَالثَّناءَ عَلَیْکَ فَاِنَّهُ لا قُوَّةَ لی اِلّا بِکَ وَقَدْ
عَلِمْتُ اَنَّ قِوامَ دینی اَلتَّسْلیمُ لَکَ وَالْاِتِّباعُ
لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ و چون
جامه احرام بپوشد یکی را لنگ کند و بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّهِ الَّذی رَزَقَنی ما اُواری بِهِ عَوْرَتی وَاُؤَدّی
فیهِ فَرْضی وَاَعْبُدُ فیهِ رَبّی وَاَنْتَهی فیهِ اِلی
ما اَمَرَنی اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنی فَبَلَغَنی
وَاَرَدْتُهُ فَاَعانَنی وَقَبِلَنی وَلَمْ یَقْطَعْ بی وَوَجْهَهُ

اردت فسلّمنی لهو حصنی و کهفی و حرزی
و ظهری و ملاذی و رجائی و منجای و ذخری
و عدّتی فی شدّتی و رخائی و مستحب است که احرام
عقب فریضهٔ ظهر واقع سازد و اگر نباشد عقب فریضهٔ دیگر
و اگر نباشد عقیب نماز قضائی واقع سازد و اگر نماز قضا نداشته
باشد عقیب شش رکعت نماز و اقلّ آن دو رکعت است
در رکعت اول بعد از حمد توحید و در ثانی سورهٔ جحد بخواند
و چون از نماز فارغ شود و بخواهد نیّت احرام کند حمد و ثنای
الهی نماید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعا را
بخواند اللهم انی اسئلک ان تجعلنی
ممن استجاب لک و آمن بوعدک و اتبع
امرک فانی عبدک و فی قبضتک لا اوقی
الا ما وقیت و لا آخذ الا ما اعطیت
و قد ذکرت الحج فاسئلک ان تعزم لی
علیه علی کتابک و سنة نبیک صلوات

فسلّمنی د ر
و منجائی خ ل
مستحب است که احرام عقب صلوة باشد و افضل ترتیب مذکورات نیست اینکه مقید باشد استحباب رتبه لاحقه بنبودن سابقه
ظم

علیه و آله و تقوینی علی ما ضعفت و تسلّم لی
مناسکی فی یسر منک و عافیة و اجعلنی من
وفدک الذی رضیت و ارتضیت و سمّیت
و کتبت اللهم انی خرجت من شقة بعیدة
و انفقت مالی ابتغاء مرضاتک اللهم
فتمّم لی حجّتی و عمرتی اللهم انی ارید التمتع
بالعمرة الی الحج علی کتابک و سنة نبیک
صلواتک علیه و آله فان عرض لی عارض
یحبسنی فحلّنی حیث حبستنی بقدرک
الذی قدّرت علیّ اللهم ان لم تکن
حجة فعمرة احرم لک شعری و بشری
و لحمی و دمی و عظامی و مخی و عصبی

در مستحبات عمره تمتع

من النساء والثياب والطيب ابتغي بذلك
وجهك والدار الآخرة وچون نيت احرام كند سنت است
كه تلفظ باز كند ومقارن نيت بگويد لبيك اللهم
لبيك لبيك لا شريك لك لبيك ان
الحمد والنعمة لك والملك لا شريك
لك لبيك لبيك ذا المعارج لبيك لبيك
داعيا الى دار السلام لبيك لبيك غفار
الذنوب لبيك لبيك اهل التلبية
ذا الجلال والاكرام لبيك لبيك
تبدئ والمعاد اليك لبيك لبيك
تستغني ويفتقر اليك لبيك لبيك
مرغوبا ومرهوبا اليك لبيك لبيك

عوخ

اله

و ع ورد مستحبا دعا بعد كردن به تلفظ بنيت واستحباب دفعه ديگر معلوم نيست صح

اله الحق لبيك لبيك ذا النعماء والفضل
الحسن الجميل لبيك لبيك كشاف الكرب
العظام لبيك لبيك عبدك وابن عبديك
لبيك لبيك يا كريم لبيك ومستحبات است
كه اين فقرات را نيز بخواند لبيك اتقرب اليك
بمحمد وآل محمد لبيك لبيك بحجة وعمرة
لبيك لبيك وهذه عمرة متعة الى الحج
لبيك لبيك اهل التلبية لبيك لبيك
تلبية تمامها وبلاغها عليك وسنت است
بلند گفتن تلبيه اگر مرد باشد ومكرر گفتن وقت
بيدار شدن از خواب وعقيب هر نماز واجب وسنت
ووقتيكه بر شتر سوار شود وشتر برخيزد ووقتيكه

ولكن ابن ادريس احوط اعاده احتياط است ان معلوم نيست صح

قطع بعد از این حد بعید نیست واجب باشد بلکه رعایت مقدم علیه هم مبانیت بشود و مستفاد از بعضی احادیث آنست که حد بیوت در صدر اسلام ملاحظه میشود

بر تلی بالا رود یا بسر اشیبی پائین آید و وقتیکه بسواره
برسد و در سحرها تلبیه بگوید هرچند جنب یا حائض
باشد و تلبیه را قطع نمیکند در عمره تمتع تا آنکه خانهای
مکه را ببیند و در حج تمتع تا پیشین روز عرفه و آنکه
مکروه است احرام در جامه سیاه بلکه بعضی مطلق رنگ را
گفته اند لکن ظاهر بعضی اخبار معتبره عدم کراهت در غیر سبز است
و مکروه است که بخوابد در رخت خواب سیاه و بر بالش سیاه
و در رخت چرک و اگر در احرام چرک شد بهتر آنست که نشوید
تا محل شود و مکروه است استعمال حنا هرچند نه بقصد زینت
باشد و دخول حمام و سائیدن بدن و لبیک گفتن در جواب
کسی که او را آواز کند و استعمال ریاحین و بعضی بحرمت فرموده اند
شستن بصابون و خطمی و شستن بدن با آب سرد و مبالغه
در مسواک کردن و سائیدن رو و مصارعه یعنی کشتی گرفتن

مقصد دویم در مواقیت احرام است بدانکه
محل احرام بستن که آنرا میقات مینامند مختلف میشود
باختلاف طریقی که مکلف از آنها عبور میکند و میقات کسیکه

میرود

در مواقیت

میرود پس کسیکه راه او از مدینه منوره باشد میقات او مسجد
شجره است و آنرا ذو الحلیفه میگویند و جائز است از برای او
در وقت ضرورت تاخیر احرام تا میقات اهل شام و کسیکه
از راه عراق و نجد برود میقات او وادی عقیق است و اول
آنرا مسلخ میگویند و اوسط آنرا غمره و آخر آنرا ذات عرق
و احرام کاملتر است و افضل احرام است از مسلخ اگر بطور یقین معلوم
شود و الا تاخیر احوط است تا یقین کند که در وادی عقیق
رسیده و احوط آنست که تاخیر نکند تا بذات عرق بلکه
بعضی از علما آن را جائز نمیدانند تاخیر را و اگر تقیه اقتضا
کند تاخیر را تا بذات عرق پیش از رسیدن بانجا نیت احرام
کند و تلبیه را باخفات گوید و رخت خود را در نیاورد و اگر
ممکن شود در بیابان بر مخفی و جامه احرام را بپوشد و باز آنرا
در زیر رخت خود را بپوشد و بجهت آن فدیه میدهد
چنانچه خواهد آمد و جامه احرام نپوشد تا بذات عرق
رسد آن وقت جامه احرام را بپوشد و اظهار کند که الحال
محرم میشود و کسیکه راه او از طایف باشد میقات او قرن المنازل است

۲۱ و هرگاه این احتیاط ممکن نشود ترک نکند احتیاط را بتقدیم احرام از اول موضعی که احتمال محاذات میقات اقرب بطریق میدهد با قصد و لو بنحو واجب از ابتداء احرام احتیاط و تجدید تلبیه

وکسیکه از راه یمن برود میقات او یلملم است که
اسم کوهی است و کسی که از راه شام برود میقات او جحفه
است بتقدیم جیم بر حاء مهمله و بدانکه احوط و اقوی
لزوم تحصیل علم است باین اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید
نیست اکتفا بظن حاصل از پرسیدن اهل معرفت باین
اماکن و کسیکه منزل او نزدیکتر از این مواقیت بمکه باشد
میقات او منزل او است و کسیکه از راهی عبور کند که هیچ
یک از مواقیت خمسه مذکوره عبور نکند احوط در حق
او آنکه احرام ببندد بمحاذی میقاتیکه اقرب بطریق او
بوده باشد هر چند که دورتر از دیگری باشد بمکه
و بعد از آن تجدید احرام کند در موضعی که محاذی
میقاتی باشد که نزدیکتر است بمکه از آن میقات سابق
و اگر علم بمحاذات ممکن نباشد ظاهر اکتفا بمظنه است
و بعضی گفته‌اند احرام میبندد از موضعی که قبل از آن
احتمال محاذات ندهد و احوط از برای این شخص مرور

بر یکی

بر یکی از مواقیت است و احرام از آنجا و بدانکه کسی که عمداً
از برای او از احرام بستن در میقات خود بسبب فراموشی یا عذری
دیگر روی دهد پس بعد از زوال عذر اگر ممکن باشد برگشتن
بمیقات بر میگردد و الا احرام از همان مکان خود می‌بندد مگر آنکه
بعد از دخول حرم زوال عذر شود پس واجب است که از حرم
بیرون رود با تمکن و الا از جای خود احرام می‌بندد و اگر
فراموش کرد احرام را و بخاطرش نیامد مگر بعد از اتمام جمیع
واجبات پس جمعی از علما عمره را باطل میدانند و بعضی از آن صحیح
میدانند و این قول بعید نیست و لیکن احوط اعاده است و اگر
کسی عمداً ترک کند احرام را و ممکن نشود او را تدارک
او از میقات پس اقوی فساد عمره او است اگر چه احوط احرام
از هر مکانی که ممکن باشد مثل ناسی و اتیان بعمره است و قضای
آن بعد از آن و اما جاهل پس اقوی صحت عمره است
و بدانکه شرط احرام طهارت از حدث اصغر و اکبر نیست

در تلبیه واجب

نیست لبس جایز است احرام از جنب و حائض و نفساء بلکه
غسل احرام از برای حائض و نفساء مستحب است مقصد
سیم در واجبات احرام و آنچه متعلق بآنها است اما واجبات
در احرام پس سه چیز است اول نیت است بآنکه قصد کند احرام
بستن از برای عمره تمتع حجة الاسلام بجهة اطاعت فرمودۀ خداوند
عالم و معنی احرام بستن چنانچه بعضی ذکر کرده اند بخود قرار
دادن ترک امور چند است که خواهد آمد بجهت توجه بمکه
بجهت اداء افعال عمره دویم گفتن چهار تلبیه است
و صورت آن بنا بر احوط بلکه اصح این است لبیک اللهم
لبیک لبیک لا شریک لک لبیک انّ الحمد
و النعمة لک و الملک لا شریک لک
و واجب است تصحیح این فقرات چنانچه تصحیح تکبیرة الاحرام و قرائت
حمد و سوره و غیر آن در نماز واجب است و احوط و اولی کسر همزه انّ
و فتح کاف الملک است و اگر تکرار لک بعد الملک نماید بد
نیست و بدانکه واجب است تعلم آن اگر نداند تا ممکن باشد
از او یا کسی او را تلقین کند و اگر ممکن نشود جمع کند میان

تلفظ

واجبات احرام

تلفظ بآن بهر نحو که ممکن شود و ترجمه آن و نایب گرفتن برگفتن
آن سیم واجبات قبل از نیت و تلبیه پوشیدن دو جامه
احرام که یکی از آنها استر کند ما بین ناف و زانو که آنرا ازار گویند
و دیگری که آنرا ردا گویند انقدر باشد که ساتر منکبین بوده
باشد و بدانکه ظاهر مشهور آن است که پوشیدن این دو جامه
و کندن رخت دوخته خود شرط احرام نیست اگر چه واجب است و ظاهر
بعضی اشتراط کندن رخت دوخته است پس احوط آن است که قبل از نیت
و تلبیه رخت احرام پوشد و شرط است در دو جامه که نماز در آنها صحیح
باشد پس کفایت نمیکند حریر و غیر ماکول اللحم و متنجس بنجاستی
که معفو نباشد و همچنین کفایت نمیکند از دیگر اشرم ازاری
نمایان باشد و احوط در رداء نیز ملاحظه این شرطها است
و احوط تطهیر این دو جامه است یا تبدیل آنها اگر نجس شوند
در احوال احرام بلکه احوط مبادرت است بازاله نجاست از بدن نیز
و بعضی از علماء منع نموده اند از حریر خالص در جامه احرام
زن و خالی از قوت نیست یا آنکه احوط است بلکه بعضی
تصریح فرموده اند که احوط آن است که زن در جمیع احوال

علی الاحوط ضا

بنا بر احوط اگر نباشد اقوی ضا

یعنی احوال احرام

حوی خالص نپوشد واحوط آنستکه از جنس پوست نباشد
بنا بر آنکه در عرف عرب ثوب بر او صدق نمیکند و همچنین
منسوج بوده باشد مثل نمد مالیده باشند مقصد
چهارم در تروك احرامست چون دانستی که حقیقت
احرام توطین نفس است بر ترك اموریکه خواهد مذکور شد پس ناچار است
از معرفت این امور بلکه احوط مراجعت آنها است پیش از نیت احرام
تا قصد کف از آنها نماید بلکی التفات بآنها تفصیلا در وقت
نیت احرام لازم نیست و آن چند امر است اول
شکار صحرائی که وحشی باشد مگر در صورت خوف اذیت از آن
و حرام است نیز خوردن آن و نگاه داشتن او و هرچند که مالك
او بوده باشد قبل از احرام و بهمراه خود آورده باشد و اعانت
کسی که او را شکار کند بهر نوع از اعانت و اما شکار دریائی
پس باك بآن نیست و مراد بآن حیوانی است که تخم و جوجه خود را
هر دو در دریا کند و همچنین حیوان اهلی مثل مرغ خانگی و گاو
و گوسفند و شتر اهلی و هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن
نیز حرام است و اگر محرم صید را ذبح کند مشهور آنست که میته

خواهد

خواهد بود در بارهٔ محرم و محل و ملحق در حکم شکار صحرائی است
دویم جماع کردن با زن و بوسیدن و بازی کردن و نگاه کردن بشهوت
بلکه مطلق التذاذ و استمتاع بزن و بدانکه اگر کسی در احرام جماع کند
با زن یا مرد چه در قبل و چه در دبر نه از روی نسیان یا نادانی پس
اگر در عمره است اگر پیش از سعی واقع شد عمرهٔ او فاسد است و بر او یک
شتر کفاره لازم است بدهد و عمره را تمام میکند و او را اعاده
و اگر عمره تمتع باشد پیش از حج او را بجا میاورد و اگر وقت تنگ
باشد حج او افراد میشود پس بعد از حج عمرهٔ مفرده بجا میاورد
و احوط اعادهٔ حج است در سال آینده و هرگاه بعد از سعی
باشد همان کفاره تنها بر او لازم است و اگر در احرام حج این عمل
شود اگر پیش از وقوف عرفه و مشعر بوده حج او نیز فاسد است
اجماعا و واجب است آن را تمام نماید و قضای آن را در سال دیگر
نماید و همچنین اگر بعد از وقوف عرفه و قبل از مشعر بوده
علی الاشهر و اگر بعد از وقوفین باشد حج او صحیح است و همان
کفاره لازم است اگر پیش از طواف نساء نموده و الا کفاره
نیست علی الاظهر اگر چه احوط کفاره است و در کفاره بوسیدن

زن خلافست بعضی گفته اند که اگر از روی شهوت است
یکشتر است و اگر نه از روی شهوت است یک گوسفند است و بعضی
مطلقا یکشتر میدانند و این احوط بلکه خالی از قوت نیست و اگر
نگاه کند عمدا بغیر اهل خود و انزال او شود احوط آنکه اگر میتواند
یکشتر و الا یک گاو و الا یک گوسفند و اگر نگاه با اهل خود کند
و انزال شود شهوت یک شتر است و اگر کسی دست بازی
کند بشهوت بی انزال پس بعضی گفته اند که یک گوسفند بر او لازم است
و با انزال او و اشتر لازمست سیم عقد کردن زن از برای
خود یا غیر که محرم باشد یا محل و همچنین شاهد شدن
بر عقد و اقامه شهادت هر چند متحمل از شده باشد
در غیر حال احرام و احوط ترک خطبه است یعنی خواستگاری
زن و اما رجوع بمطلقه رجعیه پس بی عیب است و همچنین
خریدن کنیز هر چند جهت استمتاع باشد بلی اگر مقصود
استمتاع در حال احرام بوده باشد احوط ترک آن است
بلکه بعضی جزم بحرمت کرده اند چنانچه احوط ترک تحلیل
کنیز است و قبول تحلیل آن و بدانکه کسی که عقد کند زنی را
در حال احرام برای محرمی و محرم دخول کرد پس بر هر یک از

اربع

ایشان یکشتر کفاره است و اگر دخول نکند بر هیچ یک کفاره نیست
و همچنین کفاره لازم است بر عاقد از برای محرم با دخول هر چند
عاقد محل باشد بلکه بر زن که محل باشد هر گاه بداند که شوهر محرم است
چهارم استمنا است یعنی طلب نزول منی بدست یا غیر آن هر چند بخیال
بوده یا ملاعبه با زن خود یا کسی دیگر و بدانکه انزال منی باستمنا
بعضی او را مفسد حج دانسته اند مثل جماع کردن و بعضی همان کفاره
تنها را او [illegible] دانسته اند که یکشتر بوده باشد پنجم استعمال الطیب
یعنی بوهای خوش مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر
بوئیدن یا مالیدن بر بدن یا خوردن یا پوشیدن چیزیکه در آن
بوی خوش بوده باشد هر گاه اثر او باقی است و اگر محتاج بخوردن
یا پوشیدن شود دماغ خود را بگیرد و احوط بلکه خالی از قوت نیست
وجوب ترک استعمال ریاحین و غایة الاحتیاط ترک بوئیدن میوه های
خوشبو است مثل سیب و به و شبه آن اگر چه خوردن آنها ضرری ندارد
چنانچه ظاهر بعضی اخبار دلالت میکند بر هر بوی مطلب و خوشبوئی است
که خلوق کعبه و آن چیزیست که کعبه را باخوش بو میکنند

٥٥ مستفاد از غالب نصوص حرمت جامها دوخته است مطلق دوخته اگرچه قلیل

مستثنی است از حکم بوی خوش و حوز شبهه است حصد آن

از احوط اجتناب است از آن و استثنا کرده اند نیز شنیدن بو را

در وقت گذشتن از بازار عطاران که در مابین صفا و مروه

واقع است و احوط اجتناب است از آن نیز و بدانکه گرفتن طیب

کشتن یا کوسفندست و بدانکه احوط بلکه اقوی حرمت گرفتن

دماغ است از بوی بد بلی فرار کردن از آن بتند رفتن ضرر

ندارد ششم پوشیدن چیز دوخته ٥٥ و چیزیکه شبیه

بچیز دوخته باشد مثل رختهائیکه از نمد میمالند بهیئت

بالاپوش و کلیجه و کلاه و غیر آن و احوط اجتناب از مطلق دوخته

هرچند قلیل باشد حتی همیانیکه پول در آن میکنند

و در کمر میبندند و چیزیکه از برای ناخوشی باد فتق میبندند

مگر آنکه ضرورت داعی شود باستعمال آنها در این صورت

احتیاطاً فدیه بدهند چنانچه هرگاه محتاج شود بپوشیدن

دوخته فدیه بر او لازم است که یک کوسفند باشد

و احوط گره نزدن رخت احرام خصوصاً ردا و تکمه نکردن

ردا و بچوب یا سوزن بعض آنرا ببعض وصل نکند و بدانکه

٥٧ در خبر معتبر است که باید محرم نگاه نکند در آینه و هرگاه نگاه کرد باید لبیک بگوید

حرمت پوشیدن دوخته مخصوص مرد است بنابر مشهور

پس جایز است از برای زن پوشیدن آن مگر قفازین که قبل

از این چیزی بود که زنهای عرب میدوختند از برای حفظ

دستها از سرما و در او پنبه میکردند که احوط بلکه اقوی اجتناب

از آنست هفتم سرمه کشیدن بسیاه که در آن زینت باشد

هرچند قصد زینت نکند و احوط اجتناب از مطلق سرمه است

بقصد زینت ٥٧ هشتم نگاه کردن در آینه و بعضی تصریح

فرموده اند که احوط ترک استعمال منظره است یعنی عینک مگر بجهت

ضرورت و همچنین نگاه کردن در آب صاف و اقوی جواز آنهاست

نهم پوشیدن موزه و چکمه و جوراب و هرچه تمام پشت پا را بگیرد

و بعضی تصریح کرده اند که ستر بعض مثل ستر کل است مگر موضع بند

نعلین و دلیلش ظاهر نیست مگر آنکه احوط است و هرگاه محتاج شود

بپوشیدن خفین بجهت نبودن نعلین احوط شکافتن روی آنهاست

دهم فسوق است و مراد از او دروغ گفتن است و بعضی الحاق باب

فرموده اند و بعضی مفاخرت را الحاق کرده اند و بعضی مفاخرت را

راجع بسباب کرده اند چون اکثر مفاخرت اظهار فضایل است از برای

خود و سلب آنها از غیر یا اثبات رذایل است از برای غیر و سلب

الّا اذخر یا نباتات در زائل است از برای غیر و طب
الّا از خون و شبهه در تحریم همه مذکورات نیست
یازدهم جدال است و از گفتن لا والله یا بلی والله است
و احوط الحاق مطلق یمین است و در مقام ضرورت بجهت اثبات
حق یا نفی باطل جایز است و بدانکه اگر جدال صادق باشد
پس در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست بجز استغفار
فتوی داده اند والا انه احتیاطاً از لباس و بدن خود جایز است بلا اشکال
و در سه مرتبه یک گوسفند است و اما دروغ پس
مشهور آن است که در یک مرتبه یک گوسفند و در
دوم مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر است
دوازدهم کشتن جانوران که در بدن ساکن میشود
از بدن یا رخت مثل شپش یا کیک و کنه که در شتر
میباشد و همچنین انداختن آنها است بلکه از موضعی
بموضع دیگر نقل کردن که موضع اول احفظ باشد
از برای این سیزدهم انگشتر بدست کردن
بجهت زینت و پاکی نیت بجهت استحباب و بعضی

تصریح

تصریح فرموده اند بحرمت استعمال حنا بقصد زینت
در حال احرام بلکه قبل از زمانی که اثر آن بماند تا زمان
احرام و بعضی احتیاط کرده اند از استعمال آن هر چند
نه بقصد زینت باشد چهاردهم از برای زن
پوشیدن زیورات بجهت زینت مگر آنچه را که عادت
بپوشیدن آن داشته پیش از احرام پس باکی نیست به
گذاشتن آن و لیکن نباید از جهت احرام الا آنکه آنرا
اظهار نمیکند قصداً از برای زوج و غیر آن از مردان
پانزدهم روغن مالیدن است ببدن هر چند که در او
بوی خوش نباشد علی الاحوط بل علی الاقوی مگر بجهت
ضرورت شانزدهم ازاله موی است از بدن خود یا غیر
خود محل باشد غیر یا محرم هر چند یکمو باشد مگر
بجهت ضرورت مثل کثرت شپش و درد سر و موی چشم
که اذیت کند و باکی نیست بآنچه بی قصد کنده میشود
در وقت وضو بلکه غسل و فدیه سر تراشیدن
هر چند بجهت ضرورت باشد یک گوسفند است یا سه

در تروك احرام است

خالی از قوت نیست واحتیاط حاصل میشود بدادن چهار مد بچهار مسکین دیگر منه

روز روزه یا صدقه ده مد بده مسکین و بعضی گفته اند
دوازده مد بر شش مسکین و احتیاط اختیار گوسفند
وهم چنین هر گاه زیر هر دو بغل خود را ازاله مو کند بلکه زیر
یك بغل را علی الاحوط بل الاقوی و هر گاه دست بکشد
بسر یا بریش خود و یك مو یا دو مو بیفتد یك کف طعام
صدقه کند هفدهم پوشانیدن مرد است سر خود را
حتی بگل و حنا و حمل چیزی بر سر علی الاحوط و احوط و اولی
ترك پوشانیدن است بعض بدن مثل دست اگر چه اظهر جواز
آنست و گوشها ظاهرا از سر محسوب نیست و در حکم سر است بعض سر الا
آنکه استثنا شده از آن گذاشتن بند خیك آب بر سر و دستمال
بر سر بجهت صداع بستن و اشهر واظهر جواز پوشانیدن
روات است از برای مرد و قول بمنع شاذ است و در حکم پوشانیدن
سر است در قاس در آب بلکه مطلق مایع و بدانکه فدیه پوشانیدن
سر یك گوسفند است واحوط تعدد فدیه است بتعدد پوشانیدن
خصوصا هر گاه بعید باشد خصوصا هر گاه مجلس متعدد
باشد هیجدهم پوشانیدن زن است روی خود را بنقاب

وغیران

در تروك احرامات

وغیر آن و هم چنین بعض از آن مگر آنقدری که از باب المقدمه جهة
پوشانیدن سر از برای نماز از اطراف رو پوشیده میشود
و بعد از نماز فورا آن را مکشوف نماید و جایز است جهة رو
گرفتن از نامحرم که طرف چیزی را که بر سر زده است از چادر و غیره
پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه ذقن بلکه بعضی واجب دانسته اند
که آن بدن یا بچوبی دور از رو نگاه دارد که از قبیل نقاب نشود
و الا یك گوسفند کفاره بر او لازم است و این قول احوط است بلکه
خالی از قوت نیست نوزدهم سایه قرار دادن مرد است بر
بالای سر خود در حال منزل طی کردن بمثل هودج و چتر و کجاوه
سوار باشد یا پیاده علی الاحوط و احوط آنست که به پهلوی محمل
و هر چیز یکه بالای سر نباشد استظلال نکند اگر چه جواز
راه رفتن در سایه محمل و هر چیز یکه بالای سر نباشد خالی از قوت
نیست و جایز است جمیع اینها در وقت منزل کردن هر چند مرد
آمد و رفت در کارهای خود کند و بنشیند اگر چه احوط ترك است در وقت
تردد و هم چنین جایز است در وقت ضرورت بجهت شدت
سرما یا گرما یا باران و لکن کفاره میدهد و از برای زنها بلکه

در تروك احرام

اطفال جايز است بي كفاره وفديه است انداختن يك
كوسفند است واحوط انست كه اكر بتواند از براو هر روزي
يك كوسفند بدهد بيست ويكم بيرون اوردن خون است
از بدن خود مر غير هر چند بخراشيدن باشد يا مسواك
كردن باشد اكر بداند كه موجب ان ميشود وجايز است در حال
ضرورت وبعضي كفته اند كه كفاره ان كوسفندي است
وبعضي كفته اند اطعام يك مسكين بيست ودوم
ناخن كرفتن هر چند بعض ناخن باشد مكر انكه اذيت او كند
مثل انكه بعض او افتاده وبعض ديكر او اورا اذيت كند پس
فديه ميدهد وفديه از بعض يكمد از طعام است
چنانچه فديه ناخن تمامي همان است واكر مجموع ناخن
دست وپا را در مجلس واحد بكيرد يك كوسفند لازم است
واكر دستها را در يك مجلس جدا وپاها را جدا بكيرد
در مجلس ديكر دو كوسفند لازم است بيست وسوم
كندن دندان است هر چند خون نيايد وبعضي كفته اند كه كفاره
او يك كوسفند است واز احوط است بيست وچهارم كندن

در احرام عمره است

درخت وكياهي كه در حرم روئيده باشد مكر انكه در ملك
يا منزل او روئيده باشد ويا انكه خود اورا كاشته باشد واستثنا
شده است اذخر كه كياهي است معروف ودرخت ميوها
ودرخت خرما واكر درختي را بكند جمعي كفته اند كه اكر بزرك
باشد يك كاو كفاره ميدهد واكر كوچك باشد يك كوسفند
واكر بعض درخت باشد قيمت انرا ودر كياه كفاره نيست بجز
استغفار وجايز است كذاشتن شتر خود را كه علف را بخورد
ولكن خود بجهة او قطع نكند وبدانكه اين حكم مختص بمحرم
نيست بلكه در باره همه كس ثابت است وباكي نيست بواهد افتن
بخوصتعاران اكر چه موجب قطع بعض كياه حرم شود بيست
وچهارم سلاح برداشتن مثل شمشير ونيزه وهر چه بران
الت حرب بكويند مكر بجهت ضرورت وصريح بعضي دخول
مثل زره وخود وشبه ان از الات حفظ نه دفع در مفهوم
سلاح است واحوط عدم همراه داشتن سلاح است هر چند
بتن او نباشد والله العالم فصل دويم در طواف
عمره است ودران سه مقصد است مقصد اول

در مستحبات دخول مکه و مسجد الحرام است تا زمان اراده خروج
بدانکه سنت است که چون بحرم مکه برسد از شتر فرود
آید و غسل دخول حرم بکند و پا برهنه کند و نعلین بدست
گیرد و باین عنوان داخل حرم شود و در حدیث است که هر که
چنین کند بجهت تواضع و فروتنی نسبت بحق تعالی خداوند
عالم جل ذکره محو کند از او صد هزار گناه و بنویسد
از برای او صد هزار حسنه و صد هزار حاجت او را
بر آورده کند و در وقت دخول حرم این دعا بخواند
اللهم انک قلت فی کتابک و قولک
الحق و اذن فی الناس بالحج یاتوک
رجالا و علی کل ضامر یاتین من کل
فج عمیق اللهم انی ارجو ان اکون
ممن اجاب دعوتک قد جئت من شقة
بعیدة و فج عمیق سامعا لندائک و مستجیبا

لک

لک مطیعا لامرک و کل ذلک بفضلک
علی و احسانک الی فلک الحمد علی ما وفقتنی
له ابتغی بذلک الزلفة عندک و القربة
الیک و المنزلة لدیک و المغفرة لذنوبی
و التوبة علی منها بمنک اللهم
صل علی محمد و آل محمد و حرم بدنی
علی النار و امنی من عذابک و عقابک
برحمتک یا ارحم الراحمین و سنت است
بجهت دخول مکه معظمه غسل دیگر کند اگر میسر شود
و چون داخل مکه شود با رام تن و آرام دل و چون داخل
مکه شود از راه بالای مکه داخل شود و بعضی گفته اند
که این حکم مختص کسانیست که از راه مدینه روند و بعضی
غسل بجهت دخول مسجد الحرام ذکر کرده اند و چون
داخل شود از در بنی شیبه داخل شود و گفته اند که

الحال برابر باب السلام است باید که چون از باب السلام
داخل شود راست بیاید تا ستونها و با کمال خضوع
وخشوع و آرام دل و تن برود مسجد بایستد و بگوید
چنانچه در خبر صحیح است السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته بسم الله وبالله
وما شاء الله السلام علی انبیاء الله ورسله
السلام علی رسول الله السلام علی ابراهیم
خلیل الله والحمد لله رب العالمین ودر روایت
دیگر وارد شده است که بگوید بسم الله وبالله ومن الله
والی الله وما شاء الله وعلی ملة رسول الله
صلی الله علیه وآله وخیر الاسماء لله والحمد
لله والسلام علی رسول الله السلام
علی محمد بن عبد الله السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی

انبیاء

انبیاء الله ورسله السلام علی ابراهیم خلیل الرحمن
السلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین اللهم
صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد
وآل محمد ~~وبارک علی محمد وآل محمد~~ وارحم
محمداً وآل محمد کما صلیت وبارکت وترحمت
علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید
اللهم صل علی محمد وآل محمد عبدک ورسولک
اللهم صل علی ابراهیم خلیلک وعلی انبیائک
ورسلک وسلم علیهم وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین اللهم افتح لی
ابواب رحمتک واستعملنی فی طاعتک

ورضاتك واحفظني بحفظ الايمان ابدا ما ابقيتني
جل ثناء وجهك الحمد لله الذي جعلني من وفده
وزواره وجعلني ممن يعمر مساجده وجعلني
ممن يناجيه اللهم اني عبدك وزائرك في بيتك
وعلى كل ماتي حق لمن اتاه وزاره وانت خير
ماتي واكرم مزور فاسئلك يا الله يا رحمن بانك
انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك
وبانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم
يكن له كفوا احد وان محمدا عبده ورسوله
صلى الله عليه وعلى اهل بيته يا جواد يا كريم
يا ماجد يا جبار يا كريم اسئلك ان تجعل تحفتك
اياي بزيارتي اياك اول شيء تعطيني فكاك

رقبتي

رقبتي من النار پس سه مرتبه میکوئی اللهم فك
رقبتي من النار پس میکوئی واوسع علي من رزقك
الحلال الطيب وادرا عني شر شياطين الجن
والانس وشر فسقة العرب والعجم پس داخل مسجد
میشوی ومیکوئی بسم الله وبالله وعلى ملة
رسول الله پس دستها را بردار و رو بکعبه معظمه بکن
وبکو اللهم اني اسئلك في مقامي هذا وفي اول
مناسكي ان تقبل توبتي وان تجاوز عن خطيئتي
وان تضع عني وزري الحمد لله الذي بلغني
بيته الحرام اللهم اني اشهد ان هذا
بيتك الحرام الذي جعلته مثابة للناس وامنا
مباركا وهدى للعالمين اللهم ان العبد عبدك

والبلد بلدك والبيت بيتك جئت لاطلب
رحمتك واؤم طاعتك مطيعا لامرك
راضيا بقدرك اسئلك مسئلة الفقير اليك
الخائف لعقوبتك اللهم افتح لي ابواب
رحمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك
پس خطاب بکعبه کن وبگو الحمد لله الذي عظمك
وشرفك وكرمك وجعلك مثابة للناس
وامنا مباركا وهدى للعالمين وچون نظر
بر حجر الاسود افتد روى بسوى او كند وبگويد الحمد لله
الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا
ان هدانا الله سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اكبر الله اكبر من خلقه
والله اكبر مما اخشى واحذر لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي
ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم
صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وآله
كافضل ما صليت وباركت وترحمت على
ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد
وسلام على جميع النبيين والمرسلين والحمد
لله رب العالمين اللهم اني اومن بوعدك
واصدق رسلك واتبع كتابك پس بتانى
روان شود و گامها را کوتاه بگذارد از ترس عذاب خدا پس
چون نزدیک بحجر الاسود رسد دستها را بردارد و حمد و ثناى
الهى را بجاى آورد و صلوات بر محمد وآل محمد بفرستد
وبگو اللهم تقبل مني پس دست و زنو مدنوا

مستحبات دخول مکه

بحجر الاسود بمالی و میبوسی انرا و اگر نتوانی ببوسی دست مال
و اگر نتوانی دست را بمالی اشاره بکن و بگو اللهم امانتی
اديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة
اللهم تصديقا بكتابك وعلى سنة نبيك
صلواتك عليه واله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله
امنت بالله وكفرت بالجبت والطاغوت
واللات والعزى وعبادة الشيطان وعبادة
كل ند يدعى من دون الله و اگر نتوانی همه را بگوئی
بعضی را بگو و بگو اللهم اليك بسطت يدي
وفيما عندك عظمت رغبتي فاقبل سبحتي
واغفر لي وارحمني اللهم اني اعوذ بك
من الكفر والفقر ومواقف الخزي في الدنيا

والاخرة

در واجبات طواف

والآخرة مقصد دویم در واجبات
طواف و بعضی از احکام ان است بدانکه مکلف بعمره تمتع
بعد از دخول مکه واجبست که ابتدا کند بطواف خانه کعبه
و طواف از ارکان عمره است کسی که عمدا او را ترک کند تا وقتی
که متمکن از او نشود پیش از وقوف بعرفات عمره او باطل است
چه عالم بمسئله باشد چه جاهل و ظاهر آنست که حج او حج افراد
میشود و وجوب قضای حج بر او در سال اینده قولیست [illegible]
کسی که حج تمتع او بجهت عذر بدل بافراد شود چنانچه
خواهد آمد و اگر کسی سهوا ترک کند لازمست اتیان
بان هر وقت که ممکن باشد و اگر سعی را بجا آورده سعی را نیز
اعاده کند و مریض اگر ممکن است او را بدوش میگیرند و طواف
میدهند و الا نایب میگیرند از برای او و بدانکه
واجبات طواف دوازده امرست پنج از ان شرطند
و هفت از ان واجب داخل شرط اول

طهارت از حدث پس جایز نیست طواف واجب از محدث
و اگر محدث غفلة طواف کند طواف او باطل است و اگر در اثنای
طواف محدث شود پس اگر بعد از تجاوز نصف بوده قطع میکند
و طهارت میگیرد و از موضع قطع تمام کند و اگر قبل از آن بوده
طواف را بعد از طهارت از سر گیرد و بدانکه حکم شک
در گرفتن طهارت بعد از حدث یا شکستن آن بعد از گرفتن
قبل از طواف و بعد از آن و در اثنای آن حکم شک است
در طهارت جهت نماز حرفا بحرف و اگر معذور باشد
در وضو و غسل واجب است تیمم جهت اباحه طواف بنحویکه
در تیمم جهت صلوة مقرر شده و اگر آب و چیزیکه
بان تیمم کند هیچ یک موجود نباشد پس حکم آن حکم
غیر متمکن از طواف است که با یاس از تمکن نایب میگیرد
و احوط آنست که خود نیز طواف کند چنانچه احوط آنست
که جنب متیمم بعد از آن که طواف کند نایب بگیرد
شرط دویم طهارت بدن و رخت از نجاسات

هر چند نجاستی باشد که در نماز معفو است مثل دم کمتر از درهم
و دم جروح و قروح علی الاحوط خصوصا بملاحظه قول بحرمت
ادخال مطلق نجاست در مسجد اگر چه خلاف آن اقوی است و اگر
طواف کند پس عالم شود بنجاست بعد از فراغ از طواف اظهر
صحت است و اگر عالم شود در اثنای طواف جمعی بر آنند که قطع
کند طواف را و ازاله میکند نجاست را و بر گردد و تمام کند
طواف را و احوط استیناف است بعد از اتمام خصوصا با تخلل
فعل کثیر که موجب قطع طواف بوده باشد قبل از کمال چهار
شوط و همچنین است حکم هر گاه نجاست عارض ثوب یا بدن
شود در حال طواف و کفایت اتمام در اینجا اظهر است
و اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند پس اقوی و احوط
اعاده طواف است **شرط سیم** ختنه کردن است
در حق مردان پس بدون آن طواف باطل است و این
شرط درباره زنان نیست و احوط ثبوت این شرط است
درباره اطفال کوچک پس اگر بدون ختنه طواف

اقوی بودن ممنوع است

واجبات طواف

کند یا الطواف انهار الطواف لنساء از ایشان باطل خواهد بود
پس زن از برای ایشان بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر
انکه تدارک طواف نساء نماید بخود یا نایب **شرط**
چهارم ستر عورت است بنابر احوط بلکه اقوی و معتبر است
در ان اباحه بلکه احوط ملاحظه جمیع شرایط لباس
مصلی است در ان نظر بحدیث مشهور که طواف در حکم
نماز است **شرط پنجم** نیت است و نیت چنین کند
که هفت دور طواف خانه کعبه طواف عمره تمتع از فرض
حجة الاسلام بجهت اطاعت فرمان خداوند عالم و اما
واجبات داخل در حقیقت او هفت است **پس اول**
ابتدا کردن است بحجر الاسود بنحویکه تمام بدن او مرور
کند بر تمام حجر الاسود و چون تحقق این معنی بر وجه
حقیقت بسیار متعذر است اکتفا میشود در تحقق
ان بانکه محاذی نماید پیشترین اجزاء بدن خود را
با پیشترین اجزاء حجر الاسود و لهذا کلام واقع

شده

محتاج بتفصیل است ظ

متعسر بلکه ظ

در واجبات طواف

شده در تعیین جزوی که از انسان مقدم بر همه اجزاء بدن
او است که ایا از جزو طرف بینی است یا طرف انگشت ابهام
پاها است یا مختلف میشود حتی انکه در بعضی که فی الجمله بطینند
جزو اول شکم است و اما جزو مقدم حجر الاسود پس در زیر
تنکه نقره پنهان است و بر واضح است که ملاحظه محاذات
مذکوره در غایت تعسر است خصوصا با ازدحام شیعه
و سنی در طواف با انکه در الحاد و سنک نصب کرده اند که
شخص طواف میکند بملاحظه انها تحصیل علم یا مظنه بمحاذات
حجر الاسود میکند لهذا اختلاف واقع شده میانه علماء
متاخرین قدس الله اسرارهم در دفع این مشقت و جه بر
چند وجه **اول** منع وجوب ابتداء باول حجر الاسود است
انقدر که واجب است ابتداء بحجر است نه اول ان **دویم**
انکه محاذات عرفیه کفایت میکند یعنی همین قدر که در عرف گویند
که مقابل اول حجر الاسود است **سیم** انکه شخص مکلف
از اندکی پیشتر نیت کند که ابتداء در واجب از محاذی

حجر بوده باشد و انتهاء آن بهمان موضع محاذی و زاید از باب
مقدمه علمیه بوده باشد و این نیت را در ذهن باقی بدارد
تا وقتیکه محاذی حجر شود کافی خواهد بود و اگر آنچه در قلب
حاضر است اصل این نیز دشوار باشد احتیاط هم
نیست بنابر اینکه نیت داعی بر فعل است و این وجه اقوی
و احوط است و بر همین محمولست آنچه بصحت پیوسته است
که حضرت فخر کاینات صلعم سواره طواف بجا آوردند
دویم ختم نمودن هر دوری است بحجر الاسود
و اینمعنی تحقق نمیشود الا بعد از محاذات جزء اول
بدن بجزء اول حجر و در اینجا نیز اگر بجهت تحصیل علم
باتمام دور قدری زیادتر برود بقصد آنکه زاید
مقدمه است خارج بجهت تحصیل علم بمحاذات کافی
خواهد بود **سیم** آنکه در جمیع احوال طواف
خانه را بدست چپ گذارد پس اگر شخص در بعض
اجزاء طواف رو بخانه کعبه کند بجهت بوسیدن ارکان

یا غیر آن

یا غیر آن یا آنکه بقصد حجاج در وقت ازدحام پشت بخانه یا رو
بخانه شود آن جزء از طواف محسوب نخواهد بود و واجبست
اعاده همان جزء نماید و از اینجا اشکال میشود در وقت گذشتن
از دو باب حجر اسمعیل ع که اگر شخص از حجر الاسود بیاید در
حالتیکه خانه در دوش چپ باشد و از باب حجر بهمان خط
مستقیم گذاشت بگذرد خانه در وقت محاذات باب حجر از دوش
چپ او رد میشود و برابر پشت سر او می افتد اگر چه حجر بر دوش
چپ هست لکن او مصداق بیت نیست و از این جهة
بعض محتاطین قبل از رسیدن بباب حجر قدری بدن خود را
کج میکنند بطرف چپ خود که شانه چپ ایشان از خانه رد نشود
و همچنین قبل از رسیدن بباب دیگر حجر قدری بدن خود را
کج میکنند بجانب راست خود تا شانه چپ از خانه رد نشود
و همین دقت را میکنند در وقت رسیدن بارکان چرا که
اگر شخص بهمان خط مستقیم که بگوشه خانه میرسد از اینجا
منحرف شود خانه از دوش چپ او رد میشود و امر در اینجا

مشکل تر است لکن ملاحظه این دقتها از کلمات علما بر نمی آید
بلکه ظاهر کلمات ایشان کفایت طواف است بخط مستقیم در جمیع
اجزاء مطاف و از اخبار نیز همین مستفاد میشود خصوصا انچه
متضمن طواف حضرت رسالت پناه صلعم است سوار بر شتر خود
و اگر حجر اسمعیل داخل خانه باشد چنانچه مخفی نیست **چهارم**
داخل کردن حجر حضرت اسمعیل که مدفن مادر انحضرت است
بلکه بسیاری از انبیاء علی نبینا و اله و علیهم السلام در طواف بانکه دور
او بگردد و داخل او نشود پس اگر داخل ان شود در اثناء طواف
پس ان شوط یعنی ان دور باطل است و کفایت نمیکند تدارک
ان از موضعی که داخل حجر شده چنانچه جمعی بان تصریح نموده اند
بلکه از بعضی بطلان اصل طواف نقل شده چنانچه ظاهر
بعضی اخبار است و لهذا احوط اعاده کل طواف است
بعد از اتمام ان **پنجم** بودن طواف است در میان
خانه کعبه که مقام حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است
در جمیع جوانب باینمعنی که ملاحظه میشود مسافة

مابین خانه و مقام که تقریبا بیست و شش ذراع و نصف است
و ملاحظه این مقدار از جمیع جهات میشود پس اگر شخص در
بعضی احوال طواف دور از خانه شود زیاده بر مقدار مذکور
طواف او باین قدر خارج باطل است و حجر اسمعیل که تقریبا
بیست ذراع میشود از مقدار مذکور است علی الاحوط بل الاظهر
پس محل طواف از طرف حجر بیش از شش ذراع و کسری نیست
پس اگر زیاده از این از حجر دور شود از مطاف خارج شده و اعاده لازم
از خود دور مطاف احوط بلکه اظهر خواهد بود **ششم**
خروج طواف کننده است از خانه و الحجر از محسوب است و از صفه
کوچکی است در اطراف خانه که مسمی بشاذروان است پس اگر در بعضی
احوال شخص طواف کننده بر ازاره رود ان جزء از طواف باطل است
و اعاده ان لازم و همچنین اگر در اثناء طواف بالا رود بر دیوار حجر
اسمعیل علی نبینا و اله و علیه السلام بلکه احوط انکه در اثناء طواف
دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان بدیوار خانه
بجهة استلام ارکان یا غیر ان و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد
هفتم انکه هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند نه کم و نه

زیاد پس اگر کم کند شوطی را یا بیشتر اگر عمدا بوده باشد
واجب است اتمام از در صورت عدم فعل کثیر که موجب فوت موالات
بوده باشد و اگر فوات موالات شده باشد پس از باطل قطع
طواف است عمدا و خواهد آمد اگر سهوا کم کرده مشهور تفصیلات
مابین تجاوز نصف و عدم آن پس تمام میکند در اول و از سر میگیرد
در ثانی و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت بوطن خود پس نایب
میگیرد و بعضی تفصیل داده اند مابین فراموشی یک شوط و بیشتر
پس اتمام میکند در اول و استیناف میکند در ثانی و این قول
احوط است و احوط از آن اتمام و اعاده است مطلقا و اگر زیاد
کند شوطی را یا بیشتر یا کمتر پس اگر بقصد جزئیت طواف
دیگر یا قصد لغویت باشد ضرری بطواف ندارد و هر چند این قصد را
در اول طواف کند چه در اثنای آن و چه بعد از اتمام هفت شوط
و اگر قصد جزئیت این طواف کند پس اگر در ابتدای طواف قاصد
آن بوده بوجه جزئیت پس اشکالی در بطلان طواف او نیست از
شروع نیت و همچنین اگر در اثنای طواف این قصد را کند
آنا فآنا باطل است و اگر در آخر این قصد را نماید پس مشهور
همان وقت

بطلان

در واجبات طواف

بطلان طواف است چنانچه هر گاه رکعتی بر نماز زیاد کند و اگر
سهوا زیاد کند پس اگر کمتر از یک شوط است قطع میکند و اگر
یک شوط یا زیادتر است باز طواف واجب صحیح است و مستحب است
که آن را اتمام کند هفت شوط بقصد قربت مطلقه و اولی عدم زیادتی
سهوا اعاده طواف است و اگر شخص طواف کننده شک کند
در عدد شوطهای طواف پس اگر بعد از فراغ از طواف بوده باشد
شکش اعتبار ندارد و اگر در اثنای طواف بوده باشد پس اگر
شک کند میان تمام و زیادتی مثل آنکه در آخر شوطی شک کند
که آن شوط هفتم است یا هشتم شکش اعتبار ندارد و طواف او تمام است
و اگر در اثنای شوطی بوده که مردد است میانه هفتم و هشتم
بعضی گفته اند که باز طواف او باطل است و از احوط است
و اگر یقین کند که زیاده بر هفت نیست پس اشهر آنکه در جمیع
صور شک استیناف طواف لازم است و جمعی گفته اند که بنا را
بر اقل میگذارد و قول اول خالی از قوت نیست با آنکه
فی الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقل و اتمام و بعد از آن
اعاده طواف است و بدانکه احوط عدم قطع طواف واجب است

یعنی ترک بقیه آن بنحویکه موالات عرفیه فوت شود بدون عذر
و عجز در خواهش نفس و بعضی تصریح منع از آن کرده اند و اگر مرتکب
قطع شد پس احوط بلکه اقوی استیناف است هر چند که چهار شوط
از آن بجا آورده باشد و اما اگر عذری اتفاق افتد که مانع از اتمام
باشد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار و مشهور تفصیل است
ما بین اتمام چهار شوط و عدم آن پس استیناف میکنند در ثانی و اتمام
میکند از موضع قطع در اول و اگر قادر بر اتمام نباشد احوط
آنست که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ بشود اگر قادر نشد
او را بدوش میگیرند و طواف میدهند و اگر ممکن نباشد نایب
از برای او میگیرند در اتمام

مقصد سیم

در مستحبات حال الطواف است بدانکه سنت است که در حال
طواف سر برهنه و پا برهنه مشغول دعا و ذکر الهی باشد و حرف
عبث نزند و گامها را نزدیک بردارد و ترک کند آنچه را
که در نماز مکروهست از افعال و بسند معتبر از حضرت
رسول صلعم مرویست که هر که طواف خانه کعبه کند در وقت
زوال با سر برهنه و گامها را تنگ بردارد و چشم

خود را

خود را از نامحرم و عورت بپوشاند و حجر الاسود را در هر شوطی
دست یا بدن بمالد بجای آنکه از آزارش یکی برسد و ذکر
الهی را از زبان قطع نکند بنویسد خدای تعالی از جهت او
بعدد هر گامی هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار
گناه و بلند کند در بهشت از برای او هفتاد هزار درجه
و بنویسد از جهت او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده که بهای
هر یک ده هزار درهم باشد و او را شفیع سازد در هفتاد
هزار کس از اهل بیت او و برآورده شود از برای او هفتاد هزار حاجت
اگر خواهد در دنیا باو برساند و اگر خواهد در آخرت و سنت است
که در حال طواف این دعا را بخواند **اللّهمّ انّی اسئلک
باسمک الّذی یمشی به علی ظلل الماء کما
یمشی به علی جدد الارض و اسئلک باسمک
الّذی یهتزّ له اقدام ملائکتک و اسئلک
باسمک الّذی دعاک به موسی من جانب**

الطور فاستجبت له والقيت عليك محبة
منك واسئلك باسمك الذي غفرت
به لمحمد ما تقدم من ذنبه وما تأخر واتممت
عليه نعمتك ان تفعل لي كذا وكذا وحاجت
خود را بطلبد و سنت است که در حال طواف نیز بگوید
اللهم اني اليك فقير واني خائف
مستجير فلا تغير جسمي ولا تبدل اسمي
و در هر شوط که بدر خانه کعبه رسی صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعا بخواند سائلك
فقيرك مسكينك ببابك فتصدق عليه
بالجنة اللهم البيت بيتك والحرم
حرمك والعبد عبدك وهذا مقام
العائذ بك المستجير بك من النار

فاعتقني

فاعتقني ووالدي واهلي وولدي
ووالدي واخواني المؤمنين من النار يا جواد
يا كريم و چون بحجر حضرت اسمعيل على نبينا وآله
وعليه السلام برسد نگاه بناودان طلا کند و بگوید اللهم
ادخلني الجنة واجرني من النار برحمتك
وعافني من السقم واوسع علي من الرزق
الحلال وادرء عني شر فسقة الجن والانس
وشر فسقة العرب والعجم و چون از حجر بگذرد
به پشت سر کعبه برسد بگوید يا ذا المن والطول
يا ذا الجود والكرم ان عملي ضعيف فضاعفه
لي وتقبله مني انك انت السميع العليم
و چون برکن یمانی رسد دست بردارد
و بگوید يا الله يا ولي العافية وخالق

ورازق العافية والمنعم بالعافية والمتفضل
على العافية علي وعلى جميع خلقك يا رحمن
الدنيا والآخرة ورحيمهما صل على محمد وآل
محمد وارزقنا العافية وتمام العافية
وشكر العافية في الدنيا والآخرة يا أرحم
الراحمين پس سر بجانب کعبه بالا کند و بگوید
الحمد لله الذي شرفك وعظمك والحمد
لله الذي بعث محمدا نبيا وجعل عليا
إماما اللهم اهد له خيار خلقك وجنبه
شرار خلقك و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود
برسد بگوید ربنا آتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
و چون در شوط هفتم بمستجار رسد و از پشت کعبه است

نزدیک

نزدیک برکن یمانی برابر در خانه بایستد و دستها را
بکشاید بخوانه و روی خود را و شکم خود را برساند
بکعبه و بگوید اللهم البيت بيتك والعبد
عبدك وهذا مقام العائذ بك من النار
اللهم من قبلك الروح والفرج والعافية
اللهم إن عملي ضعيف فضاعفه لي واغفر لي
ما اطلعت عليه مني وخفي على خلقك أستجير
بالله من النار و بگوید اللهم إن عندي
أفواجا من ذنوب وأفواجا من خطايا
وعندك أفواج من رحمة وأفواج من مغفرة
يا من استجاب لأبغض خلقه إذ قال أنظرني
إلى يوم يبعثون استجب لي پس حاجت خود را

در مستحبات طواف

بطلب دعا بکن و اقرار بگناهان خود هرچه دانی
مفصلا بگو و هرچه را بخواطر نداشته باشی مجملا
اقرار کن و طلب آمرزش کن که البته آمرزیده میشوی
انشاء الله تعالی پس چون بحجر الاسود رسد بگوید
اللّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي
و میباید کمال ملاحظه بکند در هر مرتبه که میرود بحجر ببوسد
یا دست بمالد که از راه بر گردد یا خود را به مستجار رساند
انجا را انشاء کند و چون این عمل بجا آورد باز بجای خود
رود و از انجا روانه شود تا زیاد و کم در طواف حاصل
نشود **فصل سیم در نماز طواف** بدانکه واجبست
بعد از طواف عمره دو رکعت نماز مثل نماز صبح و واجبست
که ان را نزد مقام حضرت ابراهیم بجا آورد و احوط
اما در تب باید از است بعد از طواف و احوط
انست که در پشت مقام بجا آورد و با عدم تمکن و بعد
و شرط که نزد مقام صدق نکند در یکی از دو جانب

ان بجا

ان بجا آورد و اگر ان هم ممکن نباشد مراعات میکند
الاقرب فالاقرب بسوی خلف مقام و دو جانب ان و اما
طواف مستحب پس نماز او را در همه مسجد میتوان کرد اختیارا
بلکه گفته اند که ترک میتوان کرد عمدا و اگر کسی نماز را فراموش
کند هر وقت که متذکر شود بجا آورد در مقام یا در سایر
مواضع مسجد الحرام و اگر در مقام ابراهیم ممکن نشود
در سایر مواضع مسجد الحرام الاقرب فالاقرب بمقام
و ظاهر اینست که اعاده انچه بجا آورده از سعی و غیره لازم نباشد
اگرچه احوط اعاده است و بعضی متفرع کرده اند بر اعتبار
ترتیب ما بین نماز طواف و ما بین افعال لاحقه انکه کسی که
واجبات نماز را از قرائت و غیرها نداند عمره او باطل است
و همچنین حج او پس بری الذمه نخواهد شد از حج الاسلام
لهذا بر مکلف لازم است در جمیع اوقات خصوصا در وقت اراده
حج بیت الله الحرام تصحیح نماز خود را و اگر ممکن شود نماز طواف را
در مقام بجا آورد غیر از آنکه در غیر قرائت حمد و سوره فاتحه

بود و اگر دشوار باشد از برای شخص نایبی بگیرد
بیاورد آنها را در هر مکانی که متذکر شود هر چند در بلد
دیگر بوده باشد و احوط آنست که برگردد بحرم اگر دشوار
نباشد و آنها را بجا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن
بمقام استنابه را لازم دانسته اند بنابراین احوط جمع است
میانه قضاء در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را
در مقام بجا آورد و اگر بمیرد واجبست بر ولی قضای
مثل باقی نمازیکه از میت فوت شده و مستحبست در نماز
طواف آنکه در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید
و در رکعت دویم سوره جحد بخواند و چون از نماز
فارغ شود حمد و ثنای الهی را بجا آورد و درود صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و طلب قبول از خداوند عالم نماید
و بگوید اللّهم تقبّل منّی و لا تجعله
آخر العهد منّی الحمد لله بمحامده

[illegible]

کلها

كلّها على نعمائه كلّها حتّى ينتهي الحمد الى ما يحبّ
ويرضى اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
وتقبّل منّي وطهّر قلبي وزكّ عملي و در بعض روايات
است آنكه بگويد اللّهمّ ارحمني بطواعيتي اياك
وطواعيتي رسولك صلى الله عليه وآله اللّهمّ جنّبني
ان اتعدّى حدودك واجعلني ممّن يحبّك ويحبّ
رسولك صلّى الله عليه وآله وملائكتك وعبادك
الصّالحين پس بسجده رود و بگويد سجد
لك وجهي تعبّدا ورقّا لا اله الا انت حقّا
حقّا الاوّل قبل كلّ شيء والآخر بعد
كلّ شيء وها انا ذا بين يديك ناصيتي
بيدك فاغفر لي فانّي مقرّ بذنوبي
على نفسي ولا يدفع الذنب العظيم

انه لا يغفر الذنب العظيم غيرك فاغفر لي

غیر از آن فصل چهارم در سعی کردن است
و در آن سه مقصد است مقصد اول
در آداب سعی صفا و مروه و مستحبات قبل از سعی
چون اراده سعی نماید سنت است که بیاید نزد حجر الاسود
و آن را ببوسد و دستها را بآن بمالد یا اشاره
کند پس باید به نزد چاه زمزم و خود یک دلو یا دو دلو آب
بکشد از دلوی که مقابل حجر الاسود است و بر سر و پشت و شکم
زند و بخورد و این دعا را بخواند اللهم اجعله علماً
نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً من کل داءٍ
و سقم پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر
الاسود است و آن دریست که حضرت رسول خدا ص از آن در بیرون
رفته با آرام تن و دل برود بالای کوه صفا و نظر کند
بخانه کعبه و رو برکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را
بجای آورد و از نعمتهای الهی بخاطر آورد پس هفت نوبت
الله اکبر بگوید و هفت نوبت الحمد لله

وهفت

و هفت نوبت لا اله الا الله پس سه مرتبه بگوید
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی
لا یموت و هو علی کل شیء قدیر پس صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد دیگر سه نوبت بگوید الله
اکبر علی ما هدینا الحمد لله علی ما اولانا
والحمد لله الحی القیوم پس سه نوبت بگوید اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده
و رسوله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
و لو کره المشرکون و سه مرتبه بگوید اللهم
انی اسئلک العفو والعافیة والیقین
فی الدنیا والآخرة پس سه مرتبه بگوید
اللهم آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة

والحمد لله الحی الدائم

حسنة وقنا عذاب النار پس صد مرتبه
بگوید الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله
بگوید و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه
سبحان الله پس بگوید لا اله الا الله وحده وحده
انجز وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب
وحده فله الملك وله الحمد وحده اللهم
بارك لي في الموت وفيما بعد الموت اللهم
اني اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته
اللهم اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل
الا ظلك و بسیار تکرار بکن دین و نفس و اهل و مال
خود را بخداوند عالم و بگو استودع الله الرحمن
الرحيم الذي لا تضيع ودائعه ديني ونفسي
واهلي ومالي وولدي اللهم استعملني

على

على كتابك وسنة نبيك وتوفني على
ملته واعذني من الفتنة پس سه نوبت بگوید
الله اكبر پس دو مرتبه دعای سابق را بخواند پس
یک بار تکبیر بگوید و بگو دعای سابق را و اگر همه عمل شاق را
نتوانی بخوانی پس هر قدر که میتوانی بخوان و مستحب است
که این دعا را بخواند اللهم اغفر لي كل ذنب
اذنبته قط فان عدت فعد علي
بالمغفرة فانك انت الغفور الرحيم
اللهم افعل بي ما انت اهله فانك
ان تفعل بي ما انت اهله ترحمني وان
تعذبني فانت غني عن عذابي وانا
محتاج الى رحمتك فيا من انا محتاج
الى رحمته ارحمني اللهم لا تفعل بي

در مستحبات سعی

ما انا اهله فانك ان تفعل بي ما انا
اهله تعذبني ولم تظلمني اصبحت اتقي
عدلك ولا اخاف جورك فيا من
هو عدل لا يجور ارحمني يريكو يا من
لا يخيب سائله ولا ينفد نائله صل
على محمد وآل محمد واعذني من النار
برحمتك و در حديث است كه كسی كه خواهد مال
او زياد شود بايد كه طول دهد ايستادن در صفا
در پايه چهارم رو بكعبه اين دعا را بخواند اللهم
اني اعوذ بك من عذاب القبر وفتنته
وغربته ووحشته وظلمته وضيقه
وضنكه اللهم اظلني في ظل عرشك
يوم لا ظل الا ظلك پس از ان پايين

ايد و پشت

در واجبات سعی

ايد و پشت خود را برهنه كند و بگويد يا رب العفو
يا من امر بالعفو يا من هو اولى بالعفو
يا من يثيب على العفو العفو العفو يا جواد
يا كريم يا كريم يا قريب يا بعيد اردد
على نعمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك
مقصد دويم در وجوب سعی و واجبات آن و بعضی از
احكام متعلقه بان است بدانكه واجب است بعد از فراغ از طواف
سعی كردن يعنی رفتن و امدن ما بين صفا و مروه كه دو مكان معينند
نزديك مسجد و بدانكه سعی مثل طواف ركن است حكم
ترك ان از عمدا يا سهوا انچنان است كه در طواف گذشت
و بدانكه طهارت از حدث و خبث و ستر عورت هيچ
يك از اينها در سعی معتبر نيست لكن احوط مراعات
طهارت از حدث است و واجب است كه ابتدا از

طواف و غیر از او بجا آورده و اگر فراموش کند و تقدیم
سعی بر طواف کند احوط اعاده سعی است و هم چنین است جاهل بمسئله
و واجب است که ابتدا کند از جزو اول صفا بر آنکه پاشنه
پا را بچسباند بجزو اول مسافت و احوط آنست که چهار درجه از صفا
بالا رود و نیت کند و استمرار بدهد تا نزول از آنها و نیت
چنین کند که هفت مرتبه سعی میکنم میانه صفا و مروه در فرض
عمره تمتع بجهت اطاعت فرمان خداوند عالم پس از آنجا برود
پیاده یا سواره بر حیوان یا دوش انسان تا برسد بمروه بقسمی
که انگشت پا را بچسباند باز درجه که بمروه بالا میروند و این را
یک شوط حساب میکند و احوط بالا رفتن است بدرجات
مروه نیز و از آنجا بر میگردد بنحویکه ابتدا از صفا کرده
تا برسد بصفا بنحویکه بمروه ختم کرده بود پس بهر رفتن
و برگشتن یک شوط حاصل میشود و شوط هفتم بمروه
ختم میشود و واجب است که رفتن و برگشتن از راه متعارف

۱۱۸ بنابر احوط بلکه اقوی

باشد پس اگر از میان مسجد الحرام یا از طرف سوق اللیل
مثلا بمروه رود یا بصفا بیاید مجزی نخواهد بود و واجب است
که متوجه مروه باشد در وقت رفتن و متوجه صفا باشد
در وقت برگشتن پس اگر بطور قهقری طی مسافت کند
مجزی نخواهد بود لکن التفات بچپ و راست بلکه گاهی به پشت
سر ضرری ندارد و بدانکه جایز است بجهت استراحت نشستن
بر صفا یا مروه تا راحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است
در مابین صفا و مروه بدون عذر و بدانکه جایز است تاخیر
سعی از طواف بجهت رفع خستگی و بجهت تخفیف حرارت
هوا و جایز نیست تاخیر آن تا فردا و اقوی جواز تاخیر است
تا شب آن روز و احوط ترک آن است بدون عذر والله العالم
و بدانکه زیاد کردن در سعی بر هفت شوط عمدا مبطل سعی است
بنحویکه در طواف گذشت و اگر سهوا زیاد کند پس اگر کمتر از یک
شوط باشد او را طرح میکند و سعی او صحیح است و جمعی
رجحان داده اند که اگر یک شوط یا بیشتر باشد باز سعی

ذکر کرده اند که مستحب است زاید را تمام کند هفت شوط تا سعی
دیگری باشد و بطلوب از خبر صحیح وارد شده و اگر کم کند سهوا
پس واجب است بر او تمام هر وقت که متذکر شود هر چند که در بلد
خود رفته باشد و اگر متمکن از مراجعت نیست نایب میگیرد
و الاحوط در صورت عدم اکمال چهار شوط استیناف سعی است و حلال
نمیشود بر او آنچه حرام شده باحرام و جمعی ذکر کرده اند
که اگر نسیانا بعض سعی کند و در عمره تمتع باشد پس بگمان اتمام
اعمال عمره که محل شد پس مقاربت با زنان نمود واجب است
بر او کشتن گاوی جهت کفاره و سعی را اتمام میکند و بر این
صورت روایت معتبر هست بلکه جماعتی ملحق کرده اند بجماع گرفتن
ناخنها را و بر این نیز روایتی هست و عمل بآن احوط است
و اگر شک کند در عدد اشواط سعی بعد از انصراف
از آن شکش اعتباری ندارد و اگر در اثنای سعی بوده
باشد پس اگر یقین داند که تا هفت شوط تمام کرده است

یا زیاده تر

یا زیاده تر و این متصور میشود در وقتیکه خود را بمروه ببیند
نمیداند که هفت شوط شده یا نه شوط پس شک او اعتباری
ندارد و بنا بر تمام میگذارد و اگر در بین شوط باشد ظاهرا
سعی او باطل است چنانچه هرگاه شک او بکمتر از هفت متعلق
شود مقصد سیم در مستحبات سعی است بدانکه سنت است
که در حال سعی پیاده باشد و آنکه میانه رود از صفا تا بمنار
و از آنجا تند رود مثل شتر تا بازار عطاران و اگر سواره
باشد چهارپای خود را حرکت دهد مادامیکه آزاری بکسی
نرساند و از آنجا میانه رود تا مروه و از برای زنان این
هروله نیست و چون بمناره رسد بگوید بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ وَاللهُ أَكْبَرُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ
إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ وَاهْدِنِي لِلَّتِي

در مستحبات سعی

هی اقوم اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه
لی وتقبل منی اللهم لک سعیی وبک
حولی وقوتی تقبل منی عملی یا من یقبل
عمل المتقین پس تند برود تا مناره دیگر رسد
چون از انجا بگذرد بگوید یا ذا المن والفضل
والکرم والنعماء والجود اغفر لی ذنوبی
انه لا یغفر الذنوب الا انت وچون بمروه
رسد دعای اول را بخواند که در صفا خواند وبگوید
اللهم یا من امر بالعفو یا من یحب العفو
یا من یعطی علی العفو یا من یعفو علی العفو
یا رب العفو العفو العفو العفو
وسعی کند در گریه کردن وخود را بگریه بدارد
ودعا بسیار کند در حال سعی واین دعا را بخواند

اللهم

اللهم انی اسئلک حسن الظن بک علی
کل حال وصدق النیة فی التوکل علیک
واگر فراموش کند تند رفتن را هر جا که بخواطرش امد
پشت پشت برگردد تا موضع تند رفتن برسد پس تند
برود

فصل پنجم در تقصیرات واجبات

بعد از فراغ از سعی تقصیر واز گرفتن بعضی از ناخنها
یا قدری از شارب است ونیت چنین کند که تقصیر میکنم
بجهت محل شدن از عمره تمتع در فرض حجة الاسلام
بجهت اطاعت وفرمانبرداری خداوند عالم وتراشیدن
کفایت نمیکند از تقصیر بلکه حرام است وبدانکه کسی
که تقصیر را فراموش کند تا وقتیکه احرام حج او منعقد
شود عمره او تمام است و بر او فدیه است یک گوسفند
علی الاحوط واگر عمداً ترک کند تا محرم بحج شود
جمعی تصریح فرموده اند بانکه عمره تمتع او باطل است

وحج او افراد میشود و بعد از ان عمره مفرده میکند و بعضی
تصریح کرده اند که حج را در سال اینده اعاده میکند و بعضی
احرام ثانی را باطل میدانند و تقصیر را بر او لازم میدانند
باسعه وقت از برای ادراک حج تمتع و شخص محرم بعد از
تقصیر حلال میشود از برای او بغیر از سر تراشیدن جمیع
انچه باحرام بر او حرام شده بود بنا بر انچه معروف است
در مابین علماء رضوان الله علیهم که طواف النساء مختص
حج است و عمره غیر تمتع و در عمره تمتع طواف النساء مشروع
نیست اگرچه شیخ شهید قدس سره حکایت کرده
از بعض اصحاب وجوب ان و قائل را تعیین نفرموده و علامه
فرموده که خلاف در مسئله بر ما معلوم نیست و چون
مظنه خلاف در مسئله هست و در بعض اخبار ضعیفه
السند دلالتی بر ان هست پس بجهت احتیاط در این
مقتضی نقل طواف النساء است با تمام از بعد از تقصیر

وبدانکه

و بدانکه هرگاه مکلف را ممکن نباشد اتیان بعمره تمتع به جهت
تنگی وقت و ورود بمکه یا بجهت عروض حیض که اگر منتظر
پاک شدن بشود بجهت اتیان بطواف وقت وقوف بعرفات و مشعر میگذرد
پس اگر احرام بجهت عمره بسته است نقل میکند نیت احرام را
باحرام حج افراد و اولا از مکه احرام میبندد و بعرفات و مشعر میرود
و بمکه راجعت میکند و طواف و سعی حج را و طواف النساء را
بجا اورد و بعد از ان عمره مفرده بجا اورد و این کفایت میکند از انچه
بر او واجب بوده است از حج تمتع و اگر خود باختیار عمره را
باطل کرده در وقتیکه وقت وسعت اعاده ان را نداشته باشد
ظاهر ان حج او افراد میشود و بعد از ان عمره مفرده بجا میاورد
و لکن کفایت آن در برائت ذمه مکلف از حج تمتع محل تامل است
چنانچه اشاره باز شده در فصل طواف باب دویم
در افعال حج است و در ان هفت فصل است فصل اول
در احرام بجهت حج تمتع است و در ان دو مقصد است مقصد

۱۲۹ از بعضی قول بوجوب این منقولات و احوط رعایت

در احرام حج است

اول در وجوب احکام و بعض احکام متعلقه بآن است چون
دانستی که شخص بعد از تقصیر حلال میشود از برای او آنچه باحرام
حرام شده بود پس واجب میشود بر او احرام از برای حج تمتع و وقت
موسع است اگر چه احوط عدم خروج از مکه است پیش از
روز ترویه و ضیق میشود وقتیکه تاخیر احرام حج از آن وقت
موجب فوت وقوف بعرفات در روز عرفه شود در این وقت احرام
مضیق میشود بلی مستحب است ایقاع آن در روز ترویه
و نیت چنین کند که احرام می بندم یعنی خود را و امید دارم
بر ترک محرمات احرام در حج تمتع بجهت اطاعت فرمان
خداوند عالم جل ذکره و کیفیت آن و تروک واجبه و محرمات
احرام چنان است که در احرام عمره مذکور شد و محل این احرام
مکه است در هر موضع که باشد اگر چه مستحب است که در
مسجد در مقام یا در حجر واقع شود و اگر کسی فراموش کند
تا برود بمنی یا بعرفات لازم است مراجعت و اگر

ممکن نباشد

در مستحبات احرام حج

ممکن نباشد بجهت ضیق وقت یا عذر دیگر از همان موضع احرام
بندد و اگر متذکر نشود تا بعد از اتیان بافعال پس ظاهر
صحت حج است چنانچه مشهور است و جاهل در مسئله بحکم ناسی است
بلی اگر کسی عمدا ترک کند احرام را تا زمان فوات وقوفین
حج او باطل است **مقصد دویم** در مستحبات احرام
حج است تا وقوف بعرفات بدانکه افضل اوقات احرام از برای
متمتع بعد از فراغ از عمره تمتع روز ترویه است بعد از
نماز ظهر و اگر ظهر نباشد عصر و الا نماز واجب دیگر هر چند
قضا باشد و اگر نباشد بعد از نماز احرام که اقل آن دو
رکعت است چنانچه گذشت و افضل اماکن احرام از برای
او از مکه مسجد الحرام است و افضل مواضع از برای
او حجر حضرت اسمعیل ع یا مقام حضرت ابراهیم ع است
پس در آنجا نیت کند بعد از پوشیدن جامه احرام و اعمالیکه
قبل از این در احرام عمره گذشت که احرام میبندد یعنی ملتزم

بکف از محرمات مذکوره سابقاً بجهت توجه بجا آوردن فرض
حج تمتع بجهت تقرب بخداوند عالم یا اطاعت فرمان او و جل ذکره
پس تلبیه گوید بنحویکه مذکور شد و چون مشرف شود بر ابطح
باواز بلند بگوید اللّهم ایاک ارجو و ایاک
ادعو فبلغنی املی و اصلح لی عملی و باید آرام
تن و دل بوده باشد با تسبیح و تقدیس و ذکر حق تعالی و چون
بمنی رسد بگوید الحمد لله الذی اقدمنیها
صالحاً فی عافیة و بلغنی هذا المکان پس
بگوید اللهم هذه منی و هی مما مننت به
علینا من المناسک فاسئلک ان تمن علی
بما مننت علی انبیائک فانما انا عبدک
و فی قبضتک و سنت است که شب عرفه در منی
باشد و مشغول طاعت الهی باشد و بهتر آنست که این

تلبیه دارد و چون متوجه منی شود بگوید

عبادتها

در مستحبات احرام حجات

عبادتها را خصوصاً این نمازها را در مسجد خیف بجا آورد
و چون نماز صبح کند تعقیب خواند تا طلوع آفتاب و روانه عرفات شود
و اگر خواهد بعد از طلوع صبح روانه شود و لکن سنت بلکه احوط
آنست که از وادی محسر رد نشود تا آفتاب طالع نه شود و مکروه است
که پیش از صبح روانه شود و از بعضی حضرات حکم کرده اند مگر از جهة
ضرورتی مثل بیماری و کسیکه خوف از ازدحام خلق داشته باشد و چون
متوجه عرفات شود این دعا بخواند اللّهم الیک صمدت
و ایاک اعتمدت و وجهک اردت اسئلک
ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی
و ان تجعلنی ممن تباهی به الیوم من هو افضل
منی و تلبیه گوید تا بعرفات رسد و چون رسید خیمه اش را
در نمره بزند که نزدیک عرفات متصل بان و از عرفه نیست

فصل دویم در وقوف بعرفات و در او دو مقصد است

مقصد اول در واجبات است بدانکه واجبات

وقوف بعرفات واز موضعیست محدود بحدود معروفه
ومراد از وقوف نیز همین بودنست در انجا چه سوار و چه پیاده
چه متحرك چه ساکن بلی اگر در مجموع زمان خوابیده باشد
یا بیهوش باشد وقوف او باطلست و واجبست بنا بر احوط بودن
در انجا از مابعد زوال تا غروب شرعی که وقت افطار و نماز مغربست
پس کافی نیست حضور در ان مکان در وقت عصر مثلا و واجبست
در ان نیت باین نحو که میباشم در عرفات از پیشین امروز تا شام
در حج تمتع حجة الاسلام جهت اطاعت خداوند عالم و بدانکه
بودن در مجموع این زمان اگر چه واجبست الا انکه رکن نیست پس
اگر ترك کند انرا بسبب ترك کردن بعض اجزاء ان مثل انکه
مقداری از مابعد زوال وقوف نکند حج او صحیح خواهد
بود اگر چه گناهکار بوده باشد بلی مسمای وقوف
رکنست و ترك ان عمدا موجب بطلان حج تمتعست
و سهوا مبطل نیست مگر انکه وقوف مشعر را نیز سهوا

ترك کند و در اینجا چند مسئله است اول انکه هرگاه کسی تاخیر
کند وقوف را از ظهر بانکه حاضر نشود در عرفات الا بعد از انکه گذشتن
مقداری از ظهر پس بنا بر انکه گذشت که واجبست وقوف از
زوال تا غروب این شخص گناهکار خواهد بود و جمعی برانند که بودن
از زوال واجب نیست چنانچه ظاهر بعضی اخبارست و اول احوطست
دویم انکه هرگاه کسی پیش از غروب آفتاب کوچ کند عمدا و بیرون
رود از حدود عرفات پس اگر نادم شد و برگشت و ماند تا غروب
کفاره ساقط و اگر برنگشت واجبست بر او شتری که او را در راه
خدا در مکه نحر کند و اگر قادر نباشد هیجده روز متوالی روزه
بگیرد و اگر سهوا کوچ کرد و بیرون رفت پس اگر متذکر شد راجعت
میکند و اگر متذکر نشد ملامتی بر او نیست و جاهل در حکم عامدست و اگر بخواطرش نیامد
چیزی بر او نیست و حکم جاهل بمسئله حکم ناسیست سیم
کسیکه بالمره وقوف را ترك کند در مدت مذکوره عمدا حج او
باطلست و کفایت نمیکند دوباره او وقوف در شب

واحوط انکه کفاره را بیرون
کند و واجب نیست نحر در مکه

در روز عید
بیرون رفتن وجوب بودن
نحر در مکه معلوم نیست بلکه احوط
نحر در منی است
وجوب توالی در ان معلوم نیست

عید که وقوف اضطراری عرفه است اگرچه در بان غیر عامد
کانیست چنانچه خواهد آمد **چهارم** اگر کسی بسبب عذری
مثل نسیان و ضیق وقت و نحو آن ادراک وقوف در جزئی از مدت
مذکوره نکند پس کفایت میکند او را بودن بعرفات در مقداری
از شب عید هر چند اندک باشد و این زمان را وقت
اضطراری عرفه میگویند و اگر کسی ترک کند او را عمداً پس
ظاهر الحاق اوست بوقوف اختیاری عرفه در افساد حج هرچند
ادراک نماید وقوف مشعر را **پنجم** اگر کسی فراموش
کند وقوف بعرفات را در وقت اختیاری و اضطراری
کفایت میکند از برای صحت حج او ادراک وقوف
بمشعر الحرام در زمان اختیاری او چنانچه خواهد آمد
ششم آنکه هرگاه در پیش قاضی عامه هلال ثابت شود
و حکم کند و در پیش شیعه شرعاً ثابت نشده باشد لهذا
روز عرفه در نزد عامه روز هشتم باشد در پیش شیعه روز نهم

پس اگر

پس اگر ممکن است مخالفت ایشان در بیرون رفتن بسوی عرفات که روز خروج
ایشان است از مکه یا ممکن باشد ماندن شب آن روز در عرفات تا فردا که روز
عرفات یا رفتن و برگشتن فردا پیش از غروب آفتاب بجهت ادراک وقوف اختیاری
عرفه یا بعد از غروب آفتاب بجهت ادراک اضطراری از اگر متمکن نبود
از مراجعت قبل از آن پس واجب است که چنین کند تا ادراک
وقوف اختیاری یا اضطراری بنماید و از آنجا بمشعر رفته
ادراک آن نیز نماید و اعمال روز عید را در منی بعمل
آورد و اگر ممکن نشود ادراک وقوف عرفه اصلاً پس
اگر ممکن است ادراک وقوف مشعر الحرام پس آن نیز کفایت
میکند و حج او صحیح است و الا حج او بدان سال فاسد خواهد
بود الحاصل تقیه در این مقام مصحح عمل نمیشود علی الاحوط
الاقوی و الله العالم **مقصد دویم**
در مستحبات وقوف عرفات است مستحب است که در وقت وقوف
بالطهارت باشد و غسل کند و آنچه موجب تفرق حواس

لعدم اقوی بودن عمل [illegible]

از خود دور کند تا دل متوجه جناب اقدس باری شود
در این وقت نماز ظهر و عصر را در اول وقت بجا آورد و بعد
از زود و اقامه وقوف کند در دست چپ کوه نه بلکه
آنکه آید و در پایین کوه وقوف کند در زمین هموار و با اصحاب
خود مجتمع باشند بپهلوی یکدیگر و بعد از نماز باید
مشغول دعا شود و مکروه است که بالای کوه رود و آنکه
در حال وقوف سواره باشد یا نشسته اگر تواند ایستادن و اگر
نه هر قدر که میتواند و رو بقبله کند و دل خود را متوجه
حق سبحانه و تعالی سازد و حمد و ثنای الهی بجا آورد
و تمجید و تهلیل بکند و تکبیر صد نوبت بگوید
و الحمد لله صد نوبت و سبحان الله صد نوبت
و لا اله الا الله صد نوبت و آیة الکرسی صد نوبت
و صلوات بر محمد و آل محمد صد نوبت و سوره
انا انزلناه صد نوبت و قل هو الله احد صد نوبت

۱۳۵ مسئله بعضی از علما واجب دانسته‌اند و [illegible] اند [illegible] اولی [illegible]

۱۳۶ مسئله وقوف بالای کوه بعضی حرام دانسته‌اند احوط احتراز از آن است

و هم دعای

و هر دعائی که خواهد بکند و سعی بکند در دعا که این روز
روز دعا و مسئلت است و هیچ چیز نزد شیاطین خوشتر از آن
نیست که تو را غافل سازند از جناب اقدس الهی و پناه گیر
بخداوند عالم از شر شیاطین و زنهار که بجانب مردمان
نظر مکنید و روی متوجه خود باش و استغفار بدل صاف
بکن و گناهان خود را بشمار و گریه بکن و اگر نتوانی
خود را بگریه بدار و دعا کن از جهت پدر و مادر و برادران
مؤمن و اقل آن چهل کس است و در حدیث است که ملکی
موکل است که آنچه آنکس بجهت برادر مؤمن بطلبد آن
ملک از حق تعالی از برای او صد هزار مثل آن را
بطلبد و تمام این زمان را صرف دعا و استغفار
و ذکر کند که بعضی از علماء قایل شده‌اند بوجوب
آن و دعاهای منقوله را بخواند خصوصا دعای
صحیفه کامله و دعای حضرت امام حسین علیه السلام

و دعای حضرت امام زین العابدین جعفر صادق علیه السلام و سنت است که بگوید
اللّهم انی عبدک فلا تجعلنی من اخیب وفدک
وارحم مسیری الیک من الفج العمیق اللّهم
رب المشاعر کلها فک رقبتی من النار واوسع
علی من رزقک الحلال وادرأ عنی شر فسقة
الجن والانس اللّهم لا تمکر بی ولا تخدعنی ولا
تستدرجنی اللّهم انی اسئلک بجودک وکرمک
ومنک وفضلک یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین
ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا و حاجت
خود را نام ببر پس دست باسمان بردار و بگو اللّهم
حاجتی الیک التی ان اعطیتنیها لم یضرنی

ما منعت

ما منعت وان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیت
اسئلک خلاص رقبتی من النار اللّهم انی عبدک
وملک یدک ناصیتی بیدک واجلی بعلمک اسئلک
ان توفقنی لما یرضیک عنی وان تسلم منی مناسکی
التی اریتها خلیلک ابراهیم صلوات الله علیه ودللت
علیها نبیک محمدا صلی الله علیه وآله اللّهم اجعلنی
ممن رضیت عمله واطلت عمره واحییته
بعد الموت حیوة طیبة پس بگو لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللّهم لک الحمد کالذی نقول
وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون

اللهم لک صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی
ولک تراثی وبک حولی ومنک قوتی اللهم
انی اعوذ بک من الفقر ومن وساوس الصدور ومن شتات
الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلک خیر ما یاتی
واعوذ بک من شر ما یجیء به الریاح واسئلک خیر
اللیل وخیر النهار اللهم اجعل فی قلبی نورا وفی سمعی
نورا وفی بصری نورا وفی لحمی ودمی وعظامی وعروقی
ومقعدی ومقامی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم
لی نورا یا رب یوم القاک انک علی کل شیء قدیر
وتا توانی در این روز از خیرات وتصدقات تقصیر مکن خصوصا
بنده ازاد کردن ودیگر رو بقبله کند وبگوید سبحان الله
صد بار والله اکبر وما شاء الله لا قوة الا بالله
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت

بیده الخیر

مستحبات وقوف بعرفات

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر صد بار پس سه
ایه اول سوره بقره را بخواند دیگر قل هو الله احد سه
نوبت بخواند وایة الکرسی را وایه سخره که اول ان ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم
استوی تا باخر بخواند واز دو سوره اعراف است پس معوذتین را
بخواند پس نعمهای الهی را یک یک بشمارد انچه داند از اهل ومال ونعمت
ودفع بلا وبگوید اللهم لک الحمد علی نعمائک
التی لا تحصی بعدد ولا تکافی بعمل وحمد کند حق سبحانه
وتعالی را بهر ایه که حمد کرده است خداوند عالم خود را باز در قران
وتکبیر کند بهر تکبیری که خداوند عالم باز تکبیر خود کرده است در قران
وتهلیل کند بهر لا اله الا الله که حق سبحانه وتعالی تهلیل خود
کرده باز در قران وصلوات بر محمد وال محمد بسیار بفرستد
وجهد وسعی کند در ان دعا کند حق سبحانه وتعالی را بهر نام
که خود را باز نام خوانده است در قران وبهر اسمی که داند وباسماء اخر

مستحبات وقوف عرفات

سوره حشر وبگوید اسئلک یا الله یا رحمن بکل اسم
هو لک واسئلک بقوتک وقدرتک
وعزتک وبجمیع ما احاط به علمک وبارکانک
کلها وبحق رسولک صلواتک علیه واله وباسمک
الاکبر الاکبر وباسمک العظیم الذی من
دعاک به کان حقا علیک ان لا ترده وان تعطیه
ما سئلک ان تغفر لی جمیع ذنوبی فی جمیع علمک
فی وهر حاجت که داری بخواه واز حق سبحانه وتعالی طلب
کن که توفیق حج بیابی در سال اینده وهر سالی وهفتاد مرتبه
بگوید اسئلک الجنة وهفتاد مرتبه استغفر الله
ربی واتوب الیه بگوید پس بخواند دعائی را که جبرئیل
در این مقام بحضرت ادم تعلیم نمود برای قبول توبه او سبحانک

اللهم

مستحبات وقوف بعرفات

اللهم وبحمدک لا اله الا انت عملت سوءا
وظلمت نفسی فاعترفت بذنبی فاغفر لی انک
خیر الغافرین سبحانک اللهم وبحمدک لا اله
الا انت عملت سوءا وظلمت نفسی فاعترفت
بذنبی فاغفر لی انک انت التواب الرحیم
وچون افتاب فرو رود بگوید اللهم انی اعوذ
بک من الفقر ومن تشتت الامر ومن شر
ما یحدث باللیل والنهار امسی ظلمی مستجیرا بعفوک
وامسی خوفی مستجیرا بامانک وامسی ذلی
مستجیرا بعزتک وامسی وجهی الفانی
مستجیرا بوجهک الباقی یا خیر من سئل
ویا اجود من اعطی یا ارحم من استرحم

جللني برحمتك وألبسني عافيتك واصرف
عني شر جميع خلقك پس روانه شود بجانب مشعر الحرام
با آرام تن و استغفار کند و این دعا را بخواند که اللهم
لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف وارزقني
العود أبداً ما ابقيتني واقلبني اليوم مفلحاً
منجحاً مستجاباً لي مرحوماً مغفوراً لي بأفضل ما
ينقلب به اليوم أحد من وفدك وحجاج بيتك
الحرام واجعلني اليوم من أكرم وفدك
عليك وأعطني أفضل ما أعطيت أحداً منهم
من الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة
وبارك لي فيما أرجع إليه من أهل أو مال أو
قليل أو كثير وبارك لهم في و بسیار بگوید

اللهم

اللهم اعتقني من النار فصل سیم
در وقوف بمشعر الحرام است و در آن دو مقصد است مقصد
اول در واجبات است بدانکه چون از عرفات در شب عید قربان
کوچ کند بسوی مشعر الحرام آید در آنجا شب را بروز بیاورد و بعضی
این بیتوته را واجب میدانند و نسبت باکثر داده اند و این
احوط است و نیت چنین کند که شب را بروز میاورم در مشعر
الحرام بجهت رضای الهی و چون طلوع فجر شود نیت وقوف
کند که میباشم در مشعر الحرام تا طلوع آفتاب در حج تمتع بجهت
وجوب آن قربة الی الله تعالی و اشهر و احوط وجوب ماندن است
تا طلوع آفتاب پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب بیرون
رود و از وادی محسر تجاوز کند گناهکار است و بعضی
یک گوسفند کفاره واجب دانسته اند و در اینجا چند مسئله
است اول آنکه وقوف بمشعر رکن است و مجموع آن
متصف بوجوب پس اگر کسی بالمره او را ترک کند
حج او باطل است لکن وقوف بمشعر گاهی ساقط میشود

در حق کسی که شب را در آنجا بروز آورده باشد بقصد وقوف
و در شب او بوده باشد براو ماندن بعد از طلوع فجر مثل زنها و [illegible]
پیر و بیماران که بجهت ازدحام مشقت بسیار بایشان رو میدهد
یا کسانیکه کار ضروری دارند پس جایز است که قبل از طلوع
فجر از آنجا بیرون روند بسوی منی و اگر عذر نداشته باشد
بعضی گفته اند که اگر بیرون رود پیش از طلوع فجر بشرطی
که علاوه بر بیتوته مشعر وقوف عرفات از او فوت نشده باشد
باز حج او صحیح است و لکن براو یک گوسفند کفاره لازم است
و احوط خلاف آن است مسئله دوم آنکه کسی
که ادراک نکند وقت مذکور را کفایت میکند در حق
او ماندن در زمانی قبل از زوال پس وقوف مشعر
از برای او سه وقت است یکی در شب عید در حق
کسانیکه متمکن از ماندن در مشعر بعد از طلوع
فجر نبوده باشند چنانچه گذشت و دیگر ما بین

بعضی گفته اند [illegible]

طلوع

طلوع فجر تا طلوع آفتاب و سیم از طلوع آفتاب تا زوال
سیم آنکه چون معلوم شد که هر یک از وقوف بعرفات و وقوف
بمشعر وقت اختیاری و اضطراری دارند پس میگوئیم مکلف
بملاحظه ادراک دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری
یا اضطراری و عدم ادراک از آنها بر نه قسم است
اول آنکه ادراک هر دو وقوف کند در وقت اختیاری
هر دو پس اشکال در صحت حج نیست دویم
آنکه هیچیک را ادراک نکند پس اشکال نیست در عدم
ادراک حج پس از احرام حج عمره مفرده که عبارت از طواف
و نماز و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد
بجا بیاورد و از احرام محل میشود و اگر چنانچه گوسفند
همراه داشته باشد ذبح میکند و مستحب است که بماند
در منی با حجاج و چون بمکه رود افعال عمره را بجا بیاورد

وقوف مشعر الحرام

و در سال آینده حج میکند اگر شرایط معتبره وجوب حج در باره
او متحقق شود سیم آنکه ادراک بکند اختیاری عرفه را با اضطراری
مشعر چهارم عکس آن و در هر دو صورت حج صحیح است و دعوای
اجماع بر صحت در هر دو مسئله شده است پنجم آنکه ادراک کند
اضطراری هر دو وقوف را در صحت حج در این صورت خلاف است
صحت بعید نیست لکن احوط اعاده حج است در سال آینده با شرایط
وجوب ششم آنکه ادراک کند اضطراری مشعر را تنها
و در اینجا نیز خلاف است و عدم صحت در این جا اقوی
و اشهر است هفتم ادراک اختیاری عرفه تنها اشهر در این صورت
صحت است بلکه بعضی نفی خلاف در آن کرده اند لکن حکم بآن
مشکل است و خلاف در آن محقق است هشتم آنکه ادراک کند
اختیاری مشعر را ظاهر در این صورت صحت است و ظاهر عدم
خلاف است در آن نهم اضطراری عرفه را ادراک کند
تنها و حج در این صورت صحیح نیست مقصد دویم

در مستحبات

در مستحبات مشعر الحرام

در مستحبات وقوف بمشعر الحرام است و بدانکه سنت است که
متوجه مشعر الحرام شود با آرام تن و دل و استغفار کند و چون
بتل سرخ رسد آنجا نیز بدست راست راه بگوید اللهم
ارحم موقفی و زد فی عملی و سلم لی دینی و تقبل
مناسکی و شهید در دروس فرموده که بعد از این دعا بگوید
اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف
وارزقنیه ابداً ما ابقیتنی و شتر را تند براند
و کیر از آزار رساندن در حال راندن و بیا بگوید اللهم
اعتق رقبتی من النار و نماز شام و خفتن را تاخیر کند
تا مشعر الحرام و اگرچه ثلث شب بگذرد و اگر مانعی بهم رسد
که نتواند پیش از ثلث شب رسد نماز را ادا بکند و جمع
کند میان هر دو نماز بیک اذان و دو اقامه و نوافل شام را
در میان نکند بلکه بعد از خفتن بکند و احوط آنست که چون

اینست نیت کند که شب را بروز میاورم در مشعر

بمشعر الحرام در حج تمتع از جهت رضای خداوند و پیش
گذشت که اظهر واحوط وجوب شب ماندن بمشعر است
و مستحبات که در مشعر وادی فرود اید در جانب دست
راست و اینکه دعا بخواند اللّهم انی اسئلك
ان تجمع لی فیها جوامع الخیر اللّهم لا
تؤیسنی من الخیر الذی سألتك ان تجمعه
لی فی قلبی ثم اطلب منك ان تعرّفنی
ما عرّفت اولیائك فی منزلی هذا وان
تقینی جوامع الشر و تا صبح باشد انشب را بعبادت
والطاعة الهی بروز اورد که در خبر است که درهای اسمان
در اینشب بسته نمیشود و اوازهای مؤمنان بالا میرود
و خداوند عالم میفرماید که خداوند شمایم و شما بندهٔ
گان من هستید ادا کردید حق مرا بر من لازم است که اجابت

نمایم

غایم دعاهای شما را پس بعضی از ایشان تمام گناهانرا
بیامرزد و بعضی را بعضی بیامرزد و سنت است
که هفتاد سنگ ریزه را برای رمی جمرات در اینشب از این
جا بردارد و سنت است که غسل بکند و با وضو باشد در حال
وقوف و دعاء منقوله از ائمه را بخواند و حمد و ثنای الهی را
بجا بیاورد و اینکه دعا را نیز بخواند اللّهم رب المشعر
الحرام فک رقبتی من النار واوسع علیّ من
رزقک الحلال الطیب وادرء عنی شر فسقة
الجن والانس اللّهم انت خیر مطلوب الیه و خیر
مدعوّ و خیر مسؤل و لکل وافد جائزة فاجعل
جائزتی فی موضعی هذا ان تقیلنی عثرتی
و تقبل معذرتی و ان تجاوز عن خطیئتی ثم
اجعل التقوی من الدنیا زادی و تقلبنی مفلحاً

منجحاً مستجاباً لی بافضل ما یرجع به احد من
وفدك و زوار بیتك الحرام و دعا بسیار کند بجهت خود و پدر
و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان و بعضی قائل بوجوب دعا
شده اند و بهتر انست که غیر از امام پیش از طلوع افتاب از انجا روانه
شوند اما از وادی محسر تجاوز نکنند تا افتاب طلوع نکند
و چون افتاب بکوه ثبیر افتد هفت مرتبه اعتراف بگناهان خود کند
و هفت مرتبه استغفار کند و چون روانه شود باید که با استغفار
و سکینه و وقار برود و چون بوادی محسر برسد تند برود
مانند شتر اگر پیاده باشد و اگر سواره باشد تند براند
راحلهٔ خود را و اگر فراموش کند هروله را بر گردد و تدارک
کند و بگوید در وقت هروله اللّهم سلّم عهدی
واقبل توبتی واجب دعوتی واخلفنی
بخیر فیما ترکت بعدی و بگوید رب اغفر
وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت

الاعز

الاعز الاکرم فصل چهارم در واجبات
منی است بدانکه واجب است بر مکلف بعد از کوچ از مشعر
الحرام در روز عید برگشتن بسوی موضعی که او را منی گویند
و در ان سه امر واجب است اوّل رمی جمرهٔ عقبه یعنی
انداختن سنگ ریزه بسوی جمره که اسم موضعی است که محل
رمی است و وقت از بعد از طلوع افتاب روز عید تا غروب
١٣٧
ان و اگر فراموش کند تا روز سیزدهم بجا اورد و اگر تدارک
نشد در سال اینده خود یا نائب او بجا اورند و شرطست
در سنگریزه ها وجود صدق اسم سنگ بر انها انکه از حرم
١٣٨
بوده باشد از هر موضع از ان که باشد خوبست اگر چه مستحب
که شب در مشعر انها را بردارد و انکه بکر باشند یعنی
١٣٩
کسی انها را نینداخته باشد انداختن صحیح و واجبات
در رمی چند امر است اول نیت کند که میاندازم هفت سنگ
بجمرهٔ عقبه در حج تمتع لوجوبه قربة الی الله تعالی دوم

انداختن انها پس اگر سنگ را در جمره گذارد یا بطور دیگر رمی
صدق نکند مجزی نخواهد بود سیم آنکه بجمره برسد بواسطه
رمی پس اگر بجای دیگر بخورد و از انجا بجمره برسد یا بواسطه
١٤٠ انسانی دیگر یا حیوانی برسد مجزی نخواهد بود و اگر شک کند
بنا را بر نرسیدن میگذارد چهارم آنکه عدد سنگ که میاندازد
هفت باشد پنجم آنکه او را یکدفعه نیندازد هر چند متعاقب
بخورند بجمره بلکه واجب است که متعاقب بیندازد هر چند
یکدفعه بجمره بخورند و بدانکه مستحب است که سنگ ریزها
١٤١ رنگین باشند برنگ سرخه یا رنگ دیگر و نقطه دار
١٤٢ باشند و یک یک برچیده باشند و سست باشند
نه سخت و بقدر سر انگشت باشند و مستحب است
که در وقت سنگ انداختن پیاده باشد و سواره نباشد
و با وضو باشد و بعضی از علماء بوجوب طهارت قائل شده اند

وچون

و چون سنگ را در دست داشته باید دعا را بخواند اللهم
انّ هذه حصیاتی فاحصهنّ لی وارفعهنّ فی عملی
و هر سنگ ریزه که بیندازد این دعا را بخواند الله اکبر
اللهم ادحر عنّی الشیطان اللهم تصدیقاً
بکتابک و علی سنّة نبیّک محمّد صلی الله علیه و آله
اللهم اجعله لی حجّاً مبروراً و عملاً مقبولاً
و سعیاً مشکوراً و ذنباً مغفوراً و میانه
١٤٣ او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد و پشت
بقبله کند و روی بجمره و آنکه سنگ ریزه را بر انگشت
بزرگ بگذارد و با ناخن انگشت شهادت بیندازد و چون
بجای خود آید در منی این دعا بخواند سنّت است اللهم
بک وثقت و علیک توکلت فنعم الرب

و نعم الولی واجب دویم بر هر حاج متمتع از
واجبات منی ذبح هدی است بدانکه واجب است بر هر حاج متمتع
ذبح یک هدی پس هدی واحد از برای چند نفر کفایت
نمیکند علی الاشهر الاظهر الاحوط و اگر قادر بر خریدن هدی
نباشد ده روز روزه میگیرد سه روز در حج و هفت روز
بعد از مراجعت و اگر هدی یافت نشود قیمت او را نزد معتمدی
میگذارد که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند و اگر میسّر
نشود در این سال در سال اینده بگیرد و احوط آن است
که جمع کند میان این و روزه ده روز و اگر فراموش کند نحر را
در روز عید یا عذر دیگر باشد تاخیر آن تا آخر ایام تشریق
١٤٥ بلکه آخر ذی الحجه جایز است و واجب است در هدی که یا شتر
یا گاو یا گوسفند بوده باشد پس اگر شتر باشد پنجساله
بوده باشد داخل در شش و اگر گاو باشد احوط آنست که دوساله

داخل

داخل در سه سال باشد و گوسفند اگر میش باشد هفت
ماهه داخل در هشت و احتیاط آنکه یکسال آن تمام و داخل در سال
دویم شده باشد و اگر بز باشد احوط دوسال داخل در سه ساله
و شرط است که صحیح و تمام الاجزاء باشد پس کور و لنگ و بیمار
و ناخوش مجزی نیست حتی آنکه اگر قلیلی از گوش او را بریده باشند
یا از شاخ اندرونی او چیزی ناقص است مجزی نیست و آنکه لاغر
باشد و مشهور آن است که کفایت میکند همین قدر که در گرده های
او پیه باشد و احوط آن است که علاوه بر این او را در عرف لاغر
نگویند و باکی نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ
باشد اگر چه احوط ترک این دو و ترک حیوانی است
که شاخ یا گوش یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد
و همچنین است حیوانی که عروق و بیضتین او را مالیده
باشند که او را موجوء و مرضوض الخصیتین گویند
و اما خصی پس اظهر و اشهر عدم اجزاء آن است و اگر

حیوانی را خرید و ذبح کرد بگمان آنکه صحیح است پس ناقص
بیرون آمد مجزی نیست و اگر بگمان چاق ذبح کرد
باید آنکه چاق باشد و مطابق مطلوب خداوند عالم
جل ذکره باشد و بعد از آن چاق بدر آمد اما اگر احتمال
چاق نمیداد یا احتمال میداد لکن نه باین امید چاقی و موافقت
واجب الهی بلکه از روی بی مبالاتی ذبح کرد پس ظاهر اینست
که مجزی نیست و بدانکه احوط آنست که قدری از ذبیحه
بخورند و قدری بهدیه دهند و قدری بصدقه دهند
و احوط آنستکه مقدار هریک از هدیه و صدقه ثلث
ذبیحه باشد و آنکه هدیه و صدقه بمؤمنین بوده باشد
بنا بر این ذبایحی که در این اوقات در منی کشته میشود
و غالبا بلکه دائما طایفه سودانی که در آنحوالی
هستند میگیرند دادن بایشان جایز نیست چرا که ایمان

ولاغر در آمد کافی است واگر با ظن لاغری ذبح کرد

بلکه

بلکه اسلام ایشان معلوم نیست پس اولا قلیلی از آن
بجهت خود بردارد بعد از آن بشخص فقیر مؤمنی از حجاج
ثلث آنرا تصدق کند و ثلث آنرا به بعض برادران خود هدیه
دهد هر چند که حصه هریک را جدا نکرده باشد فوقت
صاحب صدقه و هدیه اگر تصدق کند بر آن طائفه سودان
عیب ندارد و اگر اتفاقا پیش از این احتیاطات طائفه ذبیحه را
ببرند بطریق دزدی یا غصب موجب بطلان ذبح هدی
و وجوب اعاده آن نمیشود بلی اگر باختیار خود بدهد احوط
۱۴۷ ضمان حصه فقرا است و بدانکه کسیکه قادر بر هدی
نشود ده روز روزه میگیرد سه روز متوالی در حج از روز
هفتم تا نهم و اگر روز هفتم نشود هشتم و نهم را
۱۴۸ میگیرد و یک روز بعد از مراجعت از منی و اگر روز
هشتم را نگرفت روز نهم را نگیرد بلکه صبر کند
تا بعد از مراجعت از منی و احوط مبادرت بآنهاست

لازم است علی الاشهر الاحوط و اگر مخالفت کرد و ثانی را
مقدم بر اول یا ثالث را مقدم بر ثانی یا اول بجا آورد پس
اگر از روی فراموشی بوده باشد ضرر ندارد و اگر عمدا بوده ۱۵۲
پس مشهور نیز عدم وجوب اعاده است و در دلیل آن تاملی هست
و اگر احتیاط ممکن باشد ترک نکند و بدانکه اگر حلق
یا تقصیر را در روز عید فراموش کند تا بیرون رود از منی
واجبست مراجعت از برای حلق و اگر ممکن نشود در جای خود
۱۵۳ حلق میکند و موی خود را یعنی بعد از حلق میفرستد
اگر ممکن شود و در صورت مراجعت خود یعنی بعد از
حلق واجبست اعاده طواف و مستحبات که در وقت
سر تراشیدن رو بقبله کند و ابتداء از جانب راست
پیش سر بکند و این دعا بخواند اللّهم اعطنی
بکل شعرة نورا یوم القیمة و سنت
که موی سر را دفن کند در منی در محل خیمه خود

و احوط

و احوط آنست که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد
۱۵۳ و ناخن هم را بگیرد و بدانکه بعد از حلق حلال میشود
از برای او جمیع محرمات احرام مگر بوی خوش و زن و شکار
فصل پنجم در آنچه واجبست بعد از اداء مناسک منی
و آنچه مستحبست و در آن دو مقصد است مقصد اول
در واجبات بدانکه واجبست مراجعت بمکه از برای
طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن
۱۵۴ و جایز است از برای حاج متمتع تاخیر مراجعت تا روز یا
زدهم و بد نبود جواز تاخیر از روز یازدهم خلاف احوط عدم
تاخیر است اگر چه جواز تاخیر تا بعد از ایام تشریق بلکه
تا تمام ذی الحجه بعید نیست و بدانکه جایز نیست تقدیم طواف
و سعی پیش از رفتن بعرفات و مشعر و منی مگر از برای کسیکه
بجا آوردن آنها بعد از مراجعت بمکه میسر نباشد مثل
آنکه زن گمان حیض و نفاس در آن زمان داشته باشد

مستحبات هدی منی

اگرچه اشهر آنست که در عام نیز حجه میشود بجا آورد و اما هفت روز
دیگر پس بعد از رسیدن بخانه خود و احوط توالی است در آنها
اگرچه وجوب آن معلوم نیست و اگر بعد از روزه سه روز متمکن
از هدی شود احوط ذبح هدی است و اما مستحبات هدی پس
مستحبات که شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از آن گوسفند
و آنکه بسیار فربه باشد و نر باشد و مستحبست که شتر را که میخواهد
نحر کند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او ببسته باشد و از جانب
راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر بگودال گردن او فرو برد
و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوٰتِي وَنُسُكِي
وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ

منک

در هدی و حلق و تقصیر

مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي
و در بعضی روایات وارد شده این تتمه اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ
مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ عَنْ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ
وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ و سنتست
که خود قربانی را بکشد و اگر نداند دست بالای دست
کشنده نهد و واجب نهم حلق است یا تقصیر یعنی
سر تراشیدن یا از شارب و ناخن گرفتن و این در باره مردانست
و در باره زنان و خنثی سر تراشیدن جایز نیست و چنین
نیت کند که سر میتراشم یا مو یا ناخن میگیرم در فرض
حج تمتع لوجوبه قربة الی الله تعالی و بهتر آنست که اداء را
نیز نیت کند و چون حلق یا تقصیر نمود حلال میشود از برای
او همه آنچه حرام شده بود در احرام مگر زن و صید
و بوی خوش و بدانکه ترتیب میان رمی و ذبح و حلق

واجبات بعد از منی

و هر پیر عاجز نتواند بعد از مراجعت روز دوم از منی طواف کند
بجهت ازدحام در اینصورتها اظهر جواز تقدیم طواف و سعی است
بر وقوف بعرفات و مشعر و منی و بعضی در اینصورت نیز منع
کرده اند پس احوط آنستکه صاحب عذر تقدیم کند و بعد از آن اگر
ممکن شود اعاده آن در ایام تشریق کند و الا در باقی ماه ذی الحجه
اعاده نماید و اگر میداند که در تمام ماه ممکن نمیشود پس اشکال
در تقدیم و لجب است لکن احوط استنابه است نیز و اما کیفیت
طواف زیارت و نماز آن و سعی پس همان است که در عمره گذشت
و بعد از بجا آوردن این طواف و نماز آن و سعی مابین صفا
و مروه حلال میشود از برای او آنچه حرام مانده بود براو
بعد از حلق بوی خوش و میماند براو از محرمات صید و زن
و بعضی گفته اند بمجرد طواف و نماز آن بوی خوش حلال
میشود و اول احوط و اقوی است و بعد از طواف النساء
و نماز آن که در کیفیت مثل طواف سابق است حلال

اقوی حلیت صید احرامی است نیز

میشود

در واجبات بعد از منی

میشود زن و صید احرامی یعنی آنچه بجهت احرام حرام است
براو از صید و اما حرمت صید حرم پس از جهت
احرام است و احوط اجتناب از بوی خوش است قبل از طواف
النساء اگر چه اقوی جواز است پس شخص حاج متمتع سه مرتبه
بتدریج محرمات احرام براو حلال میشود مرتبه اولی بعد از حلق
دویم بعد از سعی مابین صفا و مروه مرتبه سیم بعد از
نماز طواف النساء و بعضی تحلیل را موقوف بنماز ندانسته اند
اول اقوی و احوط است بدانکه طواف النساء هر چند که واجب است
و بدون او زن حلال نمیشود الا آنکه معروف مابین علما آنست
که از ارکان حج نیست پس ترک آن عمدا مثل ترک طواف زیارت
یا طواف عمره نیست که باعث فساد حج یا عمره شود بلکه واجب است
بر تارک آنکه او را بجا بیاورد و تا او را بجا نیاورده زن براو حلال
نمیشود حتی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی الاحوط

مستحبات طواف

مقصد دویم در مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف
نساء است بدانکه بهتر آنست که با تمکن همان روز عید از منی
بعد از مناسک ثلاثه مراجعت کند بمکه و اگر نشد فردای
آنروز و احوط عدم تاخیر است از فردای آنروز مگر بجهت عذر
و سنت است که غسل کند و متوجه مسجد الحرام شود
با ذکر و تمجید و تعظیم الهی و صلوات بر سید بر محمد
و آل محمد و چون بدر مسجد آید این دعا بخواند
اللهم اعنی علی نسکی و سلمنی له و سلمه
لی اللهم انی مسئلة العلیل الذلیل
المعترف بذنبه ان تغفر لی ذنوبی و ان
ترجعنی بحاجتی اللهم انی عبدک و البلد
بلدک و البیت بیتک جئت اطلب

رحمتک

١٥٧ احوط عدم [illegible] ١٥٧

رحمتک و اوم طاعتک متبعا لامرک
راضیا بقدرک اسئلک مسئلة المضطر
الیک المطیع لامرک المشفق من عذابک
الخائف لعقوبتک ان تبلغنی عفوک
و تجیرنی من النار برحمتک پس نزد حجر الاسود
بیاید و استلام و تقبیل نماید و آنچه در طواف عمره بجا آورده
بود بجا بیاورد و تکبیر بگوید و نیت کند و طواف کند
هفت شوط بنهج مذکور در طواف عمره و آداب این طواف
و نماز و سعی و طواف نساء هم چنان است که سابقا در طواف
و سعی عمره مذکور شد **فصل ششم** در بیان
خوابیدن است بمنی در شبهای تشریق بدانکه هرگاه
حاج در روز عید بمکه رود بجهت طواف و سعی

بیتوته در منی

واجب است که بر گردد بسوی منی بجهة بیتوته یعنی
شب بسر بردن در شب یازدهم و دوازدهم در منی
و اجبات شب سیزدهم نیز واجبات بر کسیکه
در احرام از زن یا صید پرهیز نکرده و بر کسیکه این دو را
در احرام اجتناب کرده لازم نیست و جایز است از برای
او نفر یعنی کوچ کردن در روز دوازدهم بعد از زوال
شمس و اگر اتفاقاً آن روز در انجا ماند تا شب داخل شد
در انجا نیز لازم است و همچنین رمی در فردا که سیزدهم است
و واجب است در بیتوته نیت کردن بعد از دخول
وقت شام و حد شب که بسر بردن او لازم است
تا ما بعد نصف شب است پس اگر بعد از نصف
شب از انجا بیرون رود عیب ندارد و احوط آنستکه
که پیش از طلوع فجر داخل مکه نشود و کسیکه ترک کند

بیتوته را

واجبات رمی

بیتوته را عمداً واجب است بر او از برای هر شبی یک
گوسفند که او را بکشد و احوط الحاق ناسی و جاهلست
بعامد در وجوب گوسفند و همچنین الحاق معذور
بغیر آن هر چند گناه نیست بر معذور و آنکسی است
که عذری دارد مانع از بیتوته مثل بیمار و بیمار پرست
و کسی که خوف بودن مال خود را دارد از مکه اگر بیاید
بمنی و مثل شبان گوسفند و کسانیکه سقای حاج در دست
ایشانست و ظاهر علماء عدم وجوب فدیه گوسفندست
بر دو فرقه اخیره و مثل ایشانست کسیکه در مکه
شب را بعبادت احیا کند و مشغول غیر عبادت نباشد
مگر امور ضروریه مثل اکل و شرب و تجدید وضو
و مستحب است که چون از مکه مراجعت کند بمنی بگوید
اَللّٰهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ

اَسلَمتُ وَعَلَیكَ تَوَكَّلتُ فَنِعمَ الرَّبُّ وَنِعمَ المَولی وَنِعمَ النَّصیر

فصل هفتم

در انداختن سنگها بجمرات ثلاث در روزهایی که در شب آنها بیتوته بمنی واجب است وآنچه مستحبات بعمل آوردن از برای این روزها در منی و در آن دو مقصد است

مقصد اول

در واجبات بدانکه واجب است در این ایام رمی جمرات ثلث که جمرهٔ اولی باشد و جمرهٔ وسطی و جمرهٔ عقبه بترتیب پس اگر مخالفت ترتیب کند اعاده کند آنچه را در غیر مرتبه خود کرده بلی اگر چهار سنگ بجمره انداخته و از آن ترک نموده و مشغول دیگری شد کفایت میکند در ترتیب و سه سنگ را بعد از آن میزند اگرچه احوط در اینجا نیز اعاده است و واجبات رمی همان است که در مناسک منی مذکور شد و کسیکه فراموش کند

انها را

انها را بوی که بردار از مکه بجهة بجا آوردن آنها و اگر متذکر نشد تا بعد از خروج قضا میکند در سال آینده بنفس خود یا نایب و کسیکه مریض باشد و مأیوس باشد از تمکن در وقت خود بعوض او رمی میکنند و اگر صحیح شد اعاده لازم نیست اگرچه احوط است در صورت قدرت در وقت و اگر شود مریض سنگ را بدست دیگری بیند از دارد و اگر کسی عمدا ترک رمی کند حج او فاسد نمی شود علی الاشهر الاقوی و بعضی فرموده اند که احوط قضای حج است در سال دیگر و بدانکه جایز نیست که در شب رمی کند از برای روز گذشته یا از برای روز آینده مگر کسیکه عذر داشته باشد که در روز رمی ممکن نشود پس شب آن روز رمی میکند و اگر کسی فراموش کند رمی را تا روز دیگر اول قضای رمی سابق را میکند بعد از آن واجب آن روز را بجا میاورد

مقصد دوم

در اعمال مستحبه

در منی است در روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه
مستحب است که در این سه روز از منی بیرون نرود حتی
جهت طواف مستحب و آنکه در جمره اولی و وسطی رو بقبله
کند و جمره را بدست راست گیرد و حمد و ثنای الهی بجا
آورد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد پس اندکی پیش
رود و دعا کند و بگوید اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی
پس پیشتر رود اندکی و دعای سابق در وقت رمی را بخواند
و رمی کند و در وقت رمی اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید و در رمی جمره
عقبه پشت بقبله کند و تکبیر در منی مستحب است بنابر مذهب
مشهور میان علماء و بعضی او را واجب دانسته اند و احوط
آن است که ترک نکند در منی و غیر آن و در منی عقیب پانزده
نماز بگوید و کیفیت آن بنابر مشهور روایات این است اَللّٰهُ اَکْبَرُ
اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ

و در غیر منی عقیب ده نماز و اول آنها ظهر روز عید است بعد از نحر

اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰینَا وَلَهُ الْحَمْدُ عَلٰی مَا اَبْلَانَا ما اولانا
وَرَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ و در بعضی اخبار بعد
از تکبیر سیم بگوید وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ
عَلٰی مَا هَدٰینَا اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا
مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ و در بعضی از روایات همین است
بی زیادتی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا و اگر در روز
دوازدهم کوچ کرد از منی سنت است که بیست و یک سنگریزه را
در منی دفن کند و مستحب است که در این ایام نمازهای واجب
و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد و در حدیث است
که هر که در مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد
پیش از آنکه از آنجا بیرون رود برابر است با عبادت
هفتاد سال و هر که صد مرتبه سبحان الله بگوید

بنویسد از برای او ثواب بنده آزاد کردن و هر که
صد مرتبه لا اله الا الله بگوید برابر است با ثواب
زنده کردن شخصی و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید برابر است
با خراج عراقین که در راه خداوند عالم تصدق کند

خاتمه در طواف وداع و سایر مستحبات تا زمان
خروج از مکه معظمه و ورود بمدینه منوره بدانکه
مستحب است از منی مراجعت بمکه بجهت طواف وداع هرگاه طواف
واجب و سعی و طواف نساء را پیشتر کرده و پیش از کوچ
شش رکعت نماز در مسجد خیف بکند و چون به مکه رود
سنت است که داخل خانه کعبه شود خصوصا کسیکه تازه
حج کرده است و در حدیث است که داخل شدن
در کعبه داخل شدنست در رحمت خدا و بیرون
رفتن بیرون رفتن از گناهان و در بقیه عمر و میامرزد
خداوند عالم [illegible] نگاه میدارد از گناهان

گناهان گذشته او و سنت است که جهة دخول خانه
غسل کند و پای برهنه داخل شود و پیش از دخول
هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید اَللّٰهُمَّ اَلْبَیْتُ
بَیْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَآمِنِّی مِنْ عَذَابِكَ
وَاَجِرْنِی مِنْ سَخَطِكَ پس داخل شود و بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
آمِنًا اَللّٰهُمَّ فَآمِنِّی مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ
النَّارِ پس دو رکعت نماز گذارد در میان دو ستون
بر سنگ سرخ و در رکعت اول حم سجده بخواند و در رکعت
دویم بعدد آیات آن از قرآن و در گوشههای کعبه
نیز نماز گذارد پس بگوشه آید که در آنجا حجر الاسود است

وشکم خود را بر او مالد پس دو دست را بگرداند و شکم
و پشت خود را بر آن ستون بمالد و چون خواهد بیرون
آید نزد باب ابواب بدست چپ گیرد و نزدیک کعبه دو
رکعت نماز کند و بدانکه مستحب است بسیار طواف کردن
و از برای حجاج از نماز نافله افضل است و طواف
بنیابت مؤمنین بسیار ثواب دارد و بنیابت حضرت
پیغمبر و حضرت فاطمه و دوازده امام ثواب عظیم
دارد و در خبر صحیح وارد است که مستحب است که شخص در مکه سیصد
و شصت طواف کند بعدد ایام سال و اگر نتواند
سیصد و شصت شوط و از پنجاه و یک طواف
و سه شوط میشود و از جهت اتمام عدد ایام سال
تمام میکند چهار شوط دیگر تا پنجاه و دو طواف شود
و مستحب است ختم قرآن مجید را در مکه معظمه در حدیث است
که هر که ختم قرآن کند در آنجا از دنیا نرود تا ببیند

حضرت

در طواف وداع

حضرت پیغمبر را و ببیند منزل خود را در بهشت و مستحب است
در مکه مشرفه شرفها الله بموضع تولد حضرت رسول و بمنزل
خدیجه و زیارت قبر ابیطالب و رفتن بغاری که در حری
حضرت رسول در اوایل بعثت عبادت کرده در آنجا و بغاری که
در کوه ثور است که حضرت رسول در آنجا مخفی شده
و بدانکه مستحب است از برای کسیکه در مکه میماند اتیان
بعمره مفرده و در اعتبار فاصله میانه دو عمره که پیش بجا
آورد خلاف کرده اند جمعی کثیر از علما بر آنند که احتیاج
بفاصله ندارد و جمعی لازم دانسته اند فاصله یکماه را
و بعضی یکسال را و بعضی کافی دانسته اند فاصله ده روز را
و این قول خالی از قوت نیست اگرچه سند مستند آن
ضعیف است و احرام عمره مفرده از اقرب اطراف
حرم است بمکه معظمه و الآن معروف است و بعد از
احرام طواف و نماز آن و سعی و تقصیر میکند

و همه چیز از برای او حلال میشود مگر زن و چون
طواف نسا را اگر در عمرهٔ مفرده لازم است بجا آورد
زن نیز بر او حلال میشود و سنت است که چون خواهد
از مکه بیرون رود غسل کند و طواف وداع بجا آورد
و در هر شوطی دست یابد بحجر الاسود و رکن یمانی
برساند و چون بمستجار رسد دعاهای سابق را
بخواند پس نزد حجر الاسود بیاید و شکم خود را
بخانه بساید و یکدست بر حجر الاسود گذارد و دست
دیگر بجانب خانه گشاید و حمد و ثنای الهی بجا
آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و
سنت است که از باب حناطین بیرون رود که مقابل
رکن شامی است و آنکه عزم کند بر مراجعت و از خداوند
عالم طلب توفیق مراجعت کند و در وقت
بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدق

کند

کند بر فقرا که بجهت احتمال صدور بعض محرمات
در حال احرام از او غفلة مثل شپش کشتن و نحو
از او و از جمله مستحبات مؤکده مراجعت از راه مدینه
طیبه برای ادراک زیارت حضرت فخر کاینات
و ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین در حدیث
وارد شده که ترک زیارت آن حضرت بعد از
حج جفا است بر آنحضرت وفقنا الله و جمیع
المؤمنین لزیارته بجاه و آله
الطاهرین والحمد لله
اولا و آخرا و ظاهرا
و باطنا تاریخ
شهر رجب المرجب
١٣٣٩

بسم الله الرحمن الرحيم هذه رسالة الحج ... محمد كاظم الطباطبائي ...

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اوجب الحج على من استطاع الیه
سبیلا والصلوة والسلام على رسوله وسفیره الذی
ارسله الى العالمین بشیرا ونذیرا وهادیا ودلیلا
وعلى آله المعصومین المنتجبین وذریاته المصطفین
ثناء جمیلا وبعد چنین گوید اثم جانی الحاج
سید ابو القاسم الاصفهانی النجفی وفقه الله للعمل
فی یومه لغده قبل ان یخرج الامر من یده که چون مناسک
مرحوم رضوان مکان علامه انصاری اعلى الله مقامه
محلى بحواشی حضرت آیة الله فی الارضین غوث

الشیعه

الشیعه وحامی الشریعه سید استاد و ملاذ عباد
حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا سید محمد کاظم الیزدی
النجفی مد الله ظلاله على رؤس العالمین که مرجع انام
از خواص وعوام است خالی بود از احکام استطاعت
وفروع حج بنیابت که از مهمات احکام ومسائل دینیه است
حسب الاشاره حضرت سید استاد بزرگوار مهمات فروع
آنرا از فتاوی ایشان استخراج وباول مناسک الحاق
ومرتب نمودم آنرا بیک مقدمه ودو مقصد ویک خاتمه
که آنرا در احکام وآداب مدینه باخر مناسک مزبور
الحاق مینمایم تا بر ترتیب وافی بمهمات ومقدمات
واحکام عمره وحج وزیارات بوده باشد **مقدمه**
در بیان یک مسئله که پیش از شروع در حج لازم است
دانستن آن بدانکه بر هر کسی لازم است مسائل شرعیه

خود را که مورد ابتلاء او است اجتهاداً یا تقلیداً تعلم
نماید یا مورد احتیاطات را بداند تا در مقام عمل از روی
بصیرت اقدام بآن نماید و متحیر نماند بلی اگر اعمال حج را تفصیلاً
نداند ولی همراه عالمی باشد و مطابق فتوی مجتهدی که
تکلیفش رجوع باو است از او اخذ نماید انشاء الله عمل او
صحیح و مجزی خواهد بود **مقصد اول** در احکام
استطاعت و سایر شرایط وجوب حج است بدانکه عمره
و حج بالاصاله واجب نمیشود مگر بعد از حصول چند شرط
اول بلوغ پس بر طفل اگر مالدار باشد حج واجب نیست
بلی اگر ولی او را همراه خود ببرد بحج و او را حج دهد
صحیح و ثواب است ولکن کافی از حجة الاسلام او نیست پس
هرگاه از طفل با استطاعت بماند تا بعد از بلوغ یا بعد از آن
مستطیع شود واجب میشود بر او حجة الاسلام **دوم**

عقل

عقل پس بر مجنون اگر چه بالغ و مالدار باشد و ایام حج
هشیار و عاقل نباشد واجب نیست **سیم** حریت
پس بر غلام و کنیز اگر چه بعض آنها آزاد باشد حج واجب نمیشود
بلی هرگاه قبل از احد وقوفین تمامش آزاد شود و مستطیع شود
یعنی بر اتمام حج از مال خودش قادر باشد مجزی از او خواهد
بود **چهارم** استطاعت یعنی بر اتیان باعمال عمره و حج
در ایام آن از جهت امنیت راه و صحت بدن و مال قادر
باشد بنحویکه بمشقت نیفتد پس معتبر است در وجوب حج قدرت
بر زاد و راحله و خادم و خیمه و امثال آن از ضروریات بحسب
حال خود که بدون آن در تعب میافتد چنانچه شرط است
قدرت بر نفقه عیال و باز ماندگان که واجب النفقه او
میباشند از وقت رفتن تا مراجعت بمنزل بآنکه بالفعل
خودش دارا باشد یا آنکه کسیکه وثوق باو دارد متعهد آن میشود

هرگاه زن شوهر داشته باشد که نفقه او را متحمل است و بقدر
خرج رفتن و برگشتن بحج لایق بحال خود داشته باشد از مهر
یا غیر از حج براو واجب است هر چند بعد از برگشتن چیزی نداشته
باشد چون نفقه او بر شوهر او است بلی اگر شوهرش قادر بر انفاق
او نیست یا محتاج بچیزهائیست که بر شوهر واجب نیست باید
بعد از برگشتن ما به الکفایه داشته باشد والا مستطیع نیست
مسئله هرگاه شخصی بقدر استطاعت مالک نیست و بکرای
رفتن تا میقات رسید در آنجا مستطیع شد یا آنچه داشت مکه کافی
نبود حال کفایتش میکند حج بر او واجب میشود و کافی از حج
الاسلام است **مسئله** هرگاه شخصی بجهت تجارت یا غیر آن
رفت ببلدیکه در آنجا اگر برود بمکه مستطیع خواهد بود
و اگر برگردد ببلد خود بقدر کفایت ندارد واجب است
از همانجا برود و حج حجة الاسلام است **مسئله**
اگر کسی حج بر او مستقر شده است لکن عاجز شده

بعد از

بعد از استقرار از و مأیوس است از ارتفاع عجز واجب است
نایب بگیرد اما هرگاه مستقر نشده عاجز شد و لکن استطاعت
مالی دارد وجوب نایب گرفتن معلوم نیست هر چند
احوط است **مسئله** اگر کسی در بلد خودش امرار
بکسب میکند دو شخص خواست او را اجیر کند از برای
خدمت در راه مکه و اجرتش بقدر مخارجش باشد واجب
نیست قبول کند بلی اگر قبول کرد مستطیع میشود پس واجب
است بر او حج و کفایت از حجة الاسلام هم میکند **مسئله**
بعد از تحقق شرائط وجوب و بقاء وقت که بتواند خود را
بحج برساند در همان سال اول واجب فوری است
و تاخیر از گناهان کبیره موبقه و استغفار از آن واجب فوری است
و متعین است بر او سال بعد بلافاصله برود و هم چنین
سالهای بعد و هر سالی تاخیر بیندازد گناهی علیحده

در شرایط استطاعت

و هم چنین شرط است قدرت بر ادای تمام دیون مالیه که
بر ذمه او است مثل قرض و مهر عیال و حقوق مالیه الهیه
از خمس و سهم امام علیه السلام و زکوة و مظالم و امثال ان
که واجبست ادای ان مطلقا لکن بر فرض ادای ان با استطاعت
باقی میماند و ادا نکرده بحج رود گناهکار است و لکن حج
او صحیح و مجزی است و هم چنین شرط است بنابر اقوی رجوع
بکفایت باین معنی که بالفعل یا بالقوه بر فرض بعد از رفتن مراجعت
بعسرت و مشقت نیفتد باینکه یا سرمایه تجارت داشته باشد
یا مال الاجاره املاک یا کسب داشته باشد که بدون تعب امرار
بگذرد پس کسیکه سرمایه بمقدار کفایت دارد که معاش او
از ربح ان باید بگذرد و بدون ان نمیتواند معاش خود را
بگذراند یا ملکی دارد که از منافع و حاصل ان امور معیشت میگذرد
یا خانه و اثاث البیت و کتب علمیه و غلام و کنیز و سایر ضروریات
که قوام معاش او بانها است و زاید بر ضرورت ندارد

مستطیع

در استطاعت

مستطیع نیست و واجب نیست انها را بفروشد
و بحج رود بلی اگر کسی بگوید بیا بحج و مخارج تو بر من واجب است
بود اگر وثوق بقول او داشته باشد رجوع بکفایت در اینصورت
شرط نیست و در اینجا چند مسئله است **مسئله**
بدانکه قدرت بر مشرف شدن بمدینه طیبه علی مشرفها
الاف السلام و التحیه شرط وجوب حج نیست پس اگر
مبلغی دارد که وافی بمصارف حج تنها باشد و وفا بزیارت
مدینه نکند مستطیع است و واجب است برود **مسئله**
رضایت شوهر شرط وجوب و صحت حج واجبی زن
نیست بلی اذن شوهر در حج ندبی او معتبر است
و هرگاه زن در اتیان حج واجبی محتاج بمحرم باشد
که عرض او محفوظ ماند قدرت بر اجرت رفت
و آمدن محرم هم معتبر است در استطاعت او **مسئله**

کرده حج از گردن او ساقط نمیشود اگرچه مالش تلف
شود و فقیر شود باید برود اگرچه بگدائی یا پیاده رفتن باشد
مگر آنکه خوف تلف نفس بوده باشد که در تأخیر از معذور خواهد
بود مسئله اگر کسی مبلغی که وافی بحج او باشد دارد
و اگر آنرا صرف عروسی خود یا اولاد خود کند یا امثال آن از
استطاعت حج میافتد بر او واجب است که آن مبلغ را صرف حج
کند و برود بلکه همچنین است اگر بخواهد صرف زیارات
مشاهد متبرکه نماید از حج باز میماند متعین است بر او
تقدیم حج و چنین کسی مستطیع است مسئله
اگر کسی فقیر باشد تحصیل استطاعت بکسب و امثال آن واجب
نیست بلی اگر کسی اعیان زاد و راحله و سایر لوازم را
باو بذل کند یا تمام آنچه خودش دارا است باو ببخشد یا متعهد
شود که متحمل زاد و راحله و تمام لوازم او شود با وثوق
بقول او مستطیع میشود مادامی که قبول از او منافی

با ابروی

۳ مسئله اگر بعد از حصول استطاعت و استقرار حج عاجز شد از رفتن بضعف بدن یا حبس یا مرض و مانعی که رفع آن بعد از آن ممکن نباشد اتفاقاً قوه بدنیه او برگشت و قادر برفتن شد احوط بلکه اقوی وجوب حج است بر خودش خ

با آبروی او بنا باشد که منشاء عسر و حرج او باشد که در این
فرض واجب نیست قبول بلی اگر قبول کرد واجب میشود چنانچه
گذشت و ملاحظه شرف خود را نکند مسئله بعد از حصول
استطاعت و استقرار وجوب حج جائز نیست اموال خود را
باولاد خود یا دیگری ببخشد بقصد فرار از حج زیرا که این
صلح مفوت واجب و از حرام است لکن صلحش صحیح است بلی
اگر صلح او قبل از خروج رفقه بوده که بدون آنها نمیتواند برود
ضرر ندارد و حج از او ساقط میشود چون هنوز مستقر نشده
و اگر بعد از خروج رفقه صلح کرد حج بر گردن او مستقر شده
و ساقط نمیشود باز و باید اگرچه بگدائی باشد برود
مسئله بدانکه اگر تمام طرق مکه مأمون باشد مخیر است
از هر راهی بخواهد برود و اگر بعض طرق مأمون است
و بعضی مخوف معین است اختیار طریق مأمون هرگاه

در استطاعت

اختیار طرق غیر مأمونه کرده معصیت کرده اگر چه ضرری بر او وارد
نشود ولی حج او صحیح است و اگر سال اول استطاعت مالی
هیچ کدام راه‌ها مأمون نبوده و عصیاناً رفت و اتفاقاً ضرری بر او
وارد نشد حج او واجب نیست پس اگر برگشت یا در مکه ماند
تا سال بعد و با استطاعت مالیه خود باقی مانده باشد در همان
سال حج کند و محسوب است و همچنین اگر در همان سال اول وقتی که
بمیقات رسید از آنجا تا مکه مأمون شد که در اینصورت نیز محسوب است

مسئله بدانکه اگر از رفتن با کشتی بخار احتمال بدهد
که بتواند بدن و لباس و مأکول و مشروب خود را پاک
نگاه دارد جایز است رفتن از آن اگر چه در کشتی نجس شود
و ممکن نشود تحصیل طهارت برای وضو و غسل و امثال آن
در اینصورت بلا اشکال نماز او قصر است زیرا که سفر
او معصیت نبوده و بر فرض امکان تطهیر بکشیدن آب از دریا

یا خریدن

در شروط استطاعت

یا خریدن کوزه و امثال آن واجب است و بر فرض عدم تمکن از آن
اگر خاک پاک همراه دارد تیمم کند بآن اگر چه اعضای تیمم هم نجس باشد
و نمازش صحیح و مجزی است و اگر بدون فرض با آب نجس وضو گرفت باطل است
پس بعد از تمکن از طهارت نمازش را قضا کند بلکه همچنین است اگر
از اول میدانست که تحصیل طهارت در کشتی غیر ممکن است زیرا
که هر چند معصیت کرده لکن معصیت محسوب نشدن سفر بمجرد تبدیل
فرد اختیاری نماز باضطراری با تکلیف او بنماز تمام باشد محل تأمل است
و احوط جمع است **مسئله** هر گاه شخص مستطیع نباشد
و بداند اگر اجیر غیر شود مستطیع میشود باینکه اجرتی قرار
میدهند کفایت در حج میکند جایز است اجیر شود حج اجیر را
مقدم دارد و اگر شرط کنند که در همان سال بجا آورد بود در سال
بعد هر گاه استطاعت او باقی است حج خود را بجا آورد

مقصد دویم در احکام حج نیابت است
بدانکه هر گاه کسی مستطیع بود و حج بجا نیاورد تا افتاد در حال

در حج نیابتی

مردن بود او ظاهر شد و مال او وافی باستنابه باشد
واجب است بر او وصیت کند بحج پس اگر وصیت بحج میقاتی
کند از اصل مال محسوب است و واجب است بر وصی عمل نمودن بان وصیت
اگرچه مال او منحصر بهمان باشد مثل دین که بر وارث مقدم است
بلکه همچنین است اگر وصیت نکند که بر وارث او واجب است استنابه
حج و اما اگر وصیت کند بحج بلدی پس بمقدار اجرة المثل
حج میقاتی از اصل مال محسوب و مقدار اجرة المثل از بلد
تا میقات از ثلث او محسوب میشود بلی احوط و اولی آنست
که کبار ورثه تفاوت ما بین بلدی و میقاتی را از سهم خود شان
محسوب بدارند که از ثلث میت و سهم صغار کم نشود
بلی اگر وصیت بنیابت زیارت مدینه طیبه هم ضمنا یا استقلالا
کرده بلا اشکال تفاوت حج با زیارت و بدون آن از ثلث
محسوبات و در این چند مسئله است **مسئله**

بدانکه

در احکام نیابت

بدانکه شرط است در جواز استنابه بر آنکه نایب مسائل
حج را که مورد ابتلا او است تفصیلا یا اجمالا بطور دیگه
اول این رساله ثبت شد بداند و بر طبق آنچه اجیر شده
واجب است عمل کند پس هرگاه اجیر شد که در سال معین
یا از فلان راه معین بود واجب است عمل کند پس اگر از آن
تخلف نمود و در سال بعد رفت یا از غیر آن طریق
معین سلوک کرد حج را بجا آورد عمل او صحیح و مجزی و مبرئ
ذمه میت است ولکن نایب مستحق اجرة المسمی و نه
اجرة المثل نخواهد بود و هرگاه او را اجیر کردند که بعد از
اداء حج نیابتی بنیابت او مدینه هم مشرف شود و او حج را
مطابق اجاره در همان سال بهمان ترتیب که بر او واجب
بوده بجا آورد لکن مدینه نرفت بصرصیت فنایب از حج
بری و اجرة المثل زیارت مدینه را باید رد کند اگرچه نایب

در اجیر شدن بجهت حج

دیگری اجیر کرده باشد که بنیابت منوب عنه زیارت مدینه
برود و رفته باشد که اجرت از بر عهده خود نائب است یکی
اگر نائب هنوز در ان بوده ضرر ندارد و ذمه او فارغ خواهد بود
بلکه همچنین است خصوصیات از که برحسب متعارف داخل اجاره
بوده مثل زیارت حضرت ائمه بقیع و حمزه و شهدای احد
اگر قرینه بر دخول ان در اجاره باشد **مسئله** شرط است
در جواز استنابه وثوق بانکه اعمال را صحیحا بجا میاورد
وعدالت او شرط نیست پس هرگاه عاصی اگر اطمینان باو
ندارد نمیتوان استنابه نمود **مسئله** بدانکه در صحت
نیابت انکه بر نائب حج واجبی در ان سال نباشد پس اگر
کسی نایب شخصی شد و شرعا در ان سال اجیر او است
نمیتواند در ان سال اجیر غیر شود در ان سال چنانچه
اگر مستطیع باشد جایز نیست نائب غیر شود بلکه هم
چنین است اگر چه فقیر شده باشد و بتواند بتسکع

وکدائی

در اجیر شدن

وکدائی برود بلی اگر اجیر غیر شود که سال بعد برای او حج کند
و مبلغی از او بگیرد در سال اول حجة الاسلام خود را بجا اورد
از ان مال و باقیمه از سال بعد بر طبق اجاره برای منوب عنه
حج بجا اورد ضرر ندارد و اگر به هیچ وجه نتواند حج خود را بجا
اورد جایز است اجیر غیر شود **مسئله** اگر حاجی بعد از احرام
و دخول حرم و قبل از اتیان باعمال عمره و حج بمیرد ذمه او
بری میشود و همچنین است اگر اجیر بعد از احرام و دخول حرم
بمیرد ذمه او و منوب عنه هر دو بری میشود و اجرة المثل
تتمه افعال عمره و حج را و ورثه نائب عبث طلب نکند اگر اجیر
شده باشد بر تفریغ ذمه میت و اما اگر اجیر شده باشد
بر اعمال حج یا بر مجموع اعمال و مقدمات پس مشکل است
استحقاق تمام اجرت و این حکم در خصوص حج و عمره
ثابت شده پس اگر در این فرض زیارت مدینه طیبه هم

در اجیر شدن بجهت حج و زیارت مدینه

چون اجازه او بود و قصد نایب باشد اجرة المثل از وارث دارد کنند

مسئله بدانکه در حج بلدی نایب باید از بلد موت منوب عنه قصد نیابت کند و برود نه از محل وصیت یا بلد نایب بنا بر اقوی

مسئله هرگاه پدر وصیت بحج کند پسر را که بنیابت او بعد موته حج کند واجبست بر او اگر قبول وصیت کرده اگرچه بعد موت پدر خود هم مستطیع شود پس در سال اول حج پدر را میکند و در سال بعد حج خود را اگر استطاعتش باقی بماند و ضرر ندارد در اینصورت تقدیم حج غیر بر حج واجب خود چون مانع شرعی مثل مانع عقلی است و اما هرگاه پیش از موت پدرش مستطیع باشد نمیتواند قبول وصیت کند مگر آنکه شرط کند که حج پدر را بعد از حج خودش در سال دیگر بکند

مسئله در حج نیابتی لازم است نیت منوب عنه و تعیین او هرگاه در حج نیابتی بر او باشد و تعیین اجمالی کافی است و تلفظ باسم منوب عنه

لازم

در اجیر شدن از برای حج بلدی

لازم نیست بلی مستحب است

مسئله جایز نیست برای اجیر اینکه حج را بغیر بدهد یا اینکه غیر را اجیر کند مگر اینکه ماذون باشد از جانب مستاجر

مسئله اگر کسی نیابت کند از میت تبرعاً صحیح است و ذمه میت بری میشود هر چند ترکه داشته باشد بقدر حج و بیشتر

مسئله اگر بر میت دو حج واجب باشد یکی حجة الاسلام و یکی حج نذری مثلاً جایز است در یک سال دو نایب بگیرند و ترتیب لازم نیست هرچند تقدیم حجة الاسلام بر خودش لازم بوده

مسئله اگر کسی نذر کند که اگر مستطیع شد نیابت کند از پدرش مثلاً صحیح است و واجب میشود پس اگر استطاعت باقی ماند بعد از آن واجب است بر او حجة الاسلام والا فلا

مسئله نایب در یک سال نمی تواند نیابت دو نفر در حج واجب بجا آورد اما در حج مستحبی جایز است

در حج نیابتی

دو نفر اجیر کنند یک نفر را که بنیابت از دو بالاشتراک
یک حج بجا آورد مسئله نایب اذا غیر که محرم
شد محرمات احرام بر او حرام است و اما بر منوب عنه
در حال احرام نایب حرام نیست و اگر ترک کند نایب
طواف نساء را زن بر او حرام است نه بر منوب عنه
مسئله اجیر از برای حج بلدی هر گاه اجیر غیر شود
از برای خدمات در راه ضرر ندارد و اما هر گاه
اول اجیر شد از برای خدمت در راه و بعد خواسته
باشد اجیر شود از برای حج بلدی مشکل است بلی
هر گاه اجیر شود از برای اعمال حج ضرر ندارد مسئله
مستحبات از برای نایب اینکه در جمیع مواطن ذکر
کند اسم منوب عنه را مسئله مستحبات

از برای

در نیابت

از برای منوب عنه اینکه اگر اجرتی که داده است نیابت
کفایت او نکرده باشد او را تتمیم کند مسئله
نیابت زن از برای مرد جائزات لکن مکروه است
خصوصا هر گاه از زن صروره باشد یعنی هیچ حج
نکرده باشد مسئله هر گاه کسی وصیت
کرده باشد که چند سال از برای او حج کنند بمبلغ معینی
و آن مبلغ کافی نباشد جائزات که حصه
دو سال را یا بیشتر در یک سال بدهند مسئله
جائزات نیابت حج از برای هر مسلمی هر چند
مخالف باشد بلی نیابت از ناصبی جایز نیست
مگر آنکه پدر نایب باشد والله العالم
تمت فی یوم العشرین من شهر رجب
المرجب ۱۳۳۹

از جمله دعاء صحیفه است که در
عرفات در حال وقوف بخوانی
باخضوع وخشوع واز دعا اینست
دعاء صحیفه عرفه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین اللهم
لک الحمد بدیع السموات والارض
ذا الجلال والاکرام رب الارباب
واله کل مألوه وخالق کل مخلوق
ووارث کل شیء لیس کمثله شیء

ولا یعزب

ولا یعزب عنه علم شیء وهو بکل شیء محیط
وهو علی کل شیء رقیب انت الله لا اله
الا انت الاحد المتوحد الفرد المتفرد وانت
الله لا اله الا انت الکریم المتکرم العظیم
المتعظم الکبیر المتکبر وانت الله لا اله
الا انت العلی المتعال الشدید المحال وانت
الله لا اله الا انت الرحمن الرحیم العلیم الحکیم
وانت الله لا اله الا انت السمیع البصیر
القدیم الخبیر وانت الله لا اله الا انت
الکریم الاکرم الدائم الادوم وانت الله
لا اله الا انت الاول قبل کل احد والاخر
بعد کل عدد وانت الله لا اله الا انت

الدّاني في علوّه والعالي في دنوّه وانت
الله لا اله الا انت ذو البهاء والمجد
والكبرياء والحمد وانت الله لا اله
الا انت الذي انشأت الاشياء من غير
سنخ وصوّرت ما صوّرت من غير مثال
وابتدعت المبتدعات بلا احتذاء
انت الذي قدّرت كلّ شيء تقديرا
ويسّرت كلّ شيء تيسيرا ودبّرت ما دونك
تدبيرا انت الذي لم يعنك على خلقك
شريك ولم يوازرك في امرك وزير
ولم يكن لك مشاهد ولا نظير انت

الذي

الذي اردت فكان حتما ما اردت وقضيت
فكان عدلا ما قضيت وحكمت فكان نصفا
ما حكمت انت الذي لا يحويك مكان
ولم يقم لسلطانك سلطان ولم يعيك
برهان ولا بيان انت الذي احصيت كلّ
شيء عددا وجعلت لكلّ شيء امدا وقدّرت
كلّ شيء تقديرا انت الذي قصرت الاوهام
عن ذاتيّتك وعجزت الافهام عن كيفيّتك
ولم تدرك الابصار موضع اينيّتك انت
الذي لا تحدّ فتكون محدودا ولم تمثّل
فتكون موجودا ولم تلد فتكون مولودا
انت الذي لا ضدّ معك فيعاندك ولا عدل

معك فیكاثرك ولا ند لك فیعارضك
انت الذی ابتدا واخترع واستحدث وابتدع
واحسن صنع ما صنع سبحانك ما اجل شانك
واسنی فی الاماكن مكانك واصدع بالحق فرقانك
سبحانك من لطیف ما الطفك ورؤف ما ارافك
وحكیم ما اعرفك سبحانك من ملیك ما امنعك
وجواد ما اوسعك ورفیع ما ارفعك ذو البهاء
والمجد والكبریاء والحمد سبحانك بسطت
بالخیرات یدك وعرفت الهدایة من عندك
فمن التمسك لدین او دنیا وجدك سبحانك خضع
لك من جری فی علمك وخشع لعظمتك ما
دون عرشك وانقاد للتسلیم لك

كل

كل خلقك سبحانك لا تحس ولا تجس
ولا تمس ولا تكاد ولا تماط ولا تنازع ولا
تجاری ولا تماری ولا تخادع ولا تماكر سبحانك
سبیلك جدد وامرك رشد وانت حی
صمد سبحانك قولك حكم وقضاؤك
حتم وارادتك عزم سبحانك لا راد
لمشیتك ولا مبدل لكلماتك سبحانك
باهر الایات فاطر السموات باری النسمات
لك الحمد حمدا یدوم بدوامك ولك الحمد
حمدا خالدا بنعمتك ولك الحمد حمدا یوازی
صنعك ولك الحمد حمدا یزید علی
رضاك ولك الحمد حمدا مع حمد كل

حامد وشكرا يقصر عنه شكر كل شاكر
حمدا لا ينبغي الا لك ولا يتقرب به الا اليك
حمدا يستدام به الاول ويستدعى به دوام
الاخر حمدا يتضاعف على كرور الازمنة
ويتزايد اضعافا مترادفة حمدا يعجز عن
احصائه الحفظة ويزيد على ما احصته
في كتابك الكتبة حمدا يوازن عرشك
المجيد ويعادل كرسيك الرفيع حمدا
يكمل لديك ثوابه ويستغرق كل جزاء
جزاؤه حمدا ظاهره وفق لباطنه وباطنه
وفق لصدق النية فيه حمدا لم يحمدك

خلق

خلق مثله ولا يعرف احد سواك فضله
حمدا يعان من اجتهد في تعديده ويؤيد
من اغرق نزعا في توفيته حمدا يجمع ما خلقت
من الحمد وينتظم ما انت خالقه من بعد
حمدا لا حمد اقرب الى قولك منه ولا احمد
ممن يحمدك به حمدا يوجب بكرمك المزيد
بوفوره وتصله بمزيد بعد مزيد طولا
منك حمدا يجب لكرم وجهك ويقابل
عز جلالك رب صل على محمد وال محمد
المنتجب المصطفى المكرم المقرب افضل صلواتك
وبارك عليه اتم بركاتك وترحم عليه

امتع رحماتك رب صل على محمد واله
صلوة زاكية لاتكون صلوة ازكى منها وصل عليه
صلوة نامية لاتكون صلوة انمى منها وصل عليه
صلوة راضية لاتكون صلوة فوقها رب صل على
محمد واله صلوة ترضيه وتزيد على رضاه وصل عليه
صلوة ترضيك وتزيد على رضاك له وصل عليه
صلوة لاترضى له الا بها ولاترى غيره لها اهلا
رب صل على محمد واله صلوة تجاوز رضوانك
ويتصل اتصالها ببقائك ولاتنفد كما لاتنفد
كلماتك رب صل على محمد واله صلوة
تنتظم صلوة ملائكتك وانبيائك ور
سلك واهل طاعتك وتشتمل على

صلوات

صلوات عبادك من جنك وانسك واهل
اجابتك وتجتمع على صلوة كل من ذرات وبرات
من اصناف خلقك رب صل على محمد واله
صلوة تحيط بكل صلوة سالفة ومستانفة
وصل عليه وعلى اله صلوة مرضية لك
ولمن دونك وتنشئ مع ذلك صلوة تضاعف
معها تلك الصلوات عندها وتزيدها
على كرور الايام زيادة فى تضاعيف لايحصيها
ولايعدها غيرك رب صل على اطائب
اهل بيته الذين اخترتهم لامرك وجعلتهم
خزنة علمك وحفظة دينك وخلفائك

في أرضك وحججك على عبادك وطهرتهم
من الرجس والدنس تطهيرا بإرادتك وجعلتهم
الوسيلة إليك والمسلك إلى جنتك رب
صل على محمد وآله صلاة تجزل لهم بها
من نحلك وكرامتك وتكمل لهم الاسنى
من عطاياك ونوافلك وتوفر عليهم الحظ
من عوائدك وفوائدك رب صل عليه
وعليهم صلاة لا أمد في أولها ولا غاية
لأمدها ولا نهاية لآخرها رب صل عليهم
زنة عرشك وما دونه وملء سماواتك
وما فوقهن وعدد أرضيك وما تحتهن
وما بينهن صلاة تقربهم منك زلفى

وتكون

وتكون لك ولهم رضى ومتصلة بنظائرهن
أبدا اللهم إنك أيدت دينك في كل
أوان بإمام أقمته علما لعبادك ومنارا في
بلادك بعد أن وصلت حبله بحبلك وجعلته
الذريعة إلى رضوانك وافترضت طاعته
وحذرت معصيته وأمرت بامتثال أمره
والانتهاء عند نهيه وأن لا يتقدمه متقدم ولا
يتأخر عنه متأخر فهو عصمة اللائذين
وكهف المؤمنين وعروة المتمسكين وبهاء
العالمين اللهم فأوزع لوليك شكر
ما أنعمت به عليه وأوزعنا مثله فيه
وآته من لدنك سلطانا نصيرا وافتح له فتحا

یسیرا واعنه برکنك الاعز واشدد
ازره وقو عضده وراعه بعینك واحمه
بحفظك وانصره بملائکتك وامدده بجندك
الاغلب واقم به کتابك وحدودك وشرائعك
وسنن رسولك صلواتك اللهم علیه واله
واحی به ما اماته الظالمون من معالم دینك
واجل به صداء الجور عن طریقتك وابن
به الضراء عن سبیلك وازل به الناکبین
عن صراطك وامحق به بغاة قصدك
عوجا والن جانبه لاولیائك وابسط
یده علی اعدائك وهب لنا رافته ورحمته

وتعطفه

وتعطفه وتحننه واجعلنا له سامعین
مطیعین وفی رضاه ساعین والی نصرته
والمدافعة عنه مکنفین والیك والی رسولك
صلواتك اللهم علیه واله بذلك متقربین
اللهم صل علی اولیائهم المعترفین بمقامهم
المتبعین منهجهم المقتفین اثارهم المستمسکین
بعروقهم المتمسکین بولایتهم المؤتمین بامامتهم
المسلمین لامرهم المجتهدین فی طاعتهم المنتظرین
ایامهم المادین الیهم اعینهم الصلوات
المبارکات الزاکیات النامیات الغادیات
الرائحات وسلم علیهم وعلی ارواحهم

واجمع على التقوى امرهم واصلح لهم
شؤونهم وتب عليهم انك انت التواب
الرحيم وخير الغافرين واجعلنا معهم في دار
السلام برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم هذا
يوم عرفة يوم شرفته وكرمته وعظمته نشرت
فيه رحمتك ومننت فيه بعفوك واجزلت
فيه عطيتك وتفضلت به على عبادك اللهم
وانا عبدك الذي انعمت عليه قبل خلقك
له وبعد خلقك اياه فجعلته ممن هديته
لدينك ووفقته لحقك وعصمته بحبلك
وادخلته في حزبك وارشدته لموالات
اوليائك ومعادات اعدائك ثم امرته

فلم يأتمر

فلم يأتمر وزجرته فلم ينزجر ونهيته عن معصيتك
فخالف امرك الى نهيك لا معاندة لك ولا استكبارا
عليك بل دعاه هواه الى ما زيلته والى ما حذرته
واعانه على ذلك عدوك وعدوه فاقدم عليه
عارفا بوعيدك راجيا لعفوك واثقا بتجاوزك
وكان احق عبادك مع ما مننت عليه الا يفعل
وها انا ذا بين يديك صاغرا ذليلا خاضعا
خاشعا خائفا معترفا بعظيم من الذنوب تحملته
وجليل من الخطايا اجترمته مستجيرا بصفحك
لائذا برحمتك موقنا انه لا يجيرني منك
مجير ولا يمنعني منك مانع فعد علي بما تعود
به على من اقترف من تغمدك وجد علي بما

تجود به على من ألقى بيده إليك من عفوك
وامنن علي بما لا يتعاظمك أن تمن به على من أملك
من غفرانك واجعل لي في هذا اليوم نصيباً أنال
به حظاً من رضوانك ولا تردني صفراً مما ينقلب
به المتعبدون لك من عبادك فإني وإن لم أقدم ما قدموه
من الصالحات فقد قدمت توحيدك ونفي
الأضداد والأنداد والأشباه عنك وأتيتك
من الأبواب التي أمرت أن تؤتى منها وتقربت
إليك بما لا يقرب أحد منك إلا بالتقرب به
ثم أتبعت ذلك بالإنابة إليك والتذلل
والاستكانة لك وحسن الظن بك والثقة
بما عندك وشفعته برجائك الذي قل ما يخيب

عليه

عليك راجيك وسألتك مسألة الحقير
الذليل البائس الفقير الخائف المستجير ومع ذلك
خيفة وتضرعاً وتعوذاً وتلوذاً لا مستطيلاً
بتكبر المتكبرين ولا متعالياً بدالة المطيعين
ولا مستطيلاً بشفاعة الشافعين وأنا بعد أقل
الأقلين وأذل الأذلين ومثل الذرة أو دونها
فيا من لم يعاجل المسيئين ولا ينده المترفين
ويا من يمن بإقالة العاثرين ويتفضل بإنظار
الخاطئين أنا المسيء المعترف الخاطئ العاثر
أنا الذي أقدم عليك مجترئاً أنا الذي عصاك
متعمداً أنا الذي استخفى من عبادك وبارزك
أنا الذي هاب عبادك وأمنك أنا الذي

لم يرهب سطواتك ولم يخف بأسك
أنا الجاني على نفسه أنا المرتهن ببليته
أنا القليل الحياء أنا الطويل العناء بحق
من انتجبت من خلقك وبمن اصطفيته لنفسك
وبحق من اخترت من بريتك ومن اجتبيت
لشأنك بحق من وصلت طاعته بطاعتك ومن جعلت
معصيته كمعصيتك بحق من قرنت موالاته
بموالاتك ومن نطت معاداته بمعاداتك
تغمدني في يومي هذا بما تتغمد به من جار إليك
متنصلا وعاذ باستغفارك تائبا وتولني
بما تتولى به أهل طاعتك والزلفى لديك
والمكانة منك وتوحدني بما تتوحد به

من وفى

من وفى بعهدك وأتعب نفسه في ذاتك
وأجهدها في مرضاتك ولا تؤاخذني بتفريطي
في جنبك وتعدي طوري في حدودك ومجاوزة
أحكامك ولا تستدرجني بإملائك لي استدراج
من منعني خير ما عنده ولم يشركك في حلول
نعمته بي ونبهني من رقدة الغافلين وسنة المسرفين
ونعسة المخذولين وخذ بقلبي إلى ما استعملت
به القانتين واستعبدت به المتعبدين
واستنقذت به المتهاونين وأعذني مما
يباعدني عنك ويحول بيني وبين حظي
منك ويصدني عما أحاول لديك وسهل
لي مسلك الخيرات إليك والمسابقة

اليهما من حيث امرت والمشاحة فيهما
على ما اردت ولا تمحقني فيمن تمحق من المستخفين
بما اوعدت ولا تهلكني مع من تهلك من المتعرضين
لمقتك ولا تتبرني فيمن تتبر من المنحرفين عن
سبلك ونجني من غمرات الفتنة وخلصني
من لهوات البلوى واجرني من اخذ الاملاء
وحل بيني وبين عدو يضلني وهوى يوبقني
ومنقصة ترهقني ولا تعرض عني اعراض
من لا ترضى عنه بعد غضبك ولا تؤيسني
من الامل فيك فيغلب علي القنوط من رحمتك
ولا تمنحني بما لا طاقة لي به فتبهظني مما
تحملنيه من فضل محبتك ولا ترسلني
من يدك ارسال من لا خير فيه ولا حاجة

بك

بك اليه ولا انابة له ولا ترم بي رمي من سقط
من عين رعايتك ومن اشتمل عليه الخزي من عندك
بل خذ بيدي من سقطة المتردين ووهلة
المتعسفين وزلة المغرورين وورطة الهالكين
وعافني مما ابتليت به طبقات عبيدك وامائك
وبلغني مبالغ من عنيت به وانعمت عليه ورضيت
عنه فاعشته حميدا وتوفيته سعيدا وطوقني
طوق الاقلاع عما يحبط الحسنات ويذهب
بالبركات واشعر قلبي الازدجار عن قبائح السيئات
وفواضح الحوبات ولا تشغلني بما لا ادركه الا
بك عما لا يرضيك عني غيره وانزع من قلبي

حب دنيا دنية تنهى عما عندك وتصد
عن ابتغاء الوسيلة اليك وتذهل عن التقرب
منك وزين لي التفرد بمناجاتك بالليل
والنهار وهب لي عصمة تدنيني من خشيتك
وتقطعني عن ركوب محارمك وتفكني من
اسر العظائم وهب لي التطهير من دنس
العصيان واذهب عني درن الخطايا وسربلني
بسربال عافيتك وردني رداء معافاتك
وجللني سوابغ نعمائك وظاهر لدي فضلك
وطولك وايدني بتوفيقك وتسديدك
واعني على صالح النية ومرضي القول
ومستحسن العمل ولا تكلني الى حولي وقوتي

دون حولك وقوتك ولا تخزني يوم تبعثني
للقائك ولا تفضحني بين يدي اوليائك ولا
تنسني ذكرك ولا تذهب عني شكرك بل الزمنيه
في احوال السهو عند غفلات الجاهلين
لآلائك واوزعني ان اثني عليك بما اوليتنيه
واعترف لك بما اسديته الي واجعل
رغبتي اليك فوق رغبة الراغبين وحمدي
اياك فوق حمد الحامدين ولا تخذلني عند
فاقتي اليك ولا تهلكني بما اسديته اليك
ولا تجبهني بما جبهت به المعاندين لك
فاني لك مسلم اعلم ان الحجة لك وانك
اولى بالفضل واعود بالاحسان واهل

وأهل التقوى وأهل المغفرة وأنك بأن
تعفو أولى منك بأن تعاقب وأنك بأن تستر
أقرب منك إلى أن تشهر فأحيني حيوة طيبة
تنتظم بما أريد وتبلغ ما أحب من حيث
لا آتي ما تكره ولا أرتكب ما نهيت عنه وأمتني
ميتة من يسعى نوره بين يديه وعن يمينه وذللني
بين يديك وأعزني عند خلقك وضعني
إذا خلوت بك وارفعني بين عبادك وأغنني
عمن هو غني عني وزدني إليك فاقة وفقرا
وأعذني من شماتة الأعداء ومن حلول
البلاء ومن الذل والعناء وتغمدني فيما
اطلعت عليه مني بما يتغمد به القادر على

البطش

البطش لولا حلمه والآخذ على الجريرة لولا
أناته فإذا أردت بقوم فتنة أو سوءا فنجني
منها لواذا بك وإذ لم تقمني مقام فضيحة في
دنياك فلا تقمني مثله في آخرتك واشفع
لي أوائل مننك بأواخرها وقديم فوائدك
بحوادثها ولا تمدد لي مدا يقسو معه قلبي ولا
تقرعني قارعة يذهب لها بهائي ولا تسمني
خسيسة يصغر لها قدري ولا نقيصة يجهل
من أجلها مكاني ولا ترعني روعة أبلس
بها ولا خيفة أوجس دونها بل اجعل هيبتي
في وعيدك وحذري من إعذارك وإنذارك
ورهبتي عند تلاوة آياتك واعمر ليلي بإيقاظي
فيه لعبادتك وتفردي بالتهجد لك وتجردي

دعاء صحيفه عرفه

بسكوني اليك وانزال حوائجي بك
ومنازلتي اياك في فكاك رقبتي من نارك
واجارتي مما فيه اهلها من عذابك ولا تذرني
في طغياني عامها ولا في غمرتي ساهيا حتى حين
ولا تجعلني عظة لمن اتعظ ولا نكالا لمن اعتبر
ولا فتنة لمن نظر ولا تمكر بي فيمن تمكر به
ولا تستبدل بي غيري ولا تغير لي اسما ولا
تبدل لي جسما ولا تتخذني هزوا لخلقك
ولا سخريا لك ولا تبعا الا لمرضاتك ولا ممتهنا
الا بالانتقام لك واوجدني برد عفوك وحلاوة
رحمتك وروحك وريحانك وجنة نعيمك
واذقني طعم الفراغ لما تحب بسعة من سعتك

والاجتهاد

دعاء عرفه

والاجتهاد فيما يزلف لديك وعندك واتحفني
بتحفة من تحفاتك واجعل تجارتي رابحة
وكرتي غير خاسرة واخفني مقامك وشوقني
لقائك وتب علي توبة نصوحا لا تبق معها
ذنوبا صغيرة ولا كبيرة ولا تذر معها علانية
ولا سريرة وانزع الغل من صدري للمؤمنين
واعطف بقلبي على الخاشعين وكن لي كما تكون
للصالحين وحلني حلية المتقين واجعل
لي لسان صدق في الغابرين وذكرا ناميا في الاخرين
ووافِ بي عرصة الاولين وتمم سبوغ
نعمتك علي وظاهر كراماتها لدي املأ
من فوائدك يدي وسق كرائم مواهبك

دعاء عرفه

إليّ وجاور بي الأطيبين من أوليائك في الجنان
التي زيّنتها لأصفيائك وجلّلني شرائف نحلك
في المقامات المعدّة لأحبائك واجعل لي عندك
مقيلاً آوي إليه مطمئناً ومثابة أتبوّؤها وأقرّ
عيناً ولا تقايسني بعظيمات الجرائر ولا تهلكني يوم
تبلى السرائر وأزل عنّي كلّ شكّ وشبهة واجعل
لي في الحقّ طريقاً من كلّ رحمة وأجزل لي قسم المواهب
من نوالك ووفّر عليّ حظوظ الإحسان من إفضالك
واجعل قلبي واثقاً بما عندك وهمّي مستفرغاً لما هو
لك واستعملني بما تستعمل به خالصتك وأشرب
قلبي عند ذهول العقول طاعتك واجمع لي
الغنى والعفاف والدعة والمعافاة والصحّة
والسعة والطمأنينة والعافية ولا تحبط

حسناتي

دعاء صحيفه كامله عرفه

حسناتي بما يشوبها من معصيتك ولا خلواتي
بما يعرض لي من نزغات فتنتك وصن وجهي
عن الطلب إلى أحد من العالمين وذبّني عن
التماس ما عند الفاسقين ولا تجعلني للظالمين
ظهيراً ولا لهم على محو كتابك يداً ونصيراً
وحطني من حيث لا أعلم حياطة تقيني بها
وافتح لي أبواب توبتك ورحمتك ورأفتك
ورزقك الواسع إنّي إليك من الراغبين
وأتمم لي إنعامك إنّك خير المنعمين واجعل
باقي عمري في الحجّ والعمرة ابتغاء وجهك
يا ربّ العالمين وصلّى الله على محمّد
وآله الطيّبين الطاهرين والسلام عليه

وعليهم ابد الابدين   ايضا دعاء عرفه
حضرت سيد الشهداء عليه الصلوة والسلام است
كه بايد انرا در حال وقوف بعرفات بخوانى وبا تذلل
وخشوع بعبرات زيرا كه حضرت هم بهمين نحو خوانده بود

دعاء عرفه سيد الشهداء

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا
لعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع
وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع
واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع
ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع
ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل

المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو
للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات رافع
وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ودافع ضرعة
كل ضارع فلا اله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله
شيء وهو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل
شيء قدير اللهم اني ارغب اليك واشهد بالربوبية
لك مقرا بانك ربي وان اليك مردي ابتدأتني
بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني
من التراب ثم اسكنتني الاصلاب آمنا لريب
المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا
من صلب الى رحم في تقادم الايام الماضية
والقرون الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك

لي واحسانك اليّ في دولة ايام الكفرة الذين
نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني
رأفة منك وتحنناً عليّ للذي سبق لي من الهدى
الذي يسرتني وفيه انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت
بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت
خلقي من منيّ يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلاث
بين لحم وجلد ودم لم تشهرني بخلقي ولم تجعل
اليّ من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاماً سوياً
وحفظتني في المهد طفلاً صبياً ورزقتني من الغذاء
لبناً مرياً وبسطت على قلوب الحواضن
وكفلتني الامهات الرواحم وكلأتني من طوارق
الجانّ وسلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت

يا رحيم

يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقاً
بالكلام اتممت عليّ سوابغ الانعام فربيتني
زائداً في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت
سريرتي اوجبت عليّ حجتك بان الهمتني
معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني
لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك
ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك
وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل
مرضاتك ومننت عليّ في جميع ذلك بعونك
ولطفك ثم اذ خلقتني من خير الثرى لم ترض
لي يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع
المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم عليّ جميع

النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك
جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني
اليك ووفقتني لما يزلفني لديك فان دعوتك
اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك
شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا
لانعمك علي واحسانك الي فسبحانك سبحانك
من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست
اسمائك وعظمت آلاؤك فاي انعمك
يا الهي احصي عددا او ذكرا ام اي عطاياك
اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها
العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم
ما صرفت ودرأت عني اللهم من الضر

والضراء

والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء
وانا اشهدك يا الهي بحقيقة ايماني وعقد
عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون
ضميري وعلائق مجاري نور بصري واسارير صفحة
جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن عرنيني
ومسارب صماخ سمعي وما ضمت واطبقت عليه شفتاي
وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت
اضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مطعمي
ومشربي وحمالة ام راسي وجمل حمائل حبل
وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط
حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف
اضلاعي وحقاق مفاصلي واطراف انا ملي

وقبض عوامل ولحمي ودمي وشعري وبشري
وعصبي وقصبي وعظامي ومخي وعروقي وجميع
جوارحي وما انتسج على ذلك ايام رضاعي وما
اقلت الارض مني ونومي ويقظتي وسكوني وحركتي
وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت
مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي
شكر واحدة من انعمك ما استطعت ذلك الا بمنك
الموجب علي شكرا انفا جديدا وثناء طارفا
عتيدا اجل ولو حرصت انا والعادون من انامك
ان نحصي مدى انعامك سالفة وانفة لما
حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات
انى ذلك وانت المخبر عن نفسك في كتابك

الناطق

الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله
لا تحصوها صدق كتابك اللهم وانباؤك
وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم
من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني
يا الهي اشهد بجدي وجهدي ومبالغ طاقتي
ووسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله
الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن
له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا
ولي من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه
سبحانه لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا
وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد
الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له

كفواً احد الحمد لله حمداً يعدل حمد
ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى
الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطيبين
الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود آن حضرت
در سؤال کردن از خداوند عالم واهتمام نمود در دعا
در حالیکه آب از دیده های مبارکش جاری بود پس
گفت اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك
واسعدني بتقويك ولا تشقني بمعصيتك
وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك
حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير
ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي
واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور

في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي
واجعل سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني
على من ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري واقر
بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر
عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني
وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا
في الآخرة والاولى اللهم لك الحمد كما
خلقتني فجعلتني سميعاً بصيراً ولك الحمد
كما خلقتني فجعلتني حياً سوياً رحمة بي وكنت
عن خلقي غنياً رب بما برأتني فعدلت
فطرتي رب بما انشأتني فأحسنت صورتي

رب بما احسنت لي وفي نفسي عافيتني رب بما
كلأتني ووفقتني رب بما انعمت علي فهديتني رب
بما اويتني ومن كل خير آتيتني واعطيتني رب بما اطعمتني
وسقيتني رب بما اغنيتني واعززتني رب بما
واقنيتني رب بما اعنتني
البستني من ذكرك الصافي ويسرت لي من صنعك الكافي
صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر
وصروف الايام والليالي ونجني من اهوال الدنيا
وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض
اللهم ما اخاف فاكفني وما احذر فقني وفي نفسي
وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي
ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي
وفي نفسي فذللني وفي اعين الناس فعظمني ومن
شر

شر الجن والانس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني
وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك
فلا تسلبني والى غيرك فلا تكلني الى من تكلني
الى القريب يقطعني ام الى البعيد يتجهمني
ام الى المستضعفين لي وانت ربي ومليك
امري اشكو اليك غربتي وبعد داري وهواني
على من ملكته امري اللهم فلا تحلل بي
غضبك فان لم تكن غضبت علي فلا ابالي
سواك غير ان عافيتك اوسع لي فاسئلك
بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات
وانكشفت به الظلمات وصلح عليه امر الاولين
والآخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل

بي سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك
لا اله الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام
والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته
للناس امنة يا من عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه
يا من اسبغ النعمة بفضله يا من اعطى الجزيل بكرمه
يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي
يا مونسي في حفرتي يا وليي في نعمتي يا الهي واله آبائي
ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب
جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب محمد خاتم
النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل
والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس
والقرآن الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب

في سعتها

في سعتها وتضيق علي الارض برحبها ولولا رحمتك
لكنت من الهالكين وانت مقيل عثرتي ولولا سترك
اياي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر على
الاعداء ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين
يا من خص نفسه بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه
يعتزون يا من جعلت له الملوك نير المذلة على
اعناقهم فهم من سطواته خائفون تعلم خائنة
الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما تاتي به
الازمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو
يا من لا يعلم ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض على
الماء وسد الهواء بالسماء يا من له اكرم الاسماء
يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض الركب
ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله

بعد العبودية ملكاً يا رادّ يوسف على يعقوب
بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم
يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا ممسك يدِ
ابراهيم من الذبح عن ابنه بعد ان كبر سنّه وفنى
عمره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى
ولم يدعه فرداً وحيداً يا من اخرج يونس
من بطن الحوت يا من فلق البحر لبني اسرائيل فانجيهم
وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من
ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من
لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ
السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا
في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد

حادّوه ونادّوه وكذّبوا رسله يا الله
يا بديء لا بدء لك يا دائماً لا نفاد لك يا حيّ
يا قيّوم يا محيي الموتى يا من هو قائم على كلّ
نفسٍ بما كسبت يا من قلّ له شكري فلم يحرمني
وعظمت خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي
فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني
في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من
نعمه عندي لا تجازى يا من عارضني بالخير
والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان يا من
هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان
يا من دعوته مريضاً فشفاني وعرياناً فكساني وجائعاً
فاطعمني وعطشاناً فارواني وذليلاً فاعزّني

وجاهلاً فعرفتنی ووحیداً فکثرتنی وغائباً
فرددتنی ومقلاً فاغنیتنی ومنتصراً فنصرتنی
وغنیاً فلم تسلبنی وامسکت عن جمیع ذلک
فابتدأتنی فلک الحمد یا من اقال عثرتی ونفس
کربتی واجاب دعوتی وستر عورتی وغفر
ذنوبی وبلغنی طلبتی ونصرنی علی عدوی
وان اعد نعمک ومننک وکرائم منحک
لا احصیها یا مولای انت الذی انعمت
انت الذی احسنت انت الذی اجملت
انت الذی افضلت انت الذی مننت
انت الذی اکملت انت الذی وفقت
انت الذی رزقت انت الذی اعطیت
انت

انت الذی اغنیت انت الذی اقنیت
انت الذی اویت انت الذی کفیت
انت الذی هدیت انت الذی عصمت
انت الذی سترت انت الذی غفرت
انت الذی اقلت انت الذی مکنت
انت الذی اعززت انت الذی اعنت
انت الذی عضدت انت الذی ایدت
انت الذی نصرت انت الذی شفیت
انت الذی عافیت اکرمت تبارکت ربی انت الذی
وتعالیت فلک الحمد دائماً ولک الشکر واصباً
ثم انا یا الهی المعترف بذنوبی فاغفرها لی
انا الذی اسات انا الذی اخطات انا الذی

اغفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت
انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي
تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت
انا الذي نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف
بنعمتك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي
يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم
والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته
فلك الحمد يا الهي امرتني فعصيتك ونهيتني
فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا برائة فاعتذر
ولا ذا قوة فانتصر فباي شيء استقبلك يا مولاي
ابسمعي ام ببصري ام بلساني ام بيدي ام برجلي
اليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك

يا مولاي

يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني
من الاباء والامهات ان يزجروني ومن العشائر
والاخوان ان يعيروني ومن السلاطين ان يعاقبوني
ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني اذا
ما انظروني ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا بين يديك
يا سيدي خاضعا ذليلا حصيرا حقيرا لا ذو برائة
فاعتذر ولا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها
ولا قائل لم اجترح ولم اعمل سوءا وما عسى الجحود
لو جحدت يا مولاي ينفعني كيف واني ذلك
وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت
يقينا غير ذي شك انك سائلي عن عظائم
الامور وانك الحكيم العدل الذي لا يجور

وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فان تعذبني
فبذنوبي يا الهي بعد حجتك علي وان تعف
عني فبحلمك وجودك وكرمك لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من المستغفرين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الوجلين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من السائلين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الراجين الراغبين لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من المهللين المسبحين لا
اله الا انت ربي ورب آبائي الاولين

اللهم

اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا واخلاصي
لذكرك موحدا واقراري بآلائك معددا وان
كنت مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها
وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم تزل تتعهدني
به معها منذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء
بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع
وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة
في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك علي جميع
العالمين من الاولين والآخرين لما قدرت ولا هم
على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم
كريم رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا
تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد واتمم

عَلَيْنا نِعَمَكَ وَاَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ سُبْحانَكَ
لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُجيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ
اِذا دَعاكَ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغيثُ الْمَكْرُوبَ
وَتَشْفِي السَّقيمَ وَتُغْنِي الْفَقيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسيرَ
وَتَرْحَمُ الصَّغيرَ وَتُعينُ الْكَبيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ
ظَهيرٌ وَلا فَوْقَكَ قَديرٌ وَاَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبيرُ
يا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْاَسيرِ يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ
يا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ
وَلا وَزيرَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِني
في هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ اَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ وَاَنَلْتَ
اَحَداً مِنْ عِبادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوليها وَآلاءٍ تُجَدِّدُها

وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُها وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُها وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُها
وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها وَسَيِّئَةٍ تَغْفِرُها اِنَّكَ لَطيفٌ
خَبيرٌ وَعَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَقْرَبُ
مَنْ دُعِيَ وَاَسْرَعُ مَنْ اَجابَ وَاَكْرَمُ مَنْ عَفىٰ وَاَوْسَعُ
مَنْ اَعْطىٰ وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ
وَرَحيمَهُما لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ وَلا سِواكَ مَأْمُولٌ
دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَني وَسَاَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَني وَرَغِبْتُ
اِلَيْكَ فَكَفَيْتَني اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلٰى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ
اَجْمَعينَ وَتَمِّمْ لَنا نَعْماءَكَ وَهَنِّئْنا عَطاءَكَ
وَاجْعَلْنا لَكَ شاكِرينَ وَلِآلائِكَ ذاكِرينَ آمينَ
آمينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ يا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ

نرحمتني ووثقت
بك فنجيتني
وفزعت اليك
ع

وقد نغفر وعصي فستر واستغفر فغفر
يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى أمل الراجين
يا من أحاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين
رأفة ورحمة وحلما اللهم إنا نتوجه إليك
في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك
ورسولك وخيرتك من خلقك وأمينك على
وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج
المنير الذي أنعمت به على المسلمين وجعلته رحمة
للعالمين اللهم فصل على محمد وآل محمد كما محمد
أهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل محمد
المنتجبين الطيبين الطاهرين أجمعين وتغمدنا
بعفوك عنا فإليك عجت الأصوات بصنوف

اللغات

اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل
خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها
وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه
يا أرحم الراحمين اللهم أقلبنا في هذا الوقت
منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من
القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا
ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا
من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين
ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين يا أجود
الأجودين وأكرم الأكرمين إليك أقبلنا موقنين
ولبيتك الحرام آمين قاصدين فأعنا على
منسكنا وأكمل لنا حجنا واعف اللهم

عنّا وعافنا فقد مددنا إليك أيدينا وهي
بذلّة الاعتراف موسومة اللّهمّ فأعطنا في
هذه العشيّة ما سألناك واكفنا ما استكفيناك
فلا كافي لنا سواك ولا ربّ لنا غيرك نافذ فينا
حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض
لنا الخير واجعلنا من أهل الخير اللّهمّ أوجب
لنا بجودك عظيم الأجر وكريم الذخر ودوام
اليسر واغفر لنا ذنوبنا أجمعين ولا تهلكنا
مع الهالكين ولا تصرف عنّا رأفتك برحمتك
يا أرحم الراحمين اللّهمّ اجعلنا في هذا
الوقت ممّن سألك فأعطيته وشكرك فزدته
وتاب إليك فقبلته وتنصّل إليك من ذنوبه

كلّها

كلّها فغفرتها له يا ذا الجلال والإكرام اللّهمّ
ووفّقنا وسدّدنا واعصمنا واقبل تضرّعنا
يا خير من سئل ويا أرحم من استرحم يا من لا يخفى
عليه إغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقرّ
في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب
ألا كلّ ذلك قد أحصاه علمك ووسعه حلمك
سبحانك وتعاليت عمّا يقول الظالمون علوّاً كبيراً
تسبّح لك السموات السبع والأرضون ومن فيهنّ وإن
من شيء إلّا يسبّح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلوّ
الجدّ يا ذا الجلال والإكرام والفضل والإنعام
والأيادي الجسام وأنت الجواد الكريم الرؤوف
الرحيم اللّهمّ أوسع عليّ من رزقك الحلال

وعافنی فی بدنی و دینی وامن خوفی واعتق رقبتی
من النار اللهم لاتمکر بی ولاتستدرجنی
ولاتخذلنی وادرأ عنی شر فسقة الجن والانس
پس سر و دیده خود را بسوی اسمان بلند کرده و از دیدهای
مبارکش اب میریخت مانند دو مشک و بصدای بلند میگفت
یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع
الحاسبین ویا ارحم الراحمین صل علی محمد وال
محمد السادة المیامین واسئلک اللهم
حاجتی التی ان اعطیتنیها لم یضرنی
ما منعتنی وان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیتنی
اسئلک فکاک رقبتی من النار لا اله الا
انت وحدک لاشریک لک لک الملک

ولک

ولک الحمد وانت علی کل شیء قدیر یا رب
یا رب یا رب پس مکرر صیغه یا رب و صدا را بگریه
بلند شد و یاد کردند و روانه مشعر شدند و از جمله اعمال مکه
زیارت چند موضعات اول مولد حضرت رسول ص
در سوق اللیل از زیارت کند و رود ابقصد تیمن
و تبرک باز موضع بمالد و ببوسد بلکه اگر زیارت آن سرور را
در آنجا بخواند و دو رکعت نماز کند مناسب است دویم
منزل خدیجه کبری در سمت مولد پیغمبر که آنحضرت
با خدیجه مدتها در آنجا بوده و حضرت فاطمه زهرا ع
در آنجا متولد شده و همانجا حضرت خدیجه فوت شده
والحال اغنی مسجدیست و در آنجا محرابیست موضع عبادت
حضرت رسول ص از اهم زیارت باید کرد و دعا
و مناجات با قاضی الحاجات و دو رکعت نماز مناسبت سوره

زيارت عبد المطلب و عبد مناف

زيارت حضرت عبد مناف و عبد المطلب جد رسول خدا و حضرت خديجه زوجه رسول خدا كه قبر ايشان در مكه بجنت المعلى واقع است فاتحه و زيارت خواندن بر سر قبر ايشان و دو ركعت نماز هديه بعد زيارت بجا آوردن و دعا كردن مناسب است

> والی طالب عم رسول خدا و آمنه والده رسول خدا

زيارت عبد مناف

السلام عليك ايها السيد النبيل السلام عليك يا من اكرمه الله بالتبجيل السلام عليك ايها الغصن المثمر من شجرة ابراهيم الخليل السلام عليك يا خير سلالة وسليل السلام عليك يا ابن اعراق الثرى السلام عليك يا جد خير الورى السلام عليك يا ابن الانبياء الاصفياء السلام عليك

يا ابن

زيارت عبد مناف

يا ابن الاولياء الاوصياء السلام عليك يا سيد الحرم السلام يا صاحب صفا وزمزم السلام عليك يا وارث مقام ابراهيم السلام عليك يا حاجب بيت الله العظيم السلام عليك يا علم الاشراف و يا عاليا بكمال الاوصاف السلام عليك يا سيد قريش المعروف بعبد مناف السلام عليك و على آبائك القادسين اللاحقين امناء الله في العالمين و رحمة الله و بركاته

زيارت عبد المطلب

السلام عليك يا سيد الكعبة و البطحاء السلام عليك يا صاحب المهابة و البهاء السلام عليك يا معدن الكرم و اصل السخاء

السلام عليك يا اول من قال بالبداء السلام
عليك يا من يحشر يوم القيمة في سيما الانبياء
السلام عليك يا معروفا في الارض والسماء السلام
عليك يا من ناداه هاتف الغيب باكرم نداء السلام
عليك يا بن ابرهيم الخليل السلام عليك
يا وارث الذبيح اسمعيل السلام عليك يا من
اهلك الله بدعائه اصحاب الفيل وجعل كيدهم
في تضليل وارسل عليهم طيرا ابابيل السلام
عليك يا من تضرع في حاجاته الى الله وتوسل
في دعائه بنور رسول الله السلام عليك
يا من اجابه الله وسمع نداءه في كل باب

ونادى

ونودي في الكعبة وبشر بدعاء مستجاب
السلام عليك يا من اكرمه الله الجليل وسجد
لاكرامه محمود الفيل السلام عليك يا ري
كل غليل وشفاء كل عليل وعز كل ذليل
وهدى من ليس له دليل السلام عليك
يا ساقي العيش وغيث الورى السلام عليك
يا ابا السادة العشرة وابن اعراق الثرى
السلام عليك يا بن الذبيح وابا الذبيح
السلام عليك يا ذا الشرف الصريح والفخر الصحيح
السلام عليك يا نور الكعبة والحرم وساقي
الحجيج وحافر زمزم السلام عليك

زيارت ابيطالب

يا من جعل الله من نسله سيد المرسلين وخير
اهل السموات والارضين السلام عليك يا من طاف
حول الكعبة وجعله سبعة اشواط السلام
عليك يا من اخرج الله من صلبه النجباء والاسباط
السلام عليك يا من رأى في المنام سلسلة النور
وشرب في اليقظة الماء الطهور وعلم انه من جنة
ذات السرور السلام عليك يا ابن مكة وصفوة زمزم
وصفا السلام عليك يا شيبة الحمد وامير البطحاء
السلام عليك يا نور الحرم وابن هاشم السلام
عليك يا ابن المشهور بالعظائم السلام عليك وعلى
آبائك واجدادك وعلى ابنائك واولادك جميعا
ورحمة الله وبركاته **زيارت ابيطالب**
السلام عليك يا سيد البطحاء وابن رئيسها

يا صاحب معجزات الامور الكل عليك

السلام

مسئله از شروط حج تمتع بجا آوردن آنست در اشهر حج وآنها شوال
وذو القعده وذو الحجه پس جایز نیست تقدیم عمره از برای این شهور وهمچنین
جایز نیست تقدیم بعض عمره از برای این شهور پس هرگاه زمان عبور بر میقات
سابق بر شوال باشد جایز نیست محرم شود بقصد احرام تمتع اگرچه بقیه
اعمال از بعد شوال واقع شود بلکه اگر عمره بجا بیاورد عمره مفرده میبایست باشد
نه عمره تمتع **مسئله** شرط جواز دخول مکه آنست بحج یا بعمره که مانع از احرام
ندارد اینست که محرم داخل شود مگر اشخاص خاص که استثنا شده اند وظاهر
اینست که این احرام احرامی است که جزء حج یا عمره باشد نه اینکه خود نفسه
مطلوب ومشروع است پس هرگاه دخول داخلی در مکه در غیر اشهر حج قبل از آنکه
در ماه رمضان یا قبل از میقات داخل مکه شود معیناً بقصد عمره مفرده
میبایست محرم شود وعمره را اتمام نماید ومحلل از آن محل شود **مسئله** کسیکه
در اشهر حج محرم شد بجهت عمره تمتع وداخل مکه شد واتمام عمره نمود ومحل شد جایز
نیست از برای او با اختیار از مکه خارج شود بلکه واجب است بنابر احوط بلکه اقوی
آنکه بماند در مکه تا موسم حج که از آنجا بیاورد زیرا که در حج تمتع اگرچه ما بین
عمره وحج محل میشود ومتمتع بمحرمات احرام میشود ولیکن مع ذلک این دو عمل
بهم مرتبط میباشند وهر یک بمنزله جزء از یک عمل میباشند واثر این ارتباط
عدم جواز خروج از مکه است پیش از اتیان بحج **مسئله** هرگاه در شهر رمضان
مثلا داخل مکه شد ومحرم شد بجهت عمره مفرده واز آنجا و در جون
اشهر حج بر او داخل شدند هرگاه از اهل آفاق است که تکلیف او حج
تمتع است وتغییری در تکلیف او نشده واجب است او را عمره تمتع بجا آورد
ودر تعیین میقاتی که واجب است بر او احرام از آن بین علماء اعلام خلاف است

زيارت ابيطالب

السلام عليك يا وارث الكعبة بعد تأسيسها
السلام عليك يا كافل رسول الله السلام عليك
يا حافظ دين الله السلام عليك يا عم المصطفى
السلام عليك يا ابا المرتضى السلام عليك يا والد
الائمة الهدى كفاك بما اولاك الله شرفا ونبأ
وحسبك بما اعطاك الله عزا وحسبا السلام
عليك يا شرف الوجود السلام عليك يا ولي المعبود
السلام عليك يا حارس النبي الموجود السلام
عليك يا من رزق ولدا هو خير مولود السلام
عليك يا من خصص بالولد الزكي الطاهر المطهر
العلي علي الذي اشتق اسمه من العلي هنيئا
لك ثم هنيئا لك من ولد هو المرتضى من رسول

جمعی قائل شده اند میقات اهل او معین است مثلا اهل عراق معینا بوادی عقیق میبایست بروند و از انجا محرم بشوند و این خالی از وجه نیست بلکه احوط است سیما میقاتی که در دخول بان عمره نموده و لیکن احوط اینست که در این صورت در حد حرم باخصوص ادنی الحل هر گاه در راه باشد تجدید نیت احرام بکند مسئله مدت فصل ما بین دو عمره را بعضی یکماه تحدید کرده اند و رعایت این بد حق که ما بین دو عمره تمتع عمره مفرده بجا اورده احوط است اگر چه عدم لزوم ان و کفایت ده روز بلکه ما دون ان اقوی است مسئله هر گاه متمتع بعد از عمره تمتع مضطر بخروج شد از مکه شد بعضی فرموده اند که بعد از دخول در احرام حج است محرما خارج میشود و محرما عود مینماید و محتاج باعاده عمره نیست و اگر محلا خارج شود همینکه یکماه بر او از عمره که سابق بجا اورده گذشته عمره دیگر بجا میاورد و عمره ثانیه عمره تمتع محسوب میشود و احوط عدم خروج است محلا و احتیاطی که فرموده بجا اوردن باید بعضی که احوط عدم خروج است بغیر احرام نه اینکه بعد از احرام خروج جایز نیست اگر چه ضرورت نداشته باشد بلکه احوط در این حال نیز عدم خروج مگر انکه مضطر بان بشود مسئله هر گاه زمانی که در میقات یا محاذی ان بود قصد دخول مکه و عمره نداشت بلکه مقصود او رفتن بسمتی دیگر مدینه یا غیر ان بود لیکن از عبور بر میقات مانعی از مقصود رو داد یا ابتدا از برای حاصل [illegible] دخول مکه و بجا اوردن عمره تمتع شد لازم است عود بمیقات نماید و با عدم تمکن ان از حل حرم محرم میشود و در تعیین میقاتی که باز رجوع مینماید احتمال تعیین میقات اهل او و جاری است چنانچه در عازم بر تمتع از مکه مذکور شد و لیکن کفایت [illegible] مواقیت در این صورت خالی از وجه نیست مسئله هر گاه در میقات یا محاذی ان محرم شد بقصد دخول مکه و بجا اوردن عمره خارج شدن از احرام بدون اتمام عمره باختیار بجز انکه دشمنی یا مرضی مانع او از اتمام ان بشود ممکن نیست و اگر بخواهد محرما بطرفی دیگر بجهت مقصدی برود مثل انکه از حرم بعد از احرام در میقات بخواهد بمدینه یا جای دیگر برود و بعد از معاودت اتمام عمره نماید وجهی از برای منع از ان بنظر نرسیده و قابلی

وأخ الرسول وزوج البتول وسيف الله
المسلول هنيئاً لك ثم هنيئاً لك من ولد هو
من محمد المصطفى بمنزلة هارون من موسى
هنيئاً لك من ولد هو شريك النبوة والمخصوص
بالأخوة وكاشف الغمة وإمام الأمة وأبو
الأئمة هنيئاً لك من ولد هو قسيم الجنة والنار
ونعمة الله على الأبرار ونقمة الله على الفجار
السلام عليك وعليه وعليهم ورحمة الله وبركاته

زيارت آمنه

السلام عليك أيتها
الطاهرة المطهرة السلام عليك أيتها الزكية
المفتخرة السلام عليك يا من شرفها الله بأعلى
الشرف السلام عليك يا خيرة خلف بعد

أكرم

أكرم سلف السلام عليك يا من سطع من
جبينها نور سيد الأنبياء فأضاءت بضوئه
الأرض والسماء السلام عليك يا من نزل
لها الملائكة الأصفياء وضرب لها حجب الجنة
كما ضرب لمريم سيدة النساء السلام عليك
يا من نزلت لخدمتها الحور وآشربها من
اشربت الجنة في كأس من البلور وبشرتها
بولادة محمد خير من مضى وخير من يأتي في الدهور
السلام عليك يا أم رسول الله السلام
عليك يا والدة حبيب الله السلام عليك يا أشرف
الطاهرات السلام عليك يا سيدة المفتخرات
أين وأي مثلك في الوالدات وقد حملت

بسيد الكائنات وجئت باشرف الموجودات
السلام عليك يا ابنة الانوار السلام عليك يا ابنة
الاخيار وعلى الخلف الاطهار صلى الله عليك
وعلى الخلف الهادي من بعدك ورحمة الله وبركاته

زيارت خديجه السلام عليك يا زوجة
رسول الله سيد المرسلين السلام عليك
يا زوجة نبي الله خاتم النبيين السلام عليك
يا ام فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين
السلام عليك يا ام الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة اجمعين السلام عليك
يا ام الائمة الطاهرين السلام عليك يا ام
المؤمنين السلام عليك يا اول المؤمنات

السلام

السلام عليك يا خالصة المخلصات السلام عليك
يا سيدة الحرم ومليكة البطحاء السلام عليك
يا اول من صدقت برسول الله من النساء السلام
عليك يا من وفت بالعبودية حق الوفاء واسلمت
نفسها وانفقت مالها لسيد الانبياء السلام
عليك يا قرينة حبيب اله السماء المزوجة بخلاصة
الاصفياء يا ابنة ابراهيم الخليل السلام عليك
يا من سلم عليها جبرئيل وبلغ اليها السلام
من الله الجليل السلام عليك يا حافظة دين الله
السلام عليك يا ناصرة رسول الله السلام
عليك يا من تولى دفنها رسول الله واستودعها
الى رحمة الله اشهد انك حبيبة الله وخيرة

اُحَيِّي وَاَنَّ اللهَ جَعَلَكَ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ فِي قُصُورٍ
مِنَ الْيَاقُوتِ وَالْعِقْيَانِ فِي اَعْلَى مَنَازِلِ الْجِنَانِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس دعا کن
برای مغفرت خود و جمله مؤمنین و مؤمنات از خویشان و غیران
انشاء الله مستجاب است و از آنجمله زیارت غاریست که در
جبل حرا واقعست و آن موضعیست که حضرت رسول ص
در ابتداء وحی در آنجا عبادت مینمود پس انجام دو رکعت نماز
بجا آوردن خوبست ایضا از زیارت غاریست که در مکه
در جبل ثور واقعست و آن غاریست که حضرت رسول ص
از خوف مشرکین در آن پنهان شد چنانکه ذکر آن در قرآن است
انجام دو رکعت نماز بجا آوردن خوبست ایضا از زیارات
مسجد ارقم است و آن خانه ایست که مسجد در او واقع است
مشهور بدار خیزران و در آنجا پنهان شد رسول خدا ص در اول

اسلام و نماز کردن پس آنجا ثواب دارد ایضا از زیارات
کوه ابو قبیس است که شق القمر در آنجا شد انجام نماز بجا
آوردن خوبست ایضا از زیارات مکان سکونت ابیطالب ع در مکه
و مکان سکونت حضرت فاطمه زهرا و زیارت مقبره کهنه
که در حبیب بن مظاهر در آن دفن است با اختلاف روایت همه را
زیارت و دعا بکنند مناسبت روایت شده است که فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسیکه بیاید بمکه بحج
و زیارت نکند مرا در مدینه پس بمن جفا کرده است و کسی که
جفا بکند بمن پس منهم جفا میکنم باو در روز قیامت و کسی که
زیارت کند مرا بعد از موت من چنان است که زیارت
کرده باشد مرا در حیوة من و کسیکه زیارت کند مرا در حیات
من همسایه من شود در روز قیامت راوی سؤال
نمود از حضرت صادق علیه السلام که چه ثواب دارد کسیکه
زیارت کند حضرت رسول را فرمود چنان است که زیارت

کرده باشد خدا را در عرش او مجلسی علیه الرحمه
در زاد بحار از شیخ مفید روایت کرده که چون
خواهی متوجه زیارت رسول خدا شوی غسل کن
و چون بدر روضه رسیدی بایست و بگو در اذن
دخول حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی قد وقفت علی باب بیت من
بیوت نبیک و آل نبیک علیه و علیهم السلام
و قد منعت الناس الدخول الی بیوته الا
باذن نبیک فقلت یا ایها الذین آمنوا
لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم
اللهم و انی اعتقد حرمة نبیک فی غیبته
حرمة نبیک فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته

واعلم

واعلم ان رسلک و خلفائک احیاء عند
یرزقون یرون مکانی فی وقتی هذا و زمانی و یسمعون
کلامی فی وقتی هذا و یردون علی سلامی و انک
حجبت عن سمعی کلامهم و فتحت باب فهمی بلذیذ
مناجاتهم فانی استاذنک یا رب اولا و استاذن
رسولک صلواتک علیه و آله ثانیا و استاذن
خلیفتک المفروض علی طاعته فی الدخول فی ساعتی
هذه الی بیته و استاذن ملائکتک الموکلین بهذه
البقعة المبارکة المطیعة لله السامعة السلام
علیکم ایتها الملائکة الموکلون بهذه المشاهد
المبارکة و رحمة الله و برکاته باذن الله و اذن
رسوله و اذن خلفائه و اذنکم صلوات الله
علیکم اجمعین ادخل هذا البیت متقربا

اذن دخول حضرت رسول ص

الى الله برسوله محمد وآله الطاهرين فكونوا ملائكة
الله اعوانی وكونوا انصاری حتى ادخل هذا
البيت وادعو الله بفنون الدعوات واعترف
لله بالعبودية وللرسول ولابنائه صلوات الله
عليهم بالطاعة پس بسم الله بگوید وداخل شود
وعلما گفته اند که بگوید بسم الله وبالله وفی
سبيل الله وعلى ملة رسول الله ص رب ادخلنی
مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل
لی من لدنك سلطانا نصيرا ودر اكثر كتب مذكور است
که بعد از داخل شدن صد مرتبه الله اكبر بگوید پس باید
بجانب بالای سر حضرت شود وپیش ستونی که برابر سر مبارک
حضرت است رو بقبله کند ودوش چپ بجانب قبر ودوش
راست بجانب منبر قرار گیرد بایستد وبگوید

اشهد

زيارت حضرت رسول صلى الله عليه وآله

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد
انك رسول الله واشهد انك محمد بن عبد الله
واشهد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت
لامتك وجاهدت فی سبيل الله وعبدت الله حتى اتيك
اليقين بالحكمة والموعظة الحسنة واديت الذی عليك
من الحق وانك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على
الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين
الحمد لله الذی استنقذنا بك من الشرك والضلالة
اللهم اجعل صلواتك وصلوات ملائكتك
المقربين وعبادك الصالحين وانبيائك المرسلين
واهل السموات والارضين ومن سبح لك
يا رب العالمين من الاولين والاخرين

على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك
ونجيبك وحبيبك وصفيك وخاصتك
وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم واعطه
الدرجة والوسيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون اللهم انك قلت
ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما واني
اتيت نبيك مستغفرا تائبا من ذنوبي واني اتوجه
اليك بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه
واله يا محمد اني اتوجه الى الله ربي وربك
ليغفر لي ذنوبي وايضا زيارت ديگر
السلام عليك ايها النبي ورحمة الله
وبركا

وبركاته السلام عليك يا ابا القاسم السلام
عليك يا سيد الاولين والاخرين السلام
عليك يا زين القيمة السلام عليك يا شفيع القيمة
واشهد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
انك عبده ورسوله بلغت الرسالة واديت
الامانة ونصحت امتك وجاهدت في سبيل ربك
حتى اتيك اليقين صلى الله عليك وعلى اهل
بيتك طبت حيا وطبت ميتا صلى الله عليك
وعلى اخيك ووصيك وابن عمك امير المومنين
وعلى ابنتك سيدة نساء العالمين وعلى ولديك
الحسن والحسين افضل السلام واطيب التحية
واطهر الصلوة وعلينا منكم السلام ورحمة الله وبركا
ته

زیارت حضرت رسول ص

وایضا مجلسی روایت کرده است این زیارت را
از امیر کبیر که چون خواهی زیارت کنی حضرت رسول ص را
بایست نزد ستون که محاذات سر آنحضرت است و بگو
السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا نبی الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة السلام علیک یا امین الله
الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک
یا احمد السلام علیک یا محمد السلام علیک
یا ابا القاسم السلام علیک یا ماحی السلام علیک
یا عاقب السلام علیک یا بشیر السلام علیک
یا نذیر السلام علیک یا طهر السلام
علیک یا طاهر السلام علیک یا اکرم ولد
آدم السلام علیک یا خاتم النبیین السلام
علیک یا رسول رب العالمین السلام علیک

یا قائد

زیارات رسول ص

یا قائد الخیر السلام علیک یا فاتح البر السلام
علیک یا نبی الرحمة السلام علیک یا سید الامة
السلام علیک یا قائد الغر المحجلین السلام علیک
یا خیر خلق الله اجمعین السلام علیک یا ذا الوجه الاقمر
والجبین الازهر والطرف الاحور والحوض الکوثر
والشفاعة فی المحشر السلام علیک وعلی ابن
عمک المرتضی السلام علیک وعلی ابنتک فاطمة
الزهراء السلام علیک وعلی خدیجة الکبری
وعلی ولدیک الحسن والحسین السلام علیکم
یا اهل بیت النبوة ومعدن الرسالة ومختلف
الملائکة وخزان العلم ومنتهی الحلم وقادة
الامم واولیاء النعم وعناصر الابرار ودعائم

الاخيار وصفوة الملك الجبار وصفوة المرسلين
وخيرة رب العالمين اسئل الله عز وجل ان يجزيك
عنا اكرم ما جزى نبيا عن امته وصلى الله عليك
بعدد ما ذكره الذاكرون وكلما غفل عن ذكره
الغافلون وصلى الله عليك بعدد ما احاط به
علم الله وجرى به قلم وصلى الله عليك في كل وقت
واوان وصلى الله عليك في كل حين وزمان وصلى الله
عليك صلوة يهتز لها عرش الرحمن وترضى بها
ملائكة الله صلوة توجب لقائلها الجنة وتحقق
لها الاجابة حتى تزيد ايمانا وتثبيتا ورحمة
وغفرانا صلى الله عليك كما استنقذنا بك
من الضلالة وبصرنا بك من العمى وهدانا بك

من الجهالة اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد انك عبده ورسوله
وامينه وصفيه وخيرته من خلقه واشهد انك
قد بلغت الرسالة واديت الامانة ونصحت
للامة وجاهدت عدو الله وعبدت الله حتى
اتيك اليقين واشهد ان الجنة حق والنار
حق والموت حق والبعث حق والميزان حق
والصراط حق فاشهد لي بهذه الشهادة واگر نايب
باشد از ديگرى بگويد السلام عليك يا رسول الله
عن فلان ابن فلان وبجاى فلان بن فلان
اسم منوب عنه و پدر او را ذكر كند پس سوره
فاتحه را بخواند و بگويد سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر ولله الحمد ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم پس بگوی اللهم
انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله
توابا رحيما اللهم انا قد سمعنا قولك واطعنا امرك
وقصدنا نبيك مستشفعين به اليك من ذنوبنا
وما اثقل ظهورنا من اوزارنا تائبين من زللنا معترفين
بخطايانا مستغفرين من كل ذنب اكتسبناه باعيننا
ونسئلك التوبة ونستغفرك من كل ذنب اكتسبناه
بالسنتنا ونسئلك التوبة ونستغفرك من كل ذنب
اكتسبناه بايدينا ونسئلك التوبة ونستغفرك
من كل ذنب اكتسبناه ببطوننا ونسئلك التوبة

ونستغفرك

ونستغفرك من كل ذنب اكتسبناه بفروجنا ونسئلك
التوبة ونستغفرك من كل ذنب اكتسبناه بارجلنا
ونسئلك التوبة ونستغفرك من كل ذنب اكتسبناه
بقلوبنا اللهم فاغفر لنا ذنوبنا قديمها وحديثها
صغيرها وكبيرها عمدها وخطاها سرها وعلانيتها
اولها وآخرها ما علمت منها وما لم اعلم فتب علينا
واغفر لنا وارحمنا وشفع نبيك فينا وارفعنا
بمنزلته عندك وحقه عليك فاغفر لنا ما تقدم
من ذنوبنا قبل انقضاء الاجل پس دعا کن بجهة خود واز
برادران مؤمن خود و طلب کن حاجات خود را آنچه میخواهی
که انشاء الله تعالی بر آورده خواهد شد ودر وداع
با پیغمبر صلی الله علیه وآله بگو السلام علیك یا رسول الله

السلام علیک ایها البشیر النذیر السلام
علیک ایها السراج المنیر السلام علیک ایها
السفیر بین الله و بین خلقه اشهد یا رسول الله
انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام
المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک
من مدلهمات ثیابها واشهد یا رسول الله انی مؤمن
بک وبالائمة من اهل بیتک موقن بجمیع ما اتیت
به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل
بیتک اعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی
اهل الدنیا اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة
نبیک علیه وعلی آله السلام وان توفیتنی
فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی
حیوتی انک انت الله لا اله الا انت وحدک

لا شریک

لا شریک لک وان محمداً عبدک ورسولک
وان الائمة من اهل بیته اولیاؤک وانصارک
وحججک علی خلقک وخلفاؤک فی عبادک واعلامک
فی بلادک وخزان علمک وحفظة سرک وتراجمة
وحیک اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغ روح
نبیک محمد وآله فی ساعتی هذه وفی کل ساعة تحیة
منی وسلاماً و~~سلاماً~~ والسلام علیک یا رسول الله
ورحمة الله وبرکاته لا جعله الله آخر تسلیمی علیک

واما کیفیت زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

مجلسی ره مینویسد که در محل قبر آنحضرت اختلاف
است میان علما خاصه و عامه و ظاهر اکثر احادیث
معتبره آنست که آنحضرت در خانه خود مدفون

گردیدم که متصل بحجره حضرت رسول است و اکنون
ضریحی برای آنحضرت ساخته اند و بعضی گفته اند
که در روضه مدفون است که میان قبر و منبر باشد و بعضی گفته اند
در بقیع نزدیک بقبر ائمه مدفون است و احوط آنست که در هر
سه موضع زیارت کنند زیارت حضرت فاطمه ع
السَّلامُ علیکِ یا بِنتَ رسولِ اللهِ السَّلامُ
علیکِ یا بِنتَ نبیِّ اللهِ السَّلامُ علیکِ یا بِنتَ
حبیبِ اللهِ السَّلامُ علیکِ یا بِنتَ خلیلِ اللهِ
السَّلامُ علیکِ یا بِنتَ صفیِّ اللهِ السَّلامُ علیکِ
یا بِنتَ امینِ اللهِ السَّلامُ علیکِ یا بِنتَ افضلِ
انبیاءِ اللهِ و رسلِهِ و ملائکتِهِ السَّلامُ علیکِ
یا بِنتَ خیرِ البریةِ السَّلامُ علیکِ یا سیدةَ نساءِ

العالمین

العالمینَ من الاوّلینَ و الآخرینَ السَّلامُ علیکِ
یا زوجةَ ولیِّ اللهِ و خیرِ الخلقِ بعدَ رسولِ اللهِ السَّلامُ
علیکِ یا امَّ الحسنِ و الحسینِ سیدَی شبابِ اهلِ
الجنةِ السَّلامُ علیکِ ایتها الرضیةُ المرضیةُ الصدیقة
السَّلامُ علیکِ ایتها الفاضلةُ الزکیةُ السَّلامُ
علیکِ ایتها الحوراءُ الانسیةُ السَّلامُ علیکِ
ایتها التقیةُ النقیةُ السَّلامُ علیکِ ایتها
المغصوبةُ المظلومةُ السَّلامُ علیکِ ایتها
المحدَّثةُ العلیمةُ السَّلامُ علیکِ ایتها المضطهدةُ
المقهورةُ السَّلامُ علیکِ یا فاطمةُ بنتَ رسولِ اللهِ
و رحمةُ اللهِ و برکاتُهُ صلی اللهُ علیکِ و علی روحکِ
و بدنکِ اشهدُ انکِ مضیتِ علی بینةٍ

مِن نَّبِلَ وَاَنَّ مَن سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللهِ
وَمَن جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللهِ وَمَن اٰذَاكِ
فَقَدْ اٰذَى رَسُولَ اللهِ وَمَن وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ
رَسُولَ اللهِ وَمَن قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ
لِاَنَّكِ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ
كَمَا قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اُشْهِدُ اللهَ وَرُسُلَهُ وَ
مَلٰائِكَتَهُ اَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيتِ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى
مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّاْتِ مِنْهُ مُوَالٍ
لِمَنْ وَالَيْتِ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ
اَبْغَضْتِ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحْبَبْتِ وَكَفَى بِاللهِ شَهِيدًا
وَحَسِيبًا وَجَازِيًا وَمُثِيبًا بعد از آن صلوات
بفرست بر پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
و صدوق علیه الرحمه فرموده بعد از آن بگو اللهم

صلّ

صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ
عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ
وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَاِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ
بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى
سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ
عَنِ اللهِ جَعْفَرِ بْنِ وَصَلِّ عَلَى الْكَاظِمِ الْغَيْظِ
فِي اللهِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ وَصَلِّ عَلَى الرِّضَا
عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ

الحسن ابن علی وصل علی الحجة القائم
ابن الحسن بن علی اللهم احی به العدل وامت
به الجور وزین بطول بقائه الارض واظهر به
دینک وسنة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من
الحق مخافة احد من الخلق واجعلنا من اعوانه
واشیاعه والمقتولین فی زمرة اولیائه یا رب
العالمین اللهم صل علی محمد واهل بیته
الذین اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهیرا

زیارت مختصر فاطمه زهراء

السلام علیک یا سیدة نساء العالمین
السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس
اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة

الممنوع

الممنوع حقها بعد از ان بگو اللهم صل علی
امتک وابنة نبیک وزوجة وصی نبیک
صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین
من اهل السموات والارضین پس چهار رکعت
نماز زیارت کن دو رکعت برای زیارت حضرت
رسول ص و دو رکعت برای زیارت حضرت فاطمه ع
و هر حاجتی که داری بخواه پس بیا میانه منبر و قبر رسول
خدا که از روضهای بهشت است و انجا دعا
کن و حاجات خود را از خدا طلب نما و بگو اللهم
ان هذه روضة من ریاض جنتک وشعبة
من شعب رحمتک التی ذکرها رسولک وابان
عن فضلها وشرف التعبد لک فیها فقد بلغتنیها

في سلامة نفسي فلك الحمد يا سيدي على
عظيم نعمتك علي في ذلك وعلى ما رزقتنيه
من طاعتك وطلب مرضاتك وتعظيم حرمة نبيك
صلى الله عليه وآله بزيارة قبره والتسليم عليه
والتردد في مشاهده ومواقفه فلك الحمد يا مولاي
حمداً ينتظم به محامد حملة عرشك وسكان
سماواتك ويقصر عنه حمد من مضى ويفضل
حمد من بقي من خلقك ولك الحمد يا مولاي
حمد من عرف الحمد لك والتوفيق للحمد منك
حمداً يملأ ما خلقت ويبلغ حيث ما اردت
ولا يحجب عنك ولا ينقضي دونك ويبلغ اقصى

رضاك

رضاك ولا يبلغ آخره اوائل محامد خلقك
لك ولك الحمد ما عرف الحمد واعتقد الحمد
وجعل ابتداء الكلام الحمد يا باقي العز والعظمة
ودائم السلطان والقدرة وشديد البطش
والقوة ونافذ الامر والارادة وواسع الرحمة
والمغفرة ورب الدنيا والآخرة كم من نعمة
لك علي يقصر عن ايسرها حمدي ولا يبلغ
ادناها شكري وكم من صنائع منك الي
لا يحيط بكثرتها وهمي ولا يقيدها فكري اللهم
صل على نبيك المصطفى عين البرية طفلاً
وخيرها شاباً وكهلاً اطهر المطهرين شيمة

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

وأجود المستمين بنية وأعظم الخلق حرمة
الذي أوضحت به الدلالات وأتممت به الرسالات
وختمت به النبوات وفتحت به باب الخيرات
وأظهرته مظهرا وابتعثته نبيا وهاديا أمينا مهديا
وداعيا إليك ودالا عليك وحجة بين يديك
اللهم صل على المعصومين من عترته والطيبين
من أسرته وشرف لديك به منازلهم وعظم
عندك مراتبهم واجعل في الرفيق الأعلى مجالسهم
وارفع إلى قرب رسولك درجاتهم وتمم
بلقائه سرورهم ووفر بمكانه أنسهم ومستحب
است نماز بسیار در روضه و در مسجد کردن بدرستیکه
هر نمازیکه در آن جا معادل است با ده هزار نماز پس بعد
از نماز و دعا برو نزد منبر و دست بر آن بمال و در گوشه

پایین

اعمال مدینه

پایین منبر را دست بزن و به چشمها و صورت خود بمال که باعث
شفای چشم میشود و بخوان کلمات فرج را و حمد و ثنای
الهی نزد منبر بجا آور و حاجات خود را از خدا مسئلت نما
پس بیا نزد ستون ابی لبابه که مشهور بستون توبه است
و در آنجا دو رکعت نماز بکن و بگو بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم لا تهنّي بالفقر ولا تذلّني بالدين
ولا تردّني إلى الهلكة واعصمني كي أعتصم
وأصلحني كي أنصلح واهدني كي أهتدي
وأعنّي على اجتهاد نفسي ولا تعذبني بسوء
ظني ولا تهلكني وأنت أهل لي وأنت أهل
أن تغفر لي وقد أخطأت وأنت أهل أن تعفو
عني وقد أقررت وأنت أهل أن تقيل وقد عثرت

اعمال مدینه متبرکه

وَاَنْتَ اَهْلُ اَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ اَسَأْتُ وَاَنْتَ اَهْلُ
التَّقْوىٰ وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَوَفِّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ
وَيَسِّرْ لِيَ الْيَسِيرَ وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَسِيرٍ اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي
بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ وَبِالطَّاعَةِ عَنِ الْمَعَاصِي وَبِالْغِنىٰ
عَنِ الْفَقْرِ وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ وَبِالْاَبْرَارِ عَنِ الْفُجَّارِ
يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَاَنْتَ
عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و هر حاجتی که داری بخواه که بر آورده
میشود انشاء الله تعالی پس برو بمقام جبرئیل که تحت ناودانست
و مستحب است آنجا دو رکعت نماز بگذارند و هر دعا که خواهی
البته مستجاب میشود انشاء الله تعالی و این دعا را بخوانند
اَیْ جَوَادُ اَیْ کَرِیمُ اَیْ قَرِیبُ اَیْ بَعِیدُ اَسْأَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَسْأَلُکَ اَنْ

ترد

اذن دخول ائمه بقیع

اَنْ تَرُدَّ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ اما کیفیت زیارت
ائمه بقیع صلوات الله علیهم اینست که مجلسی ره
روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی ائمه بقیع را پس
غسل کن و جامه‌های پاک بپوش و خود را خوشبو کن
ببوی خوش پس بایست بر در حرم مبارک و اذن دخول

اذن دخول حرم بخوان باین نحو ائمه بقیع ع

يَا مَوَالِيَّ يَا اَبْنَاءَ رَسُولِ اللّٰهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ اَمَتِكُمْ
الذَّلِيلُ بَيْنَ اَيْدِيكُمْ وَالْمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ
وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيراً بِكُمْ قَاصِداً
اِلىٰ حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّباً اِلىٰ مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلاً
اِلَى اللّٰهِ تَعَالىٰ بِكُمْ ءَاَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ ءَاَدْخُلُ

زیارت جامعه طویله

یا اولیاء الله ءادخل یا ملائکة الله المحدقین
بهذا الحرم المقیمین بهذا المشهد پس با خشوع
ودقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو بسم الله
بعد از آن بگو الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا
وسبحان الله بکرة واصیلا والحمد لله الفرد
الصمد الماجد الاحد المتفضل المنان
المتطول الحنان الذی من بطوله وسهل
زیارة سادتی باحسانه ولم یجعلنی
عن زیارتهم ممنوعا بل تطول ومنح پس
برو نزد قبور ائمه بقیع و پشت بقبله کن و رو
بقبر ایشان بایست و نیت کرده زیارت
بخوان باین نحو زیارت جامعه طویله

السلام

زیارت جامعه

السلام علیکم ائمة الهدی السلام علیکم
اهل التقوی السلام علیکم ایها الحجج علی اهل
الدنیا السلام علیکم ایها القوام فی البریة
بالقسط السلام علیکم اهل الصفوة السلام
علیکم آل رسول الله السلام علیکم اهل النجوی
اشهد انکم قد بلغتم ونصحتم وصبرتم
فی ذات الله وکذبتم واسیء الیکم فغفرتم
واشهد انکم الائمة الراشدون المهتدون
وان طاعتکم مفروضة وان قولکم الصدق
وانکم دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا
وانکم دعائم الدین وارکان الارض لم
تزلوا بعین الله ینسخکم من اصلاب کل مطهر

جامعه کبیره

وينقلكم من ارحام المطهرات لم تدنسكم الجاهلية
الجهلاء ولم تشرك فيكم فتن الاهواء طبتم
وطاب منبتكم منّ بكم علينا ديان الدين فجعلكم
في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه
وجعل صلواتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا
اذ اختاركم الله لنا وطيب خلقنا بما منّ به
علينا من ولايتكم وكنا عنده مسمين بعلمكم
معترفين بتصديقنا اياكم وهذا مكان من
اسرف واخطا واستكان واقرّ بما جنى ورجا
بمقامه الخلاص وان يستنقذه بكم مستنقذ
الهلكى من الردى فكونوا لي شفعاء فقد
وفدت اليكم اذ رغب عنكم اهل الدنيا

واتخذوا

زيارت ائمه بقيع

واتخذوا آيات الله هزوا واستكبروا عنها يا من هو قائم
ودائم لا يلهو ومحيط بكل شيء لك المنّ
بما وفقتني وعرفتني بما اقمتني عليه اذ صدّ عنه
عبادك وجهلوا معرفته واستخفوا بحقه
ومالوا الى سواه فكانت المنّة منك عليّ مع
اقوام خصصتهم بما خصصتني به فلك الحمد
اذ كنت عندك في مقامي هذا مذكورا مكتوبا
فلا تحرمني ما رجوت ولا تخيبني فيما دعوت
پس از برای هر امامی دو رکعت نماز زیارت بگذارد

زیارت جامعه دیگر که تمام ائمه اربعه بقیع را

بان زیارت میتوان کرد منقولست از کتب
مزار که بعد از رعایت آداب زیارت بگو

السلام عليكم ائمة المؤمنين وسادة المتقين
وكبراء الصديقين وامراء الصالحين وقادة المحسنين
واعلام المهتدين وانوار العارفين وورثة الانبياء
وصفوة الاصفياء وخيرة الاتقياء وعباد الرحمن
وشركاء الفرقان ومنهج الايمان ومعادن الحقائق
وشفعاء الخلائق ورحمة الله وبركاته اشهد
انكم ابواب نعم الله التي فتحها على بريته والاعلام
التي فطرها للارشاد خليقته والموازين التي
نصبها لتهذيب شريعته وانكم مفاتيح رحمته
ومقاليد مغفرته وسحائب رضوانه ومصابيح
جنانه وحملة فرقانه وخزنة علمه وحفظة سره
ومهبط وحيه ومعادن امره ونهيه وعندكم
امانات النبوة وودائع الرسالة وفي بيتكم

نزل

نزل الفرقان ومن داركم ظهر الاسلام والايمان
واليكم تختلف رسل الله والملائكة وانتم اهل
ابراهيم عليه السلام الذين ارتضاكم الله عز وجل
للامامة واجتباكم للخلافة وعصمكم من الذنوب
وبراكم من العيوب وطهركم من الرجس وفضلكم
بالنوع والجنس واصطفاكم على العالمين بالنور
والهدى والعلم والتقى والحلم والنهى والسكينة
والوقار والخشية والاستغفار والحكمة والآثار
والتقوى والعفاف ورضا الكفاف والقلوب
الزاكية والنفوس العالية والاشخاص المنيرة
والاحساب الكبيرة والانساب الطاهرة والانوار
الباهرة الموصلة والاحكام المقرونة وارحامكم

بالآيات وأيدكم بالبينات وأعزكم بالحجج
البالغة والأدلة الواضحة وخصكم بالأقوال
الصادقة والأمثال الناطقة والمواعظ الكافية
والحكم البالغة وورثكم علم الكتاب ومنحكم
فصل الخطاب وأرشدكم لطرق الصواب وأودعكم
علم المنايا والبلايا ومكنون الخفايا ومعالم
التنزيل ومفاصل التأويل ومواريث الأنبياء
كتابوت الحكمة وشعار الخليل ومنساة الكليم
وسابغة داود وخاتم الملك وفضل المصطفى
وسيف المرتضى والجفر العظيم والإرث ضرب
لكم في القرآن أمثالا وامتحنكم بلوى وأحلكم
محل نهر طالوت وحرم عليكم الصدقة وأحل
لكم الخمس ونزهكم عن الخبائث ما ظهر منها

وما بطن

وما بطن فأنتم العباد المكرمون والخلفاء
الراشدون والأوصياء المصطفون والأولياء
المرضيون والأئمة المعصومون والعلماء
الصادقون والحكماء الراسخون المبينون والبررة
النذراء الشرفاء الفضلاء والسادة الأتقياء
الآمرون بالمعروف والناهون عن المنكر واللا
بسون شعار البلوى ورداء التقوى والمتسر
بلون نور الهدى والصابرون في البأساء
والضراء وحين البأس ولدكم الحق وبالكم
الصدق وغذاكم اليقين ونطق بفضلكم
الدين وأشهد أنكم السبيل إلى الله عز وجل

والطرق الى ثوابه والهداة الى خليقته واوتاده
في ارضه وخزانه على علمه وانصار كلمته
التقوى ومعالم سبل الهدى ومفزع العباد
اذا اختلفوا والدالون على الحق اذا تنازعوا
والنجوم التي بكم يهتدى وباقوالكم وافعالكم يقتدى
وبفضلكم نطق القران وبولايتكم كمل الدين
والايمان وانكم على منهاج الحق ومن خالفكم
على منهاج الباطل وان الله اودع قلوبكم اسرار
الغيوب ومقادير الخطوب واوفد اليكم تاييد
السكينة وطمانينة الوقار وجعل ابصاركم
مطالع القدرة وارواحكم معادن القدس
فلا ينعتكم الا الملائكة ولا يصفكم الا الرسل

انتم امناء الله واحباؤه وعباده واصفياؤه و
انصار توحيده واركان تمجيده ودعائم تحميده
ودعاته الى دينه وحرسة خلائقه وحفظة
شرايعه وانا اشهد الله خالقي واشهد ملائكته
وانبيائه ورسله واشهدكم اني مؤمن بكم
مقر بفضلكم معتقد بامامتكم مؤمن بعصمتكم
خاضع بولايتكم متقرب الى الله سبحانه بحبكم
وبالبرائة من اعدائكم عالم بان الله جل جلاله
قد طهركم من الفواحش ما ظهر منها وما بطن
ومن كل ريبة ورجاسة ودنائة ونجاسة واعطا
راية الخلق من تقدمها ضل ومن تخلف عنها
ذل وفرض طاعتكم ومودتكم على كل اسود
وابيض من عباده فصلوات الله عليكم وعلى ارواحكم

وأجسادكم پس خود را بغرجه بچسباند و بگوید السلام
على أبي محمد الحسن بن علي سيد شباب أهل الجنة
السلام على أبي الحسن علي ابن الحسين زين العابدين
السلام على أبي جعفر محمد بن علي باقر علم الدين
السلام على أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق
الأمين ورحمة الله وبركاته بأبي أنتم وأمي لقد صنعتم
ثدي الإيمان وربيتم في حجر الإسلام واصطفاكم
الله على الناس وورثكم علم الكتاب وعلمكم فصل
الخطاب وأجرى فيكم مواريث النبوة وفجر بكم
ينابيع الحكمة وألزمكم بحفظ الشريعة وفرض
طاعتكم ومودتكم على الناس السلام على الحسن
بن علي خليفة أمير المؤمنين الإمام الوصي الهادي
المرضي علم الدين وإمام المتقين العامل بالحق

والقائم

والقائم بالقسط أفضل وأطيب وأزكى وأنمى
ما صليت على أحد من أوليائك وأصفيائك
وأحبائك صلوة تبيض بها وجهه وتطيب بها
روحه فقد لزم عن آبائه الوصية ودفع عن الإمام
البلية فلما خاف على المؤمنين الفتن ركن إلى الذي
إليه ركن وكان بما آتيه الله عالما بدينه قائما بالحزم
اللهم جزاء العارفين وصل عليه في الأولين و
الآخرين وبلغه منا السلام واردد علينا منه
السلام برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل
على الإمام الوصي والسيد الرضي والعابد الأمين
علي ابن الحسين زين العابدين إمام المؤمنين
ووارث علم النبيين اللهم لخصصه بما خصصت
به أولياءك من شرائف رضوانك وكرائم تحياتك

وتوامی برکاتك فلقد بلغ فی عبادته ونصح
لك فی طاعته وسارع فی رضاك وسلك بالامة
طریق هداك وقضی ما كان علیه من حقك فی دولته
وادی ما وجب علیه فی ولایته حتی انقضت ایامه
وكان لشیعته رؤفا وبرعیته رحیما اللهم بلغه
منا السلام واردد منه علینا السلام والسلام
علیه ورحمة الله وبركاته اللهم وصل علی الوصی
الباقر والامام الطاهر والعلم الظاهر محمد بن
علی ابی جعفر الباقر اللهم صل علی ولیك
الصادع بالحق والناطق بالصدق الذی بقر العلم
بقرا وبینه سرا وجهرا وقضی الحق الذی كان
علیه وادی الامانة التی صارت الیه وامر بطاعتك

ونهی

ونهی عن معصیتك اللهم فكما جعلته نورا
یستضیء به المؤمنون وفضلا یقتدی به
المتقون فصل علیه وعلی آبائه الطاهرین وابنائه
المعصومین افضل الصلوة واجزلها واعطه
سؤله وغایة مأموله وابلغه منا السلام واردد
علینا منه السلام والسلام علیهم ورحمة الله وبركاته
اللهم وصل علی الامام الهادی وصی الاوصیاء
ووارث علم الانبیاء علم الدین والناطق بالحق
والیقین وابی المساكین جعفر بن محمد الصادق
الامین اللهم فصل علیه كما عبدك مخلصا
واطاعك مخلصا مجتهدا واجزه عن احیاء
سنتك واقامة فرائضك خیر جزاء المتقین

وافضل ثواب الصالحین وخصنا بالسلم
واردد علینا منه السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
پس زیارت کن فاطمه بنت اسد علیها السلام را و مجلسی ره
مینویسد دو دنیت موضعیکه در پیش روی ائمه علیهم السلام
که زیارت فاطمه زهرا سلام الله علیها را در انجا میکنند
محل قبر فاطمه بنت اسد باشد بو نزدیک قبر و بگو السلام
علی نبی الله السلام علی رسول الله السلام علی
محمد سید المرسلین السلام علی محمد سید الاولین
السلم علی محمد سید الآخرین السلام علی
من بعثه الله رحمة للعالمین السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی فاطمة
بنت اسد الهاشمیة السلام علیک ایتها
الصدیقة المرضیة السلام علیک ایتها
التقیة النقیة السلام علیک ایتها الکریمة

الرضیة

الرضیة السلام علیک یا کافلة محمد خاتم
النبیین السلام علیک یا والدة سید الوصیین
السلام علیک یا من ظهرت شفقتها علی رسول الله
خاتم النبیین السلام علیک یا من تربیتها لولی الله
الامین السلام علیک وعلی روحک وبدنک
الطاهر السلام علیک وعلی ولدک ورحمة الله
وبرکاته اشهد انک احسنت الکفالة وادیت
الامانة واجتهدت فی مرضات الله وبالغت فی
حفظ رسول الله عارفة بحقه مؤمنة بصدقه
معترفة بنبوته مستبصرة بنعمته کافلة بتربیته
مشفقة علی نفسه واقفة علی خدمته مختارة
رضاه واشهد انک مضیت علی الایمان والتمسک

بأشرف الأديان راضية مرضية طاهرة زكية
تقية نقية فرضي الله عنك وأرضاك وجعل
الجنة منزلك ومأويك اللهم صل على محمد
وآل محمد وانفعني بزيارتها وثبتني على محبتها
ولا تحرمني شفاعتها وشفاعة الأئمة من ذريتها
وارزقني مرافقتها واحشرني معها ومع أولادها
الطاهرين اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي
إياها وارزقني العود إليها أبدا ما أبقيتني
وإذا توفيتني فاحشرني في زمرتها وأدخلني
في شفاعتها برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم بحقهما عندك ومنزلتهما لديك
اغفر لي ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات

وآتنا

وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا برحمتك عذاب النار بعد از آن دو
رکعت نماز زیارت بجا بیاوری و حاجات خود را
از خدا میخواهی پس برو در بیت الاحزان و
دو رکعت نماز بکن و بعد از آن زیارت کن قبر ابراهیم
فرزند رسول خدا را در بقیع و قبه آنحضرت معروفست
پس روانه شو نزد قبر آنحضرت و بگو السلام على
رسول الله السلام على نبي الله السلام على حبيب الله
السلام على صفي الله السلام على نجي الله السلام
على محمد بن عبد الله سيد الأنبياء وخاتم
المرسلين وخيرة الله من خلقه في أرضه وسمائه
السلام على جميع أنبياء الله ورسله السلام على
السعداء والشهداء والصالحين السلام علينا

وعلى عباد الله الصالحين السلام عليك ايها
الروح الزاكية السلم عليك ايها النفس الشريفة
السلام عليك ايها السلالة الطاهرة السلام
عليك ايها النسمة الزاكية السلام عليك يا بن
خير الورى السلم عليك يا بن نبي المجتبى السلام
عليك يا بن المبعوث الى كافة الورى السلام عليك
يا بن البشير النذير السلام عليك السراج المنير
السلام عليك يا بن المويد بالقران السلام
عليك يا بن المرسل الى الانس والجان السلم
عليك يا بن صاحب العلامة السلام عليك
يا بن شفيع يوم القيمة السلام عليك يا بن
من حباه الله بالكرامة السلام عليك ورحمة الله

وبركاته

وبركاته اشهد انك قد اختار الله لك دار
انعامه قبل ان يكتب عليك احكامه او يكلفك
حلاله وحرامه فنقلك اليه طيبا زاكيا مرضيا
طاهرا من كل نجس مقدسا من كل دنس وبوأك
جنة المأوى ورفعك الى الدرجات العلى وصلى
الله عليك صلوة يقر بها عين رسوله ويبلغه
اكبر مأموله اللهم اجعل افضل صلواتك
ازكاها وانمى بركاتك واوفاها على رسولك
ونبيك وخيرتك من خلقك محمد خاتم النبيين
وعلى من نسل من اولاده الطيبين وعلى من خلف
من عترته الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اني اسئلك بحق محمد صفيك وابراهيم

نجل نبیک ان تجعل سعیی بهم مشکورا وذنبی
بهم مغفورا وحیوتی بهم سعیدة وعاقبتی
بهم حمیدة وحوائجی بهم مقضیة وافعالی بهم
مرضیة واموری بهم مسعودة وشؤنی
بهم محمودة اللهم واحسن لی التوفیق
ونفس عنی کل هم وضیق اللهم جنبنی
عقابک وامنحنی ثوابک واسکنی جنانک
وارزقنی رضوانک وامانک واشرکنی فی صالح
دعائی والدی وولدی وجمیع المؤمنین
والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات انک
ولی الباقیات الصالحات امین رب العالمین

بعد از آن

بعد از آن بطلب حاجات خود دعا و دو رکعت نماز زیارت
بجا بیاور پس زیارت کن قبر عبدالله ابن جعفر و عقیل را
که هر دو در یک بقعه هستند و قبور سایر صحابه و اقرباء
پیغمبر که در بقیع مدفون اند و هرگاه خواهی که ائمه
بقیع را وداع کنی پس بگو   زیارت وداع ائمه بقیع
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته استودعکم
الله واقرء علیکم السلام امنا بالله وبالرسول
وبما جئتم به ودللتم علیه اللهم فاکتبنا
مع الشاهدین پس دعا بسیار کن و از خدا مسئلت
نما که دیگر ترا به زیارت ایشان برگرداند زیارت
عبدالله پدر رسول خدا صلی الله علیه واله
السلام علیک یا صاحب المجد الاصیل

زیارت وداع ائمه بقیع

زیارت عبدالله

السلام علیک یا خیر فرع دوحة الخلیل
السلام علیک یا من خصه الله الجلیل السلام
علیک یا ابن الذبیح اسمعیل السلام یا سلالة
الابرار السلام علیک یا قمر الاقمار السلام
علیک یا نجم الظلام و شمس النهار السلام
علیک یا نور الانوار السلام علیک یا حقیقا
بالفخر و الافتخار السلام علیک یا ابا النبی
المختار و عم الوصی الکرار و والد الائمة
الاطهار السلام علیک یا من اضاء بنور
جبینه عند ولادته اطراف السماء
السلام علیک یا یوسف عبد المناف

السلام علیک یا رجاء من رجاه و مأمن من خاف
السلام علیک یا من سلک مسلک جده اسمعیل
فاسلم لابیه لیذبحه ذبح الخلیل السلام
علیک یا من فداه الله بما فداه و تقبله فاعطاه
امه و اباه السلام علیک یا حامل نور
النبوة السلام علیک یا جامع شمل الفتوة
السلام علیک یا اشرف الناس فی الابوة
و البنوة السلام علیک یا من بشر بمحمد
بالبشارات السلام علیک یا من نودی لشرب
الماء و هو عطشان بالعرفات و کان الماء
ابرد من الثلج و احلی من العسل و اطیب

من الملك فشربه شرابات السلام عليك
يا من اخلص العبودية لله السلام عليك
يا من سمي عبد الله السلام عليك يا والد
رسول الله وخاتم النبيين السلام عليك
يا ابا الطاهرين بعد الطاهرين وابن
الطاهرين ورحمة الله وبركاته از جمله
مستحبات موكده زيارت حمزه وساير شهداء
احد مي باشد پس برو با احد وابتدا كن در احد
بمسجدي كه نزديك سنك كلاخ يعني در پايين
سنكستان است ودر ان دو ركعت نماز كن ان
از ان برو نزد قبر حمزه وزيارت كن ان
حضرت را باين نحو زيارت حمزه وشهداء احد

زيارت حمزه سيد الشهداء

السلام

السلام عليك يا عم رسول الله السلام
عليك يا خير الشهداء السلام عليك يا اسد
الله واسد رسوله اشهد انك قد جاهدت
في الله عز وجل وجدت بنفسك ونصحت لرسول الله
وكنت فيما عند الله سبحانه راغبا بابي انت
وامي اتيتك متقربا الى رسول الله صلى الله عليه
واله بذلك راغبا اليك في الشفاعة ابتغي
بزيارتك خلاص نفسي متعوذا بك من نار
استحقها مثلي بما جنيت على نفسي هاربا من
ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا اليك
رجاء رحمة ربي اتيتك من شقة بعيدة طالبا

فكاك رقبتي من النار وقد اوقرت ظهري ذنوبي
واتيت ما اسخط ربي ولم اجد احداً افزع
اليه خيراً لي منكم اهل بيت الرحمة فكن لي
شفيعاً يوم فقري وحاجتي فقد سرت اليك
محزوناً واتيتك مكروباً وسكبت عبرتي
عندك باكياً وصرت اليك مفرداً وانت
ممن امرني الله بصلته وحثني على بره ودلني
على فضله وهداني لحبه ورغبني في الوفادة
اليه والهمني طلب الحوائج عنده انتم
اهل بيت لا يشقى من تولاكم ولا يخيب
من اتاكم ولا يخسر من يهواكم ولا يسعد

من عاداكم

من عاداكم پس روی خود را بجانب قبله کن و دو
رکعت نماز زیارت بجا بیاور و پس همینکه از نماز
فارغ شدی خود را بچسبان بضریح و بگو
اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم
اني تعرضت لرحمتك بلزومي لقبر عم نبيك
صلى الله عليه وآله ليجيرني من نقمتك في يوم
تكثر فيه الاصوات وتشغل كل نفس بما
قدمت وتجادل عن نفسها فان ترحمني
اليوم فلا خوف علي ولا حزن وان تعاقب
فمولى له القدرة على عبده ولا تخيبني
بعد اليوم ولا تصرفني بغير حاجتي فقد

لصقت بقبر عم نبيك وتقربت به اليك
ابتغاء مرضاتك ورجاء رحمتك فتقبل
مني وعد بحلمك على جهلي وبرأفتك على
جناية نفسي فقد عظم جرمي وما اخاف
ان تظلمني ولكن اخاف سوء الحساب
فانظر اليوم تقلبي على قبر عم نبيك فبهما
فكني من النار ولا تخيب سعيي ولا يهونن
عليك ابتهالي ولا تحجبن عنك صوتي
ولا تقلبني بغير حوائجي يا غياث كل مكروب
ومحزون ويا مفرج عن الملهوف
الحيران الغريق المشرف على الهلكة

فصل على محمد وال محمد وانظر الي
نظرة لا اشقى بعدها ابدا وارحم تضرعي
وعبرتي وانفرادي فقد رجوت رضاك
وتحريت الخير الذي لا يعطيه احد سواك
فلا ترد املي اللهم ان تعاقب فمولى
له القدرة على عبده وجزائه بسوء
فعله فلا اخيبن اليوم ولا تصرفني
بغير حاجتي ولا تخيبن شخوصي ووفادتي
فقد انفدت نفقتي واتعبت بدني
وقطعت المفازات وخلفت الاهل
والمال وما خولتني واثرت ما عندك

على نفسي ولذت بقبر عم نبيك صلى الله
عليه وآله وتقربت به ابتغاء مرضاتك فعد
بحلمك على جهلي وبرأفتك على ذنبي فقد عظم
جرمي برحمتك يا كريم يا كريم پس متوجه قبور
شهدای احد شو و زیارت کن ایشان را بدین نحو
السلام عليكم يا اهل الديار انتم لنا
فرط وانا بكم لاحقون پس بگو
السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار
پس بخوان سوره انا انزلناه هر قدر که میتوانی
و دو رکعت نماز نیز بجا آور نزد ایشان بعد از آن
برو بمسجد یکه در مکان گشاده است در پهلوی کوه

سمت

سمت دست راست راه و وقتیکه داخل احد میشوی
و دو رکعت نماز بجا آور ایضا از جمله از نماز
و دعا در مسجد قبا و مجلسی در تحفه فرموده و از اول
مسجدیست که حضرت رسول خدا در این عرصه در آن
نماز کرده و دو رکعت نماز در آن ثواب یک عمره دارد و آن
در سمت جنوب مدینه واقع است بفاصله
دو میل تخمینا چون داخل مسجد شوی دو رکعت
نماز تحیت مسجد بجا آورده و بعد از فراغ از نماز
و تسبیح بگو السلام على اولياء الله واصفيائه
السلام على انصار الله وخلفائه السلام
على محال معرفة الله السلام على معادن حكمة الله
السلام على عباد الله المكرمين الذين لا

يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام
على مظاهر امر الله ونهيه السلام على الادلاء
على الله السلام على المستقرين في مرضات الله
السلام على المخلصين في طاعة الله السلام
على الذين من والاهم فقد والى الله ومن عاداهم
فقد عادى الله ومن عرفهم فقد عرف الله
ومن جهلهم فقد جهل الله اشهد الله
اني حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمكم مؤمن
بما آمنتم به كافر بما كفرتم به محقق لما
حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم
وعلانيتكم مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله
عدوكم من الجن والانس وضاعف عليهم

العذاب

العذاب الاليم پس حاجات خود را بخواه وبگو
يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا بعد هلاك
كل شيء لا يستتر عنه شيء ولا يشغله شيء
عن شيء كيف تهتدي القلوب لصفتك
او تبلغ العقول نعتك وقد كنت قبل الواصفين
من خلقك ولم ترك العيون بمشاهدة الابصار
فتكون بالعيان موصوفا ولم تحط بك الا
وهام فتوجد متكيفا محدودا وحارت الابصار
دونك فكلت الالسن عنك وعجزت الاوهام
عن الاحاطة بك وغرقت الاذهان في نعت
قدرتك وامتنعت عن الابصار رؤيتك

وتعاليت عن التوحيد ازليتك وصار كل
شيء خلقته حجة لك ومنتسبا الى فعلك
وصادرا عن صنعك فمن بين مبتدع يدل
على ابداعك ومصور يشهد بتصويرك
ومقدر ينبئ عن تقديرك ومدبر ينطق
عن تدبيرك ومصنوع يومي الى تاثيرك
وانت لكل جنس من مصنوعاتك ومروباتك
ومفطوراتك صانع وبارئ وفاطر
لم تمارس في خلقك السموات والارض
نصبا ولا في ابتداعك اجناس المخلوقين
تعبا ولا لك حال فتكون اولا

قبل

قبل ان تكون اخرا وتكون ظاهرا قبل ان تكون
باطنا احاط بكل شيء علمك واحصى كل شيء
عددا غيبك لست بمحدود فتدركك الابصار
ولا بمتناه فتحويك الانظار ولا بجسم تكشفك
الاقدار ولا بمرئي فتحجبك الاستار ولم تشبه
شيئا فيكون لك مثلا ولا كان معك شيء فتكون
له ابتداءات الخلق لا من شيء كان من اصل
يضاف اليه فعلك حتى تكون لمثاله محتذيا
وعلى قدر هيئته به عظمة ولا ملكا ولم
تكون سمواتك وارضك واجناس خلقك
لتشديد سلطانك ولا لخوف من زوال نقصان

مهيبا لاحد
لك اذ حقيقته
علما دم تقد

ولا استعانة على ضد مكاثر او ند مشاور
ولا يؤدك حفظ ما خلقت ولا تدبير ما
ذرأت ولا من عجز اكتفيت بما برأت ولا
مسك لغوب فيما فطرت وبنيت وعليه قدرت
ولا دخلت عليك شبهة فيما اردت يا من
تعالى عن الحدود وعن اقاويل المشبهة والغلاة
واجبار العباد على المعاصي والاكتساب ويا من
تجلى لعقول الموحدين بالشواهد والدلالات
ودل العباد على وجوده بالايات البينات القاهرات
اسئلك ان تصلي على محمد عبدك المصطفى
وحبيبك المجتبى نبي الرحمة والهدى وينبوع

الحكمة

دعاء مسجد احزاب

الحكمة والندى ومعدن الخشية والتقى سيد
المرسلين وخاتم النبيين وافضل الاولين
والاخرين وعلى آله الطيبين الطاهرين وافعل
بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين پس برو
بمشربه مادر ابراهیم و آن مسکن جناب رسول خدا
صلى الله عليه وآله بوده در آنجا دو رکعت نماز بجا آور
پس برو بمسجد خلوتخانه امیر المؤمنین و خانه امام
جعفر الصادق که بر در مسجد است و دو رکعت
نماز در آنجا بکن و نیز مستحب است که نماز کند بر خانه
امام زین العابدین ع پس برو بمسجد فضیح و آن
واقع است در سمت شرقی مسجد قبا و رد شمس همانجا
شده دو رکعت نماز در آنجا نیز بجا آور و از جمله مستحبات

نماز در مسجد جناب امیر المؤمنین و مسجد سلمان رضی الله
عنه و مسجد سقیا و مسجد احزاب که او را مسجد فتح
نیز گویند و این مسجد واقع است طرف احد با این معنی
که از مدینه چون باحد روی این مساجد جانب چپ
میافتد پس در هر یک از این مسجدها دو رکعت نماز بجا آور
و در مسجد فتح بعد از نماز این دعا را بخوان یا صریخ
المکروبین یا مجیب دعوة المضطرین اکشف
غمی و همی و کربی کما کشفت عن نبیک همه و غمه
و کربه و کفیته هول عدوه و اکفنی ما اهمنی
من امر الدنیا و الاخرة یا ارحم الراحمین ایضا
از جمله مستحبات روزه گرفتن سه روز است در مدینه طیبه
خواه قصد اقامه عشره داشته باشد خواه نداشته
باشد هر چند روزه در حق مسافر جایز نیست

ولکن

ولکن این سه روزه برای او مستثنی شده و از روزه
روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است و شب چهارشنبه
نزد ستون ابی لبابه که مشهور است بستون توبه است
نماز کند و روز چهارشنبه در نزد آن میمانی و شب
پنجشنبه نزد ستون بیکه بعد از او است که پهلوی
مقام حضرت رسول است پس میمانی از شب را و فردای
آن یعنی روز پنجشنبه را و روزه میداری و روز پنجشنبه را
پس میروی بنزد ستونیکه متصل بمقام حضرت رسول است
و شب جمعه و روز جمعه در نزد آن نماز میگذاری
و روز جمعه را روزه میداری و اگر بتوانی در این
سه روز سخن مگو مگر بقدر ضرورت و از مسجد
بیرون مرو مگر بجهت حاجتی و شب و روز خواب مکن

غدیر خم

بدرستیکه این عمل فضیلت عظیم دارد پس در روز
جمعه حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمد و آل
او بفرستد و سؤال کند حاجات خود را از خدا
و بگوید در جمله دعاهای خود اللّهم ما كانت
لي اليك من حاجة شرعت انا في طلبها و التماسها
او لم اشرع سألتكها او لم اسألكها فاني
اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة في قضاء
حوائجي صغيرها و كبيرها اگر چنین کند سزاوار آن
که حاجتش بر آورده شود ایضا مستحب است زیارت
ابی ذر غفاری در ربذه و آن نزدیک به صفرا است
از جانب راست راه نسبت بکسیکه از مکه بمدینه
رود و ایضا زیارت مسجد غدیر خم است که
نزدیک به جحفه است در بین راه مدینه از منزل

رابع بفاصله چند فرسخ که یک منزل صغیر میتوان
دانست هرچند قافله از آن راه نمی آید و نمیرود
مگر حجاج مؤمنین اگر خواسته باشند جمالان را
بپول و اجرت راضی کرده خواه وقت رفتن
بمدینه خواه وقت برگشتن آنجا رفته دعا و نماز
در آن مسجد نمایند که از مکانیست که حضرت
رسول صلعم بامر خداوند عالم در آنجا حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را خلیفه و جانشین خود
کردانید و فرمود من كنت مولاه فهذا علي
مولاه اللّهم وال من والاه و عاد من عاداه
وانصر من نصره واخذل من خذله اللّهم

اجعلنا من شيعته ومواليه وثبتنا بولايته
في الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد وآله الطيبين الطاهرين

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب
في يوم الواحد والعشرين من شهر جمادى
الثانية سنة الواحد واربعين
وثلثمائة بعد الالف
١٣٤١
هزار و سیصد و چهل و یک

حرره العبد المذنب حاج محمد جواد الرزقی

این نوشته در آخر همین کتاب بچاپ نوشته شده و رساله
وعده سال العبادی رساله بسم الله الرحمن الرحیم که خودم از حج امده بودم
نجف نماند مناسک مرحوم آیة الله الملک الباری الشیخ مرتضی
الانصاری مع حواشی حجة الاسلام میرزای شیرازی قدس سرهما
مکرر بطبع رسیده بود و لکن فعلاً کم نسخه بود و از برای حجاج

بسهولت

بسهولت بدست نمیامد و چون در نسخه های قبل اعمال و زیارات
مکه معظمه و دعاء عرفه صحیفه و دعاء عرفه حضرت سید الشهداء
و زیارات مدینه طیبه و اعمال مساجد و مشاهدیکه در بیرون
مدینه میباشند هم نبود لهذا این احقر از زاد مرحوم مجلسی
و کتب دیگر انتخاب نموده و باخر مناسک ملحق نموده تا اینکه
فائده اش اتم و نفعش اکثر بوده باشد و کمال دقت و اهتمام
در تصحیح آن نموده است دعاء آن از ناظرین و عاملین بآن آنکه
که حقیر و والدین مرا در مظان استجابت دعا فراموش ننمایند
یا من له الدنیا و الاخرة ارحم من لیس له الدنیا و الاخرة
و انا المذنب الفانی محمد حسن ابن محمد باقر التستری
النجفی فی شهر جمادی
الاول ١٣٢٥